مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۸۷۳
Mojahed 873
دوشنبه ۱۶ مهر ۱۳۸۶
۲۶ رمضان ۱۴۲۸
Octobr 8 2007
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

بیش از ۷۰۰شخصیت عراقی: بحران کنونی عراق محصول مسلط‌شدن رژیم ایران بر عراق است

بیش از ۷۰۰شخصیت عراقی شامل نمایندگان پارلمان، شخصیتهای سیاسی و دولتی، حقوقدانان و شیوخ عشایر، طی نامه‌یی به دبیرکل ملل متحد، بحران کنونی عراق را محصول مسلط‌شدن رژیم ایران بر عراق توصیف کردند و خواهان دخالت برای برگزاری انتخابات زودرس با تضمینهای مکفی بین‌المللی شدند.

ـ شخصیتهای عراقی امضاکنندگان این نامه نسبت به سوءاستفاده از «ماسک دموکراتیک» برای سرکوب وحشیانه مخالفان هشدار دادند

وحشیانه‌ترین سرکوبی که تاریخ ما به خود دیده است با استفاده از ماسک دموکراتیک و «مشروعیت انتخاباتی» لاپوشانی می‌شود، در حالی‌که همه می‌دانند اهرم واقعی آنها برای حکومت، نه دموکراسی و رأی مردم، بلکه آدمکشی و قتل و جوخه‌های مرگ و تروریسم و ارعاب و بمبهای وارداتی از ایران است.

در صفحه۴

از راست، ژاک گایو، دکتر صالح رجوی، ژان‌پیر برار، پیربرسی، دانیل ژاکوبی

انیسه بومدین، ژیل پارونل، محمدرضا روحانی، پاتریک بودوئن

کنفرانس در پاریس علیه اعدامهای فزاینده در ایران

ایران آخوندها: سرزمین مرگ

این کنفرانس با شرکت شماری از نمایندگان مجلس ملی فرانسه، حقوقدانان، شخصیتهای مدافع حقوق بشر، هیأتی از جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی خلقها (مراب) و شماری از اعضای شورای ملی مقاومت برگزار شد و طی آن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم آخوندی و به‌ویژه افزایش اعدامهای خیابانی و هم‌چنین سیاست مماشات با دیکتاتوری آخوندی به شدت محکوم شد.

سخنرانان:

ژان پیر برار نماینده مجلس فرانسه ـ شهردار شهر مونتروی، اسقف ترقیخواه فرانسوی ژاک گایو، ژیل پارونل، وکیل ـ رئیس سابق کانون وکلای استان والدواز فرانسه، خانم انیسه بومدین حقوقدان ـ همسر رئیس‌جمهور فقید الجزایر، پاتریک بودوئن، رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق‌بشر، دانیل ژاکوبی از شخصیتهای به‌نام مدافع حقوق‌بشر در فرانسه، پیر برسی، رئیس سازمان حقوق‌بشر نوین، دکتر صالح رجوی، نماینده شورای ملی مقاومت در فرانسه و آقای محمدرضا روحانی، حقوقدان ومسئول کمسیون امور ملیتها در شورای ملی مقاومت

ژان پیربرار نماینده مجلس ملی فرانسه: مقاومت ایران و مجاهدین توان یکسره کردن کار رژیم را دارند .مردم ایران تصمیم گرفته‌اند که بایستند و مقاومت کنند

ـانیسه بومدین: رژیم ایران که چنین جنایاتی را مرتکب می‌شود تأمین مالی و پشتیبانی مرتجعین در الجزایر را نیز به عهده داشت

در صفحه۳

ـ پاتریک بودوئن: این اعدامها ابزاری برای حفظ قدرت سیاسی از طریق ایجاد ترور و وحشت در جامعه محسوب می‌شوند

ـ دانیل ژاکوبی: این جنایات پایان خواهد یافت ولی نه ازطریق مداخله خارجی بلکه توسط خودشما یعنی این مقاومت مردم است که موجب سقوط دیکتاتوری ملایان خواهد شد

ـ اسقف گایو: من چهره‌هایی را می‌بینم که اعتقاد کامل به نبرد و مبارزه دارند وحاضرند جانشان را فدا کنند کسی نمی‌تواند جانشان را بگیرد آنهاخودشان جانشان را فدا می کنند چون انتخاب کرده‌اند

ـژیل پارونل: افزایش اعدامها و مجازاتهای ضدانسانی در حاکمیت آخوندی غیرقابل‌تحمل و غیر قابل باور است و رسانه‌های خبری در این باره بسیار کمتر از آن‌چه که در واقعیت رخ می دهد منتشر می‌کنند. بازداشت، اعدام، سنگسار، قطع اعضای بدن، چنین وضعیتی را در هیچ جا نمی‌توان یافت

ـ پیربرسی: من از مقاومت ایران می‌خواهم نام و نشان دژخیمان را منتشر کنند تا آنها بدانند که یک روز باید به پای میز محاکمه کشیده شوند

دکتر صالح رجوی: اعدام در حاکمیت آخوندها برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه است

ـ محمدرضا روحانی: این رژیم حتی به قوانین خودش هم احترام نمی‌گذارد

وزیرخارجه فرانسه: رژیم ایران از طریق کمک به نیروهای شبه‌نظامی مختلف در عراق دست به هر کاری می‌زند

کوشنر، وزیرخارجه فرانسه در جمع خبرنگاران گفت: برای شناخت عراق نیازی نیست به آن‌جا برویم، زیرا عراق به میدان عملیات رژیم ایران همان‌طور که آرزو می‌کرد، تبدیل شده است. تمامی این اعمال با به‌کار گرفتن پول و نیروهای شبه‌نظامی و سلاح صورت می‌گیرد.

در صفحه۴

فرمانده نیروی چند ملیتی: نیروی قدس سپاه پاسداران، در عراق سیاست تعیین می کند

ژنرال پتریوس: در مورد سیاستهای نیروی قدس سپاه پاسداران در عراق هیچ ابهامی نباید باشد. حتی سفیر رژیم ایران در عراق عضو نیروی قدس است و تکرار می‌کنم که در دخالت مخفی و مرگبار نیروی قدس در عراق نباید تردیدی باشد.

در صفحه۴

اتحادنظر دو حزب آمریکا در مقابله با طرحهای اتمی آخوندها

جرج بوش، هیلاری کلینتون و نانسی‌پلوسی: رژیم ایران نباید به سلاح اتمی دست پیدا کند

جرج بوش: در آمریکا در مورد مطامع رژیم ایران نگرانی وجود دارد، این یک موضوع حزبی نیست و خاص یک حزب مشخص در آمریکا نمی‌باشد، وقتی رئیس‌جمهور رژیم ایران می‌گوید جهان را به چالش می‌کشد، هر رئیس‌جمهوری در آمریکا بر سر کار باشد، برای حل این موضوع تلاش جدی خواهد کرد.

در صفحه۲

مقامهای اروپایی برضرورت تحریمهای اروپایی علیه رژیم آخوندی تأکید می کنند

ـ وزیر خارجه فرانسه نامه‌یی به ۲۷کشور عضو اتحادیه اروپا نوشت و آنان را به ایفای نقش پیشتازانه‌یی در اعمال تحریمها علیه جاه‌طلبی هسته‌یی رژیم ایران فرا خواند

ـ سخنگوی وزارت خارجه انگلستان: از فراخوان برنارد کوشنر، برای بررسی تحریمهای اقتصادی جدید، علیه رژیم ایران، حمایت می‌کنیم و به‌دنبال بحث با شرکای خود در اتحادیه اروپا هستیم. ما بهشدت حامی موضع فرانسه در این رابطه می‌باشیم.

در صفحه۲

اعتصاب ۳هزار تن از کارگران کارخانه نیشکر هفت‌تپه در شوش

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت، به اعتصابگران نیشکر هفت‌تپه درود فرستاد و سایر کارگران و جوانان مناطق مختلف کشور را به حمایت از کارگران اعتصابی فرا خواند

ـ مدیرعامل کارخانه، شهردار، فرماندار، رئیس اداره اطلاعات و فرمانده نیروی انتظامی منطقه به تهدید کارگران پرداختند و با خواندن بخشنامه‌یی به کارگران اعلام کردند شرکت در اعتصاب غیبت محسوب می‌شود و هر کسی به اعتصاب ادامه دهد، نهایتاً اخراج خواهد شد

ـ کارگران شعار می‌دادند «کارگران هفت‌تپه‌ایم، گرسنه‌ایم»، «زندگی شرافتمندانه حق مسلم ماست»، «مدیرعامل دروغگو»، «فرماندار بی‌عرضه نمی‌خواهیم»

ـنیروهای سرکوبگر در هجوم به یکی از تجمعات اعتراضی کارگران شماری را مجروح و ۱۵تن را دستگیر کردند. پیش از آن ۴تن دیگر از کارگران نیز دستگیر شده بودند

ـ به گفته کارگران اعتصابی کارخانه نیشکر هفت تپه، رژیم آخوندی، شماری از نیروهای امنیتی خود را که ایرانی نمی‌باشند، در پاسگاه امنیتی ـ انتظامی هفت‌تپه مستقر کرده است تا از حرکتهای اعتراضی کارگران جلوگیری به‌عمل آورند. به گفته کارگران این افراد، عراقی، افغانی و از حزب الله لبنان می‌باشند

کارگران به جان آمده کارخانه نیشکر هفت‌تپه در شهر شوش واقع در استان خوزستان که چند ماه است حقوق خود را دریافت نکرده‌اند تحصن خود را از روز شنبه ۷مهر۸۶ مجدداً شروع کردند.

این کارگران اعلام کردند تا رسیدن به خواستهایشان به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

مقاومت ایران طی اطلاعیه‌یی اعتراضات برحق کارگران نیشکر هفت‌تپه خوزستان را به اطلاع افکار عمومی رساند و اعلام کرد: مقاومت ایران از کلیه سازمانها و مراجع مدافع حقوق‌بشر و حقوق‌کارگران به‌ویژه اتحادیه‌ها و سندیکاهای بین‌المللی کارگری خواستار محکوم‌کردن سیاستهای ضدکارگری رژیم آخوندی و اتخاذ اقدامات عملی برای متوقف‌کردن سرکوب وحشیانه کارگران و چپاول حقوق آنها توسط این رژیم است.

در صفحه۲

در صفحات دیگر

۴۰۰تن از شیوخ عشایر عراق تجاوزات رژیم ایران به مناطق کردنشین این کشور را محکوم کردند

ـ کمیته دوستی کردهای عراق با مردم ایران اعلام کرد، بیش از ۴۰۰تن ازشیوخ عشایر استانهای عراق با امضای بیانیه‌یی، تجاوزات جنایتکارانه رژیم ایران که منجر به آواره‌شدن هزاران خانواده و شهادت و زخمی‌شدن تعدادی دیگر گردید، را محکوم نمودند.

در صفحه۴

نایب‌رئیس پارلمان عراق گلوله‌باران مناطق کردی توسط رژیم ایران را محکوم کرد

عارف طیفور، نایب‌رئیس پارلمان عراق که از اعضای فراکسیون کردی پارلمان عراق است، خواستار توقف تجاوز رژیم ایران گردید.

در همین حال تلویزیون الحره روز ۸مهر گزارش داد: رژیم ایران به گلوله‌باران مناطق استان سلیمانیه ادامه می‌دهد

در صفحه۴

افشای ابعاد حیرت‌انگیزی از فساد حاکم بر دولت نوری مالکی

در جلسه‌یی در مجلس نمایندگان آمریکا گوشه‌یی از ابعاد گسترده فساد در دولت نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق فاش گردید.

قاضی راضی حمزه الراضی، رئیس کمیته مبارزه با فساد عراق، در برابر یک کمیته مجلس نمایندگان آمریکا در واشینگتن حضور یافت و درباره فساد در دولت نوری مالکی شهادت داد. شهادت این قاضی جزئیات تکان‌دهنده‌یی از آدمربایی، قتل و کشتار را که برای پرده‌پوشی فساد توسط دولت نوری مالکی صورت گرفته برملا می‌کند.

در صفحه۴

گوشه دیگری از جنایات تروریستهای وابسته‌به رژیم علیه زنان عراق فاش شد

ـ در زندان کاظمیه، بسیار از زنان بدون هیچ دلیلی به همراه کودکان خردسالشان محبوس می‌باشند. زنان دستگیرشده گفتند تا به حال نه محاکمه شنندند و نه به دادگاهی فراخوانده شده‌اند. زنان مذکور دولت عراق را متهم کردند که علیه آنان پرونده‌سازی کرده است.

ـ تلویزیون الحره گفت: شمار زنانی که به صورت سازمانیافته در بصره به‌قتل می‌رسند روزبه‌روز افزایش یافته است.

در صفحه۴

سرکوب جوانان

ـ ۳۰تن از جوانان دستگیرشده در زندان کهریزک زیر شکنجه به‌قتل رسیدند

ـ رئیس سازمانهای رژیم: ۴۱زندان جدید در حال ساخت است

ـ رژیم آخوندی یک نفر را در کرمانشاه در ملأعام به‌دار آویخت

ـ دستگاه قضاییه آخوندها حکم اعدام ۱۰نفر را در تهران صادر کرد

در صفحه۲

عکسهای فوری، خبرهای کوتاه به مناسبت ۱۰اکتبر، روز جهانی لغو حکم اعدام

آخوندها با به دار آویختن کسی که مثلاً قتل کرده است نمی‌خواهند آن چنان که وانمود می‌کنند «قصاص» کنند. هدف، محکم کردن میخ حاکمیت ارزانی است که حربه‌یی جز دار و شکنجه و شلاق و سرکوب ندارد. یعنی پیام می‌دهند که باید مواظب خودمان باشیم. هرگونه تخلف از قوانین آخوندی مجازاتی جز شکنجه و اعدام ندارد. و مهمتر این که تلاش برای برانداری این سلطه اهریمنی و قرون وسطایی هم بی‌نتیجه است. پس گرافه نیست اگر که پیام هراعدام در این خاک لعنت‌زده آخوندی را یک تروریسی بخوانیم. در صفحات ۸ و ۹

چین، چگونه به بازار ایران یورش برده و کی عقب می‌نشیند؟

یزدان حاج‌حمزه

مقامات رژیم ایران، یکی از دلایل بی‌اعتنایی خود نسبت به پیشروی سیاست تحریم تجاری خاص اروپا و آمریکا را جبران آن از طریق چین اعلام می‌کنند. لاریجانی متولی دعوای هسته‌یی رژیم، در این مورد ضمن مصاحبه با روزنامه فایننشال تایمز می‌گوید «تحریمها آن‌قدر هم مؤثر نیستند. نمی‌گویم هیچ تأثیری ندارند اما همان‌طور که می‌بینید زندگی در ایران جریان دارد و هر فقدانی در تجارت با کشورهای غربی با محصولات ارزانتر چینی جایگزین می‌شود».

در صفحه۵

ایستادگی زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت کرج، رژیم آخوندی را مجبور به پذیرش برخی از درخواستهای آنها نمود

زندانیان در مهلت دو روزه‌یی که برای دژخیمان مشخص کرده بودند از جمله این شرایط را تعیین کرده بودند: پایان دادن به حمله‌های وحشیانه به زندانیان سیاسی و دستگیری و مجازات مسئولان این حملات، فراهم‌کردن امکانات درمانی برای زندانیان مصدوم و مجروح از جمله عمل جراحی افشین بابامانی.

در صفحه۲

مقالات:

ـ جلاد کردها و تهمت رذیلانه کردکشی به مجاهدین در ماوراى دجالیت
مسعود کلائی
صفحه۶

ـ جاده‌صافکنهای جنگ (۶)
دکتر کریم قصیم
صفحه۷

سرمقاله

رویارویی استراسبورگ

نشریه مجاهد فشرده‌یی از گزارشهای سفر رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت به استراسبورگ و سخنرانی و دیدارها وگفتگوهای ایشان در شورای اروپا را در یک شماره ویژه تقدیم خوانندگان گرامی خواهد کرد که، در حد خود، تصویری از این سفر و تلاش رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت برای رساندن صدای دادخواهی و حق‌طلبی مردم ایران و در عین‌حال ترسیم جایگاه مقاومت ایران در متن تحولات خطیر کنونی را به خوانندگان ارائه می‌کند. اما لغو سفرخداد عادل به استراسبورگ و سخنرانی وی در شورای اروپا، تصویرجدیدی از انزوای جهانی دیکتاتوری آخوندی و شکست سیاسی آن در برابر مواضع برحق مقاومت ایران ارائه داد که بررسی خاص خود را می‌طلبد؛ به‌خصوص که زمت مضحک و مسخره رژیم برای سبک‌شمردن این هزیمت پرفضیحت، به یک ساعت هم نکشید و بلافاصله علائم هاری و جنون گاوی سرایای رژیم را فراگرفت. از خود حداد عادل گرفته تا منکی و نمایندگان مجلس ارتجاع و رادیو تلویزیون و مطبوعات حکومتی، یک‌به‌یک، به خاطر استقبال شورای اروپا از رئیس‌جمهور منتخب مقاومت ایران زوزه‌های دردآلود سردادند و فغان و فریاد برداشتندکه چرا در شورای اروپا «انتقاد از ریاست‌جمهوری اسلامی ایران در تمام طول جلسه ادامه یافت» و چرا نمایندگان هلند و سوئد و گرجستان و دانمارک و... «با اظهاراتی خارج از عرف دیپلماتیک» از تعدی آخوندها به «وجدان اخلاقی بشریت» سخن گفتند و چرا «انتقادهای نماینده لیتوانی به آن‌جایی خنم شد که او خواستار لغو عضویت ایران در مجمع مجالس آسیا شد»؟ و همه باهم به این نتیجه رسیدند که «پس از سخنان تند رئیس دانشگاه کلمبیا این دومین واکنش تند مسئولان غربی به مسئولان ارشدکشور به‌شمار می‌رود» (روزنامه حکومتی اعتماد۱۵مهر). منکی در مصاحبه با تلویزیون رژیم تنگنای حاکمیت آخوندی در سطح بین‌المللی را به نمایش گذاشت و حداد عادل با تأکید بر این که «در واقع در استراسبورگ هم فضایی می‌خواستند ایجاد کنند»، ترس رژیم و شخص خودش را از این که به فضیحت احمدی‌نژاد در نیویورک و در دانشگاه کلمبیا دچارشود برملاکرد.

با این همه، جای این پرسش جدی هست که چرا رژیمی که تا هفته پیش برای سخنرانی احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا، لابی جبره‌خوارش را با صرف هزینه‌های کلان بسیج کرده بود، در شورای اروپا با چنین ترس و لرزی از سخنرانی به‌عنوان ریاست بین‌المجالس آسیا گذشت و ناگزیر از عقب‌نشینی و هزیمتی شد که هم وزن مقاومت ایران را در موقعیت آلترناتیو و نیروی جایگزین رژیم به همه نشان داد و هم بادکنک ثبات و قدر قدرتی آخوندهای اتمی را دراین صحنه ترکاند؟ این است تناقض گریبانگیر رژیم در مرحله پایانی که مریم رجوی در آذر۸۵ در پیامش برای تحریم خبرگان ارتجاع در مورد آن گفت:«رژیم آخوندی با علائمی فوق‌متناقض، در زمینه اتمی و عراق و تروریسم و در زمینه سرکوب در داخل ایران، می‌خواهد به‌قول خودش، با فرصت عراق و لبنان با فلسطین‌خود را در منطقه قوی و تثبیت‌شده و بلامنازع نشان بدهد. اما همین‌که کار به مجاهدین و مقاومت ایران می‌کشد، یا همین که بحث از یک انتخابات آزاد یا حقوق‌بشر و بحث آزادی در ایران به‌عمل می‌آید، پاشنه آشیل یا بهتر بگوییم نقطه ضعف هبولا، بیرون می‌زند و آشکار می‌شود»

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

اعتصاب و تظاهرات سه‌هزار تن از کارگران کارخانه نیشکر هفت‌تپه در شوش

کارگران زحمتکش و به‌جان آمده کارخانه نیشکر هفت‌تپه در شهر شوش در خوزستان که چند ماه است حقوق خود را دریافت نکرده‌اند، تحصن خود را مجدداً از روز شنبه ۷مهر۸۶ شروع کردند.

روز یکشنبه ۸مهر کارگران در اعتراض به اقدام وزارت اطلاعات رژیم مبنی بر جمع‌آوری کلیه وسایل نقلیه این کارخانه، سه راهی خوانساری در جاده اصلی اهواز اندیمشک را مسدود کردند. کارگران در شعارهایشان دولت پاسدار احمدی‌نژاد را دروغگو و وهابت‌مدیره کارخانه نیشکر هفت‌تپه را نیرنگ باز خطاب کردند و اعلام کردند تا رسیدن به خواستهایشان به‌تحصن خود ادامه خواهند داد.

در همین روز دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران طی اطلاعیه‌یی اعتراضات برحق کارگران نیشکر هفت‌تپه خوزستان را به اطلاع افکار عمومی رساند و اعلام نمود: مقاومت ایران از کلیه سازمانها و مراجع مدافع حقوق بشر و حقوق کارگران به‌ویژه اتحادیه‌ها و سندیکاهای بین‌المللی کارگری خواستار محکوم‌کردن سیاستهای ضدکارگری رژیم آخوندی و اتخاذ اقدامات عملی برای متوقف‌کردن سرکوب وحشیانه کارگران و چپاول حقوق آنها توسط این رژیم است.

یورش به خانه کارگران و دستگیری ٤ کارگر

نیروهای امنیتی رژیم یکشنبه شب ۸مهر، به خانه کارگران یورش برده و چهار تن از آنان را بازداشت کردند. به گفته کارگران اعتصابی کارخانه نیشکر هفت تپه، رژیم آخوندی، شماری از نیروهای امنیتی خود را که ایرانی نمی‌باشند، در پاسگاه امنیتی ـ انتظامی هفت‌تپه مستقر کرده است تا از حرکتهای اعتراضی کارگران جلوگیری به‌عمل آورند. به‌گفته کارگران نیشکر هفت‌تپه، این افراد، عراقی، افغانی و از حزب‌الله لبنان می‌باشند.

تظاهرات کارگران اعتصابی علیه حکومت آخوندی

روز دوشنبه ۹مهر کارگران اعتصابی دست به تظاهرات زدند و علیه سران حکومت آخوندی شعار دادند. کارگران که به‌سمت فرمانداری رژیم در شهر شوش حرکت می‌کردند، با در دست داشتن پلاکاردهایی شعارهایی دادند، «کارگر هفت‌تپه‌ایم، گرسنه‌ایم، گرسنه‌ایم»، «فرماندار بی‌عرضه نمی‌خواهیم» و «زندگی شرافتمندانه حق مسلم ماست». کارگران اعتصابی خواستار پرداخت حقوق معوقه، حق بیمه خود و تغییر مدیریت این کارخانه هستند. آنها در مسیر حرکت به طرف فرمانداری رژیم در مقابل بناد موسوم به شهید رژیم نیز تجمع اعتراضی برگزار کردند. رژیم آخوندی برای سرکوب تظاهرات کارگران، از سراسر استان خوزستان نیروهای امنیتی خود را به شهر شوش اعزام کرد. فرماندار رژیم در شهر شوش نیز کارگران را تهدید کرده که در صورت ادامه تجمع، با آنان برخورد خواهد شد. فرماندار رژیم در شهر شوش گفت که در این مورد دستور صادر شده است.

استمرار اعتصاب به‌رغم تدابیر شدید امنیتی رژیم

به‌رغم تدابیر شدید امنیتی از سوی رژیم آخوندی، روز سه‌شنبه ۱۰مهر بیش از ۲هزار تن از کارگران کارخانه اعتصابی، برای چهارمین روز متوالی به اعتصاب و تجمعات اعتراضی خود ادامه دادند. آنها در مقابل فرمانداری رژیم در شهر شوش تجمع اعتراضی برگزار کرده و علیه کارگزاران رژیم شعار دادند. کارگران در حالی که همگی سیاه‌پوش بودند، شعار می‌دادند، نماینده بی‌عرضه نمی‌خواهیم. در همین روز در تجمع اعتراضی دیگری که در مقابل کارخانه نیشکر هفت‌تپه برگزار شد، کارگران، مانع از سخنرانی آخوند شفیعی، مدیرعامل این کارخانه شدند، به‌گونه‌یی که وی مجبور به ترک محل گردید. رژیم آخوندی در وحشت از گسترش حرکتهای اعتراضی کارگران و برای سرکوب آنان، از روز دوشنبه، گارد ویژه ضدشورش را از نقاط مختلف استان خوزستان به شهر شوش اعزام و در سطح این شهر مستقر کرده بود.

کارگران اعلام کردند برای جلوگیری از غارت اموال این کارخانه توسط کارگزاران رژیم، در مقابل انبارهای این کارخانه تجمع خواهند کرد تا مانع از تخلیه این انبارها شوند.

در میدان موسوم به بنیاد شهید مجدداً تجمع کردند. چهارشنبه شب نیز مأموران نیروی انتظامی به‌معنزل یکی از فعالان کارگری یورش برده و قصد دستگیری وی را داشتند. مقاومت ایران از کلیه سازمانها و مراجع مدافع حقوق بشر و حقوق کارگران خواستار تلاش برای آزادی دستگیرشدگان گردید.

دستگیری ۱۵کارگر توسط مأموران سرکوبگر

مأموران سرکوبگر رژیم آخوندی صبح روز ۱۲ مهر طی یک هجوم وحشیانه تجمع اعتراضی بیش از ۵۰۰تن از کارگران اعتصابی را سرکوب کرده و شماری از آنها را مجروح و شمار دیگری را دستگیر کردند. در ششمین روز تظاهرات کارگران، گارد ویژه، مأموران اطلاعاتی، امنیتی، انتظامی و لباس‌شخصیهای رژیم اطراف فرمانداری و راههای منتهی به آن را به‌محاصره درآوردند. مأموران سرکوبگر کارگران معترض را که روزه بودند، مورد یورش قرار داده و ۱۵تن را دستگیر کردند. اسامی ۵تن از دستگیرشدگان عبارتند از: قربان علیپور، فریدون نیکوفرد، رمضان علیپور، نجات، حمید زیدی، مهرداد قصاب، رحیم وثاق، رحیم علیجانی، رمضان علی‌پور. این ۹تن به حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی منتقل گردیدند. مأموران سرکوبگر رژیم آخوندی شمار زیادی از کارگران معترض را نیز مجروح کردند که تعدادی از مجروحان به بیمارستان منتقل گردیدند. مزدوران وزارت اطلاعات از این تجمع فیلم و عکس تهیه کرده و کارگران را تهدید به دستگیری می‌کردند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در همین روز طی اطلاعیه دیگری درباره «حمله گسترده یگان ویژه نیروی انتظامی به‌کارگران معترض کارخانه نیشکر هفته تپه»، اعلام کرد: با وجود این که نیروهای امنیتی و انتظامی و گارد ویژه، یک حکومت نظامی اعلام نشده را در شهر شوش حاکم کردند، اما کارگران دست از اعتراض بر ندانشته و در نقاط مختلف شهر به‌خصوص در میدان موسوم به بنیاد شهید مجدداً تجمع کردند. چهارشنبه شب نیز مأموران نیروی انتظامی به‌معنزل یکی از فعالان کارگری یورش برده و قصد دستگیری وی را داشتند. مقاومت ایران از کلیه سازمانها و مراجع مدافع حقوق بشر و حقوق کارگران خواستار تلاش برای آزادی دستگیرشدگان گردید.

نامه‌های کارگران به مجامع جهانی کارگری

کارگران اعتصاب‌کننده با ارسال نامه‌هایی به سازمان جهانی کار، سندیکاهای کارگری و سازمانهای جهانی مدافع حقوق بشر، خواستار دخالت آنها برای احقاق حقوق خود شدند. آنان از سازمان جهانی کار خواستند نمایندگانی به ایران بفرستد تا درجریان مشکلات کارگران قرار بگیرد.

کارگران نیشکر هفت‌تپه وجود مافیای شکر در ایران را که با همدستی سران رژیم و آخوندهای حاکم فعالیت می‌کند و هم‌چنین سیاستهای ضدکارگری پاسدار احمدی‌نژاد را عامل وضعیت وخامتبار خود معرفی کرده‌اند. کارگران هفت‌تپه نوشته‌اند در کمتر از دو سال شانزده بار دست به اعتصاب زده‌اند. در نامه کارگران به‌سازمانها و سندیکاهای کارگری آمده است: تا زمانی که دستمزد معوقه کارگران پرداخت نشده و حقوق حقه آنان اعاده نگردیده به اعتراضات خود ادامه می‌دهند.

حمایت سندیکای رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

روز ٤مهر سندیکای رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با انتشار بیانیه‌یی از اعتراضات و خواستهای به‌حق کارگران نیشکر هفت تپه خوزستان حمایت کردند.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت سایر کارگران و جوانان را به حمایت از کارگران اعتصابی فراخواند

روز ٤مهر ۳۰۰۰تن از کارگران شجاع کارخانه نیشکر هفت تپه هشتمین روز اعتصاب خود را در ساعت ۷۳۰بامداد با تجمع در مقابل دفتر مدیر عامل مزدور این کارخانه، آخوند یعقوب شفیق آغاز کردند. به‌منظور متوقف‌کردن کارگران، مدیرعامل کارخانه، شهردار، فرماندار، رئیس اداره اطلاعات و فرمانده نیروی انتظامی منطقه در محل حاضر شدند و با خواندن بخشنامه‌یی به‌کارگران اعلام کردند شرکت در اعتصاب غیبت محسوب می‌شود و هر کسی به اعتصاب ادامه دهد، نهایتاً اخراج خواهد شد.

کارگران معترض به این ترفندها وقعی ننهادند و با شعارهای «کارگران هفت‌تپه‌ایم، گرسنه‌ایم، گرسنه‌ایم»، «معیشت حق مسلم ماست»، «مدیرعامل دروغگو» به تجمع خود ادامه دادند. مأموران نیروی سرکوبگر انتظامی و لباس‌شخصیها به تهیه فیلم و عکس از تجمع کنندگان پرداختند.

طی روزهای گذشته نیروهای اطلاعاتی و انتظامی شماری از کارگران اعتصابی ازجمله آقایان بهزاد قصابی و رحیم علیجانی از نمایندگان کارگران را دستگیر و به‌نقطه نامعلومی منتقل کردند.

خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، بار دیگر به‌اعتصابگران نیشکر هفت‌تپه درود فرستاد و سایر کارگران و جوانان مناطق مختلف کشور را به حمایت از کارگران اعتصابی فرا خواند. وی گفت: ارمغان رژیم دضبشری آخوندی برای مردم ایران جز فقر و سرکوب و تباهی نبوده است. سرمایه‌های ملی و در آمدهای کلان نفتی ایران طی سه دهه یا صرف سرکوب داخلی، پروژه‌های اتمی، هزینه‌های نظامی و صدور تروریسم و بنادگرایی شده و یا به حسابهای بانکی سردمداران رژیم و خانواده‌هایشان در کشورهای خارجی سرازیر شده است. وی از سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و ارگانهای مدافع حقوق بشر خواست به حمایت از کارگران نیشکر هفت‌تپه و به اقدام فوری برای آزادی کارگران دستگیر شده برخیزند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۱٤مهر۱۳۸٦ (٦ اکتبر۲۰۰۷)

اتحادنظر دو حزب آمریکا علیه اتمی‌شدن رژیم آخوندی

جورج بوش، هیلاری کلینتون و نانسی پلوسی: رژیم ایران نباید به‌سلاح اتمی دست پیدا کند

جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا روز ۱۳مهر در مصاحبه با تلویزیون العربیه تصریح کرد: رژیم ایران نباید به سلاح اتمی دست پیدا کند زیرا که تهدید زیادی برای جهان دارد.

وی افزود: «ما با سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، چین و روسیه کار می‌کنیم و پیام روشنی به رژیم ایران می‌فرستیم که ما اعمال مجازات را ادامه می‌دهیم و کار این رژیم را در جهان با مشکل مواجه خواهیم کرد. جرج بوش بار دیگر تأکید کرد همه گزینه‌ها روی میز است.

وی گفت این رژیم ایران است که با تصمیم‌گیریهایش زندگی را برای مردم ایران مشکل کرده است. تصمیم‌گیریهای این رژیم باعث انزوای بیشتر آن شده است.

جرج بوش افزود: رژیم ایران باید بداند من تلاشهایم را متمرکز می‌کنم تا این رژیم غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند و هرکسی که بعد از من در این منصب قرار بگیرد، همین کار را انجام می‌دهد. در آمریکا در مورد مطامع رژیم ایران نگرانی وجود دارد، این یک موضوع حزبی نیست و خاص یک حزب مشخص در آمریکا نمی‌باشد، وقتی رئیس‌جمهور رژیم ایران می‌گوید جهان را به‌چالش می‌کشد هر رئیس‌جمهوری در آمریکا بر سر کار باشد، برای حل این موضوع تلاش جدی خواهد کرد.

زالمای خلیل‌زاد، نماینده آمریکا در سازمان ملل نیز گفت: «اگر رژیم ایران فعالیتهای اتمی خود را متوقف نکند، مجازاتهای جدی‌تر و جدیدتری علیه این رژیم اعمال خواهد شد. ما باید درگفتگو با اعضای دائم شورای امنیت، سناتور هیلاری کلینتون، کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا از حزب دموکرات نیز تصریح کرد حزب دموکرات با هسته‌یی‌شدن رژیم ایران کنار نخواهد آمد. وی افزود: در صورتی که به‌ریاست‌جمهوری آمریکا برسم به‌هیچ‌وجه تاب تحمل یک ایران مجهز به سلاح هسته‌یی را ندارم.

هیلاری کلینتون افزود: راه‌کار نظامی، در صورتی که به‌راستی آخرین راه مقابله با برنامه‌های هسته‌یی باشد، چندان هراسناک نخواهد بود. اگر این امر در زمان ریاست‌جمهوری من ضرورت پیدا کند، به کاربرد قوه نظامی فرمان خواهم داد. همان‌طور که بارها گفته‌ام من هیچ احتمالی را برای مقابله با برنامه اتمی رژیم ایران رد نمی‌کنم.

فشار بیشتر و مجازات سنگین‌تری علیه رژیم ایران، اعمال کنیم»(تلویزیون العربیه ۱۳مهر۸٦).

نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا نیز گفت: «لوایح تحریمهای بیشتری علیه رژیم ایران در دستور کار است تا از گسترش سلاح هسته‌یی جلوگیری شود. هدف از تصویب قوانین تحریم علیه رژیم ایران این است که برای مقامات این رژیم روشن شود، ادامه یا تغییر مسیر برنامه هسته‌یی، تأثیر مستقیمی در همکاری جهانی با افزایش فشارهای اقتصادی دارد... بگذارید به روشنی بگویم رژیم ایران نباید به سلاح هسته‌یی دست یابد، ما نمی‌توانیم گسترش کشورهای اتمی را که مخل امنیت جهانی است، تحمل کنیم»(صدای آمریکا ۱۳مهر۸٦).

احمدی‌نژاد مذاکره بر سر پروژه‌های هسته‌یی رژیم را رد کرد

پاسدار احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور رژیم آخوندی روز ۱۳مهر در مراسم موسوم به روز قدس با تأکید بر ادامه پروژه‌های هسته‌یی رژیم، سخنان خود در مجمع عمومی ملل متحد را تکرار کرد و گفت «از نظر ما ماجرای هسته‌یی ایران خاتمه پیدا کرده است... ما دیگر حاضر نیستیم در مورد حق مردم ایران درمورد انرژی هسته‌یی مذاکره کنیم و قدرتهای بزرگ باید این موضوع را بدانند».

وی با اشاره به بحرانهای درونی رژیم ضمن محکوم‌کردن «عده‌یی که سرخود می‌روند و می‌گویند می‌خواهند مذاکره کنند» گفت: «در داخل متأسفانه عده‌یی هستند که دستشان به رسانه‌یی بند است و برخی نیز از روی ترس و برخی از این‌که پرونده هسته‌یی ایران در مسیر خوبی قرار گرفته ناراحت هستند و می‌خواهند دخالت کنند».

سه روز پیش نیز پاسدار لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت رژیم آخوندی اعلام کرد: «از نقطه‌نظر فنی ما به مرحله‌یی رسیده‌ایم که هیچ‌کس نمی‌تواند آنچه را ما به آن دست یافته‌ایم از ما بگیرد. این وضعیت را نمی‌توان نادیده گرفت. من از شنیدن این‌که هنوز درباره تعلیق صحبت می‌شود، متعجب شده‌ام» (خبرگزاری حکومتی فارس ۱۱مهر).

این سخنان در حالیست که محمد البرادعی، دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بار دیگر از رژیم آخوندی خواست تا قبل از روز ۲۲اکتبر «شک و شبهات در باره دستگاههای سانتریفوژ پیشرفته خود را برطرف سازد... اگر رژیم تهران در این کار با آژانس همکاری لازم را نداشته باشد، در آن صورت باید پیامدهای آن را بپذیرد» (فایننشیال تایمز ۱۳اکتبر ۲۰۰۷).

درهمین حال مقامات فرانسوی اظهار داشتند: براساس یادداشتی که از جانب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از وین به پاریس در روز چهارشنبه تلگراف شده است، «آژانس انرژی اتمی معتقد است که ایران ۱۸آبشار(حدود ۳۰۰۰سانتریفوژ) را تا پایان ماه اکتبر راه‌اندازی خواهد کرد» (خبرگزاری آسوشیتدپرس ۱۳اکتبر۲۰۰۷).

اظهارات فوق ضرورت و فوریت تحریمهای همه‌جانبه تسلیحاتی، نفتی، تکنولوژیک و دیپلماتیک علیه رژیم آخوندی را دو چندان می‌کند. فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران با تمام قوا در تلاش است پروژه ساختن بمب اتمی را تکمیل کند، چیزی که همزمان با مداخلات فزاینده این رژیم در عراق، منطقه و جهان را با سرعت تمام به‌سوی فاجعه پیش می‌برد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۱٤مهر۱۳۸٦ (٦اکتبر۲۰۰۷)

مقامهای اروپایی بر ضرورت تحریمهای اروپایی علیه رژیم آخوندها تأکید می کنند

مقامهای کشورهای اروپا، بر ضرورت اعمال تحریمهای اروپایی خارج از کادر سازمان ملل متحد تأکید می‌کنند.

وزیران خارجه فرانسه، ایتالیا و اسپانیا در اجلاسی در ام شرک کرده و به‌بررسی برنامه اتمی رژیم ایران پرداختند. آنان در این اجلاس، برضرورت تشدید تحریمها علیه رژیم ایران تأکید کردند. به نوشته روزنامه ایتالیایی لاریوبلیکا ۱۰مهر، برنارد کوشنر وزیر خارجه فرانسه، به‌همتایان ایتالیایی و اسپانیایی خود گفت اتحادیه اروپا باید به اعمال تحریمهای اروپایی علیه رژیم ایران بپردازد.

لاریوبلیکا افزود: ایتالیا و اسپانیا تحریمهای اروپا را رد نکردند.

پس از این دیدار، برنارد کوشنر نامه‌یی به ۲۷کشور عضو اتحادیه اروپا نوشت و آنان را فراخواند نقش پیشتازانه‌یی در اعمال تحریمها علیه جاه‌طلبی هسته‌یی رژیم ایفا کنند.

خبرگزاری رویتر در روز ۱۱مهر، درباره نامه برنارد کوشنر به ۲۷کشور عضو اتحادیه اروپا گفت: «تحریمهای جدید باید به‌گونه‌یی باشد که فشار را روی رژیم ایران به‌ویژه در رابطه با نهادهای مالی و اقتصادی این رژیم افزایش دهد. در آغاز ما می‌توانیم تعداد بیشتری از نهادهای ایرانی از جمله بانکها و مقامهای آن را به لیست تحریمهای موجود اتحادیه اروپا اضافه کرده و سرمایه‌هایشان را مسدود نماییم.

کوشنر گفت: «زمان به زیان ما است، زیرا هر روز که می‌گذرد، رژیم ایران به‌کسب مهارت در تکنولوژی غنی‌سازی نزدیکتر می‌شود، به‌عبارت دیگر، به‌کسب ظرفیت عملی هسته‌یی نظامی نزدیکتر می‌شود. جهان نمی‌تواند منتظر اقدام سازمان ملل متحد برای محدودکردن جاه‌طلبیهای هسته‌یی رژیم باشد.

خبرگزاری رویتر افزود: وزیر خارجه فرانسه از وزیران خارجه اتحادیه اروپا خواست تا در جلسه ۱۵اکتبر برابر با ۲۳مهر که در لوگزامبورگ برگزار می‌شود، به این موضوع بپردازند.

پس از این اقدام کوشنر، سخنگوی وزارت خارجه انگلستان اعلام کرد: «از فراخوان برنارد کوشنر، وزیر امور خارجه فرانسه برای بررسی تحریمهای اقتصادی جدید، علیه رژیم ایران، حمایت می‌کنیم و به‌دنبال بحث با شرکای خود در اتحادیه اروپا هستیم. ما به‌وضوح از نزدیک با فرانسه و آلمان و دیگران در این رابطه کار می‌کنیم و به‌شدت حامی موضع فرانسه در این رابطه می‌باشیم. در حال حاضر ما در موقعیتی قرار داریم که می‌خواهیم از نزدیک ببینیم چه فاکس، سخنگوی وزیر خارجه فرانسه در این رابطه می‌گوید، این رژیم را متقاعد کنیم که به الزاماتش عمل نماید»(خبرگزاری فرانسه ۱۲مهر۸٦).

کوشنر هم‌چنین در روز ۱۰مهر به تلویزیون الجزیره گفت: دستیابی رژیم ایران به سلاح اتمی تهدید و خطری جدی برای منطقه وجامعه جهانی است و باید مانع آن شد. رژیم ایران نمی‌تواند برای خود حقوقی را در زمینه هسته‌یی تعیین کند، این حقوق در شورای امنیت تعیین می‌شود و سه بار این حقوق به اتفاق آرا در شورای امنیت سازمان ملل مشخص شده است.

وزیر خارجه فرانسه هشدار داد رژیم ایران حق ندارد به بهانه دستیابی به انرژی هسته‌یی دنبال تولید بمب اتمی برود و شرایط خطرناکی را برای جامعه جهانی ایجاد نماید.

رهبران و مقامهای بلندپایه حزب محافظه‌کار انگلستان بر ضرورت مقابله با تهدید رژیم ایران تأکید کردند

کنفرانس سالانه حزب محافظه‌کار انگلستان از روز ۸مهر، به مدت چهار روز در شهر بلک پول در شمال غربی انگلستان برگزار شد. در رابطه با مسائل خارجی، یکی از موضوعات جدی این کنفرانس تهدیدهای رژیم ایران در زمینه هسته‌یی و تروریسم بود که اغلب سخنرانان به آن پرداختند.

ویلیام هیگ سخنگوی امور خارجی حزب محافظه‌کار انگلستان در این کنفرانس خواستار مقابله با جاه‌طلبیهای هسته‌یی رژیم ایران شد و گفت باید متحدان را ترغیب کرد تا دربرابر تلاشهای پارلمان اتحادیه اروپا سخنرانی می‌کرد، گفت لازم است گفتگوها با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ملل متحد در وین و گفتگوهایی که او با یک مقام رژیم ایران دارد، پیشرفت داشته باشند. سولانا گفت: خطر تحریمهای بیشتر وجود دارد و این یک خطر واقعی است. ما باید این را فهم کنیم(خبرگزاری آسوشیتدپرس ۱۱مهر۸٦).

اگر امروز در رویارویی با این تهدید کوتاهی کنیم، فردا جهان با خطرات بزرگتری مواجه می‌شود.

لیام فاکس، سخنگوی امور دفاعی حزب محافظه‌کار هم اعلام کرد که رژیم ایران با برنامه هسته‌یی خودش قصد دارد به کشوری مجهز به سلاح اتمی تبدیل بشود. ما نمی‌توانیم این تهدید را در نظر نگیریم. تهدیدی که ثبات کل منطقه وجهان را به‌هم می‌زند.

خانم پائولین نویل جونز، معاون امنیتی وزارت کشور در دولت سایه حزب محافظه‌کار انگلستان هم برنامه هسته‌یی رژیم ایران را به‌عنوان یک تهدید برای صلح و ثبات جهانی مطرح کرد و خواستار مقابله با آن شد. در کنفرانس سالانه حزب محافظه‌کار انگلستان از جان بولتون نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل متحد هم دعوت کرده بودند. بولتون طی سخنانی تأکید کرد که باید رژیم ایران را از دستیابی به سلاح اتمی بازداشت و به این منظور باید سیاست تغییر را در پیش گرفت و دنبال تغییر رژیم ایران رفت.

لوکا ولنته، رئیس حزب اتحاد دموکرات مسیحی ایتالیا نیز از اعمال تحریمهای اروپایی خارج از چارچوب سازمان ملل متحد علیه رژیم ایران حمایت کرد. به گزارش خبرگزاری ایتالیایی آسا در روز ۱۲مهر، وی در جلسه مجلس نمایندگان این کشور درباره روابط میان اروپا و آمریکا گفت، ایتالیا باید موضع فرانسه و آمریکا را در مورد سخت‌ترکردن تحریمها علیه رژیم ایران مورد حمایت قرار دهد. ما باید از مواضع فرانسه برای تحریمهای اروپایی حمایت کنیم.

نگرانی خاویر سولانا

خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به رژیم ایران درباره برنامه اتمیش اخطار داد، خطر تحریمهای جدید تا قبل از پایان سال وجود دارد. وی که در برابر نمایندگان پارلمان اتحادیه اروپا سخنرانی می‌کرد، گفت لازم است گفتگوها با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ملل متحد در وین و گفتگوهایی که او با یک مقام رژیم ایران دارد، پیشرفت داشته باشند. سولانا گفت: خطر تحریمهای بیشتر وجود دارد و این یک خطر واقعی است. ما باید این را فهم کنیم(خبرگزاری آسوشیتدپرس ۱۱مهر۸٦).

سخنگوی وزارت خارجه آخوندها: بحث تعلیق غنی‌سازی بحثی قدیمی است

سخنگوی وزارت خارجه آخوندها بار دیگر بر ادامه فعالیتهای اتمی تأکید کرد و گفت:

«بحث تعلیق غنی‌سازی بحثی قدیمی است، باید در مذاکرات و گفتگوها موضوعات جدید مورد بررسی قرار گیرد». وی با نگرانی گفت: «تلاشهایی صورت گرفته که تحریمها در چارچوب شورای امنیت تشدید شود». سخنگوی وزارت خارجه آخوندها، در رابطه با موضعگیری مقامات فرانسوی علیه جاه‌طلبی هسته‌یی رژیم، گفت: «ادامه رویکردهای دولت جدید فرانسه که همانا فاصله گرفتن از مواضع سنتی این کشور می‌باشد، به جایگاه سنتی فرانسه آسیب خواهد رساند»(خبرگزاری رژیم ـ ایرنا ۱۵مهر۸٦).

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران

ایستادگی زندانیان سیاسی در زندان گوهر دشت کرج، رژیم آخوندی را مجبور به‌پذیرش برخی از درخواستهای آنها نمود

سازمان مجاهدین خلق ایران روز ۱۱مهر، طی اطلاعیه‌یی اعلام کرد: ایستادگی زندانیان سیاسی در زندان گوهر دشت کرج، رژیم آخوندی را مجبور به‌پذیرش برخی از درخواستهای آنها نمود.

در این اطلاعیه آمده است:

روز سه‌شنبه سوم مهر، دو روز بعد از این‌که زندانیان سیاسی گوهر دشت اعلام کردند در صورت ادامه اذیت و آزار و ضرب و شتم زندانیان، دست به اعتصاب غذا خواهند زد، مسئولان جنایتکار این زندان و دژخیمی به‌نام خادمی از وزارت اطلاعات، پاره‌یی از شرایط زندانیان را پذیرفتند. زندانیان در مهلت ده روزه‌یی که برای دژخیمان مشخص کرده بودند ازجمله این شرایط را تعیین کرده بودند: پایان دادن به حملاتی وحشیانه به زندانیان سیاسی و دسگیری و مجازات مسئولان این حملات، فراهم کردن امکانات درمانی برای زندانیان مصدوم و مجروح، ازجمله عمل جراحی افشین بایمانی.

لازم به یادآوری است که دژخیمان زندان گوهردشت در تاریخ ۲۰شهریور، افشین بایمانی و بهروز جاوید تهرانی را به‌جرم درخواست دارو و درمان مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند، به‌نحوی که آقای بایمانی در ناحیه شکم ۵۰بخیه خورد و آقای تهرانی از ناحیه سر، دچار شکستگی گردید.

در تاریخ اول مهر نیز در جریان حمله به زندانیان سیاسی و ضرب و شتم آنان، یدی افشین بایمانی شکست که هنوز تحت درمان قرار نگرفته و از عوارض آن بشدت رنج می‌برد.

سازمان مجاهدین خلق ایران کلیه مراجع بین‌المللی مدافع حقوق بشر را به محکوم‌کردن رفتار وحشیانه با زندانیان سیاسی و دفاع از حقوق این زندانیان به‌ویژه در زندانهای اوین و گوهردشت فرامی‌خواند.

اعدام و سرکوب

رژیم آخوندی یک نفر را در ملأعام به‌دار آویخت

رژیم آخوندی یک نفر را در ملأعام در شهرستان صحنه در استان کرمانشاه به‌دار آویخت. وی شهروز مروتی نام داشت و به اتهام آخوند ساخت ارازل و اوباش دستگیر شده بود. پورعزیزی دادستان جنایتکار شهرستان صحنه به تهدید پرداخت و گفت: «دستگاه قضایی با همکاری نیروهای امنیتی و انتظامی مقتدرانه در برابر اراذل و اوباش خواهد ایستاد. اعدام اخلالگران نظم و امنیت ادامه خواهد داشت»(جمهوری اسلامی ۱۲مهر۸٦).

دستگاه قضاییه آخوندها حکم اعدام ۷نفر را در تهران صادر کرد.

یکی از این نفرات ذبیح‌الله نام دارد(اعتماد ۱۰مهر۸٦). یکی دیگر از این افراد صادق نام دارد و ۲۵ساله می‌باشد که حکم اعدام وی توسط دیوان عالی رژیم تأیید شده است. سه نفر دیگر حمیدرضا ۲۷ ساله، اسفندیار ۳۹ ساله و مجید ۲۱ ساله می‌باشند(جمهوری اسلامی ٤مهر).

دو نفر دیگر مجتبی آقایی و محمدجواد تهوری نام دارند(روزنامه جوان ۱۵مهر۸٦).

رئیس سازمان زندانهای رژیم: ٤۱زندان جدید در حال ساخت است

با افزایش موج دستگیریها، رژیم آخوندی به طور گسترده‌یی اقدام به ساختن زندانهای جدید کرده است. علی‌اکبر پساقی، رئیس سازمان زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم اعلام کرد: «٤۱زندان جدید در حال ساخت است و ۳٤ طرح مصوب نیز آماده اجرا است». این دژخیم طی اعتراف نکاندهنده‌یی گفت: «۲۵۰درصد از دستگیرشدگان به‌دلایل شرایط روحی و روانی در زندانها به دام مواد مخدر گرفتار می‌شوند»(خبرگزاری رژیم ـ ایرنا ۱۵مهر۸٦).

زندان و شلاق برای کسانی که روزه نباشند

رژیم آخوندی برای کسانی که اقدام به روزه‌خواری کنند مجازات زندان و شلاق اعمال می‌کند. سعید کشوری باغان، از کارگزاران قضایی آخوندها، گفت: «حتماً لازم نیست، مردم فرد را، حین عمل روزه‌خواری ببینند. نیروی انتظامی و بسیج، مهمترین ضابطان دادگستری هستند که در زمینه جرم روزه‌خواری اقدام می‌کنند، اگر ضابطان فردی را در حین روزه‌خواری مشاهده کنند هر چند در ملأعام نباشد، می‌توانند شخص را دستگیر کنند و وی علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ۱۰ روز تا ٤ماه و تا ۷۴ضربه شلاق محکوم می‌شود»(جوان ۹مهر۸٦).

راه‌حل ضدمردمی پاسدار احمدی‌نژاد برای مشکلات دانشجویان

پاسدار احمدی‌نژاد روز ۱۵مهر طی سخنانی در جمع ایادی رژیم در دانشگاهها برای حل بحران خوابگاههای دانشجویی به‌طور مضحکی گفت: برای تأمین خوابگاههای دانشجویی لازم است تا گزینشها را اصلاح کنیم، استادان به مناطق اعزام شوند و نظام آموزشی تغییر یابد و نباید با قرار دادن چند دانشجو در یک خوابگاه، جوانان را از محیط اجتماعی خود جدا کرد.

وی گفت: کنکور نیز معیار جامع نیست و باید به جز نفرات اول دانشگاهها بقیه را به‌گونه‌یی توزیع کرد که تنها ۵درصد دانشجویان میهمان باشند و نیاز برای خوابگاه کاهش یابد.

کنفرانس بزرگ در پاریس علیه اعدامهای فزاینده در ایران

ایران آخوندها، سرزمین مرگ

دکتر صالح رجوی — ژان پیر برار — محمدرضا روحانی — دانیل ژاکوبی — پاتریک بوددوئن — انیسه بومدین — ژیل پاروئل — اسقف گایو — پیر برسی

در این کنفرانس که با شرکت شماری از نمایندگان مجلس ملی فرانسه، حقوقدانان، شخصیتهای مدافع حقوق بشر، هیأتی از دفتر عفو بین‌الملل در پاریس، هیأتی از جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی خلقها (مراپ) و شماری از اعضای شورای ملی مقاومت برگزار شد، سیاستهای سرکوبگرانه رژیم آخوندی و به‌ویژه افزایش اعدامهای خیابانی و نیز مماشات با آخوندهای ضدبشر به شدت محکوم شد

آقای ژیل پاروئل، وکیل و رئیس سابق کانون وکلای استان والدواز فرانسه، خانم انیسه بومدین حقوقدان و همسر رئیس جمهور فقید الجزایر و آقایان "ژان پیر برار نماینده مجلس فرانسه و شهردار شهر مونتروی ، اسقف ترقیخواه فرانسوی ژاک گایو ، پیر برسی رئیس سازمان حقوق بشر نوین، پاتریک بودوئن رئیس افتخاری فدراسیون بین المللی حقوق بشر، دانیل ژاکوبی از شخصیتهای بنام مدافع حقوق بشر در فرانسه، دکتر صالح رجوی نماینده شورای ملی مقاومت در فرانسه و آقای محمد رضا روحانی، حقوقدان ومسئول کمسیون امور ملیتها درشورای ملی مقاومت به سخنرانی پرداختند

ژان پیر برار:باید در پارلمان فرانسه حمایت ازمقاومت را گسترش بدهیم و مقاومت داخلی درایران را تشویق کنیم. مقاومت ایران و مجاهدین توان این را دارند که کاراین رژیم را یکسره کنند .مردم ایران تصمیم گرفتند که بایستند و مقاومت کنند

انیسه بومدین: آنچه که رژیم به بهانه قوانین اسلامی در مورد زنان انجام می‌دهد لکه ننگی برادمن اسلام است... نباید به نیروهایی که ازرژیم ایران خط می‌گیرند به قدرت برسند

روز جمعه ۱۴ شهریور ۸۵برابر با ۵ اکتبر، کنفرانسی علیه اعدامهای فزاینده در ایران با عنوان «ایران آخوندها، سرزمین مرگ» در سالن مزون دوشیمی پاریس برگزار گردید، در این کنفرانس که با شرکت شماری از نمایندگان مجلس ملی فرانسه، حقوقدانان، شخصیتهای مدافع حقوق بشر، هیأتی از دفتر عفو بین‌الملل در پاریس، هیأتی از جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی خلقها (مراپ) و شماری از اعضای شورای ملی مقاومت ایران برگزار شد، سیاستهای سرکوبگرانه رژیم آخوندی و به‌ویژه افزایش اعدامهای خیابانی و هم چنین سیاست مماشات با آخوندهای ضدبشر، به شدت محکوم شد.

ژیل پاروئل وکیل و رئیس سابق کانون وکلای استان والدواز فرانسه ریاست این کنفرانس را به عهده داشت. سایر سخنرانان این جلسه عبارت بودند از:

خانم انیسه بومدین حقوقدان، همسر رئیس جمهور فقید الجزایر، هواری بومدین، آقایان ژان پیر برار نماینده مجلس فرانسه و شهردار شهر مونتروی، ژاک گایو، اسقف ترقیخواه فرانسوی، پیر برسی رئیس سازمان حقوق بشر نوین، پاتریک بودوئن رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، دانیل ژاکوبی از شخصیتهای بنام مدافع حقوق بشر در فرانسه، دکتر صالح رجوی نماینده شورای ملی مقاومت در فرانسه و آقای محمد رضا روحانی، حقوقدان ومسئول کمسیون امور ملیتها درشورای ملی مقاومت.

در این جلسه، فیلمی از اعدامهای علنی طی ماههای اخیر در ایران پخش شد که حاضران را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

در حاشیه این جلسه، نمایشگاهی از عکسهای تکاندهنده اعدامهای اخیر نیز به چشم می‌خورد که شرکت‌کنندگان در جلسه را در جریان بخش کوچکی از فجایع کنونی در ایران قرار می‌داد.

ژیل پاروئل: افزایش اعدامها در حاکمیت آخوندی غیرقابل تحمل شده است

آقای ژیل پاروئل در سخنرانی خود افزایش اعدامها و مجازاتهای ضدانسانی در حاکمیت آخوندی را «غیرقابل تحمل» و غیرقابل باور خواند و گفت رسانه‌های خبری در این باره بسیار کمتر از آنچه که در واقعیت رخ می‌دهد منتشر می‌کنند. بازداشت، اعدام، سنگسار، قطع اعضای بدن، چنین وضعیتی را در هیچ جا نمی‌توان یافت. گویا به اعصار دیگری بازگشته‌ایم. در کدام کشوری قطع عضو، چشم از حدقه‌درآوردن پذیرفته است؟ وی در بخش دیگری از سخنان خود برلزوم بازتاب این واقعیتها در رسانه‌های خبری فرانسه تأکید کرد و گفت در سه ماه اول سال جاری طبق گزارش عفو بین‌الملل ۱۰۱ اعدام صورت گرفته است. حکومت ایران این اعدامها را اعلام می‌کند و با وقاحت مردم را برای تماشای اعدام دعوت می‌کند.

پیربرسی: شوک فجایعی که در ایران می‌گذرد باید به جامعه فرانسه منتقل شود

سپس آقای پیر برسی رئیس سازمان حقوق بشر نوین طی سخنانی گفت من از دیدن این صحنه‌ها تکان خوردم. در این سالها که در کنار مجاهدین و مقاومت ایران مبارزه کرده‌ام فیلمهایی مثل چشم از حدقه‌درآوردن، زخم بر پیکر شکنجه‌شدگان دیده بودم و تصور می‌کردم یک روزی بالاخره اینها تمام می‌شود. متأسفانه رسانه‌های خبری و به‌خصوص رسانه‌های خبری فرانسوی به‌شدت نسبت به اطلاع‌رسانی در مورد این فجایع دریغ می‌کنند. باید این شوک را به جامعه فرانسه وارد کرد. من امیدوارم بتوانیم در این زمینه موفق باشیم.

آقای پیربرسی در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت تشکیل کمیته بر علیه اعدامها در ایران تأکید کرد. وی افزود من از مقاومت ایران می‌خواهم نام و نشان دژخیمان را منتشر کنند تا آنها بدانند که یک روز باید به پای میز محاکمه کشیده شوند. ولو این‌که امروز نقاب بر چهره بکشند و خود را پنهان کنند. باید وحشیگریهایی را که در حاکمیت ملاها جریان دارد، به جهانیان نشان داد. درود بر قربانیان و درود بر مجاهدین خلق که با شهامت اعلام کردند مجازات اعدام را لغو می‌کنند.

دکتر صالح رجوی: اعدام در حاکمیت آخوندها برای ایجاد رعب و وحشت است

سپس دکتر صالح رجوی نماینده شورای ملی مقاومت در فرانسه سخنرانی خود را ایراد کرد و با اشاره به لغو حکم اعدام در دهها کشور جهان به افزایش اعدامها در دیکتاتوری آخوندی پرداخت وگفت این اعدامها از ویژگیهای خاص برخوردار است. اعدام در حاکمیت آخوندها برای ایجاد رعب و وحشت است و به همین منظور است که صحنه‌های اعدام از تلویزیون رژیم پخش می‌شود و مردم برای تماشای آن دعوت می‌شوند. ولی قربانیان درآخرین لحظه لبخند به لب دارند تا به مردم روحیه بدهند می‌دانیم که بسیاری ازندانیان سیاسی تحت عنوان جرائم عادی اعدام می‌شوند.دکترصالح رجوی دربخش دیگری ازسخنان خود گفت تمام این جنایات به نام اسلام، الیته اسلامی تحریف شده و مخدوش- صورت می‌گیرد. در حالی‌که اسلام دین رحمت و مهربانی وبخشش است. سرکوب زنان جزئی از این جنایات است محمد جواد لاریجانی مشاور قوه قضاییه رسماً اعلام کرد که سنگسار نه شکنجه است ونه مجازات غیرانسانی. وقتی رئیس جمهور این رژیم کسی است که به هزار نفر نیز خلاص زده است، می‌شود تصور کرد دربستوهای این رژیم چه می‌گذرد. درمقابل این هم قابل تصور است که بعد از سرنگونی دیکتاتوری آخوندها، ایران تحت هدایت مریم رجوی رئیس جمهوربرگزیده مقاومت -که پیشاپیش از لغو حکم اعدام دفاع کرده، چه کشور امن وبردباری خواهد بود.

ژان پیر برار: در پارلمان فرانسه حمایت از مقاومت ایران را گسترش دهیم

آن‌گاه آقای ژان پیربرار نماینده مجلس ملی فرانسه به سخنرانی پرداخت وگفت ما علیه فاشیسم نازی و علیه فاشیسم موسولینی و فرانکو مبارزه کردیم ومردم را ازتعرض دیکتاتوریها محافظت کردیم همه اینها در احترام به ارزشهای بنیادین که به آن اعتقاد داریم صورت گرفت.جامعه بین‌الملل حق مقاومت را به رسمیت شناخته است این مقاومت مشروع است که دراعلامیه جهانی حقوق بشر نیز وجود دارد و در ۱۰دسامبر ۱۹۴۷ در ملل متحد تصویب شده است. ژان پیربرار نماینده مجلس ملی فرانسه در بخش دیگری ازسخنان خود با اشاره به جوانی که که قبل از حلق‌آویز لبخند به لب داشت گفت او نیز مثل لگی موکه که توسط نازیها اعدام شد ایستاد و مقاومت کرد وگفت مرگ بردیکتاتوری.

وی هم‌چنین حکومت پاسداراحمدی‌نژاد را با حکومت ویشی در فرانسه مقایسه کرد و گفت نباید این دیکتاتور به دانشگاه کلمبیا دعوت می‌شد. وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به موقعیت مقاومت ایران گفت اکنون آنها درجایگاه خوبی هستند و باید ازاین شرایط بهره بگیرند به‌عنوان مثال باید در پارلمان فرانسه حمایت ازمقاومت ایران را گسترش بدهیم و مقاومت داخلی درایران را تشویق کنیم. وی افزود ما باید راههای حمایت از مقاومت ایران را پیدا کنیم و افزایش بدهیم، نه این‌که آنها را دراین تروریستی قرار بدهیم مقاومت ایران و مجاهدین توان این را دارند که کاراین رژیم را یکسره کنند .مردم ایران تصمیم گرفته‌اند که بایستند و مقاومت کنند و ما باید از آنها حمایت کنیم.

اسقف گایو: اگرمی‌خواهیم به ارزشها وفادار بمانیم عندالزوم بایدتجارت را هم قربانی کنیم

سپس اسقف گایو شخصیت برجسته و مترقی فرانسوی به سخنرانی پرداخت وی گفت ما همگی صددرصد به حقوق بشر معتقد هستیم من همیشه به کسانی فکرمی‌کنم که این‌جا نیستند ولی باید می‌بودند و می‌فهمیدند که درایران چه می‌گذرد من چهره‌هایی را می بینم که اعتقاد کامل به نبرد و مبارزه دارند وحاضرند جانشان را فدا کنند کسی نمی‌تواند جانشان را بگیرد آنهاخودشان جانشان را فدا می‌کنند چون انتخاب کرده‌اند هدف ما باید این باشد که برچسب تروریستی ازروی این مقاومت مشروع برداشته شود. چراکه این برچسب مثل زنجیری است که به پای مقاومت بسته شده است. می‌دانید که خیلها منافع اقتصادی دارند و بفول کلمانسو سیاستمدار برجسته فرانسه یک قطره نفت معادل یک قطره خون است. اسقف گایو دربخش دیگری از سخنانش گفت اگرمی‌خواهیم به ارزشها وفادار بمانیم عندالزوم بایدتجارت را هم قربانی کنیم. من فکر می‌کنم برای رژیم ایران بزرگترین وحشت این است که اپوزیسیون آن یعنی مقاومت ایران از اعتبار و حمایت بین‌المللی برخوردار است.

دانیل ژاکوبی: مسئولان این جنایات ننگین درایران، مانند پینوشه و بقیه دیکتاتورها مورد بازخواست قرارخواهند گرفت

آقای ژاکوبی رئیس سابق فدراسیونهای حقوق بشر از چهره‌های مدافع حقوق بشر در فرانسه سخنران بعدی کنفرانس بود وی گفت زمانی که من درسالهای ۸۰ رئیس فدراسیون بودم می‌گفتم دادگاه جزای بین‌المللی تأسیس خواهد شد. اکنون این دادگاه تشکیل شده است و کشوری مثل ایران که به نسبت جمعیتش رکوردار اعدام در جهان است، باید پاسخگوی جنایات خودش باشد.

آنها این وحشیگریها را در تلویزیون هم نشان می‌دهند. این تصاویرغیرقابل تحمل است و این نقابها که بر چهره‌شان می‌زنند نمی‌تواند دژخیمان را از مکافات مرابدارد. سالها پیش فکر می‌کردیم دیکتاتوری فرانکو در اسپانیا نخواهد افتاد ولی بالاخره سقوط کرد این جنایات نیز پایان خواهد یافت. ولی نه ازطریق مداخله خارجی بلکه توسط خود شما یعنی این مقاومت و مردم ایران و این است که می‌تواند منجربه سقوط دیکتاتوری ملایان بشود.

آقای ژاکوبی خواستار استمرار چنین کنفرانسهایی در ابعاد وسیعتر و پخش این فیلمها برای اطلاع افکار عمومی فرانسه شد. وی اعدامهای علنی را ننگین و شرم‌آور توصیف کرد و گفت کسانی که دربالاترین سطوح این جنایتکاران را به جان مردم می‌اندازند باید تاوان خود را پس بدهند. من به شما قول می‌دهم که مسئولان این جنایات ننگین درایران، مانند پینوشه و بقیه دیکتاتورها مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

انیسه بومدین: این جنایات مشابه جنایات بنیادگرایان در الجزایر است

سپس خانم انیسه بومدین وکیل وهمسر رئیس جمهورفقید الجزایرهواری بومدین، به بحث پرداخت وی که از دیدن صحنه‌های جنایات آخونده به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته بود، وباچشمانی اشکبار سخن می‌گفت، این جنایات را مشابه جنایات بنیادگرایان در الجزایر توصیف نمود و اضافه کرد که رژیم ایران که چنین جنایاتی رامرتکب می‌شود تأمین مالی و پشتیبانی مرتجعین در الجزایر را نیز به عهده داشت. عده‌یی که تحت فشار اقتصادی بودند از سوی رژیم ایران تحریک شدند و به جنایت روی آوردند. تصور کنید اگر در الجزایر هم رژیمی از نوع رژیم ایران بر سرکار می‌آمد چه فاجعه‌یی به‌وجود می‌آمد. من وکیل و درعین حال اسلام‌شناس هستم آنچه که رژیم به بهانه قوانین اسلامی در مورد زنان انجام می‌دهد لکه ننگی برادمن اسلام است خانم انیسه بومدین هشدار داد که نباید به نیروهایی که ازرژیم ایران خط می‌گیرند به قدرت برسند. خانم بومدین افزود وقتی من لبخند آن جوان را درهنگام حلق‌آویز دیدم یاد سرود پارتیزان فرانسه افتادم. به‌درستی گفته شد که باید یک جنبش علیه چنین جنایاتی ایجاد شود. حتی کاروانهای بین‌المللی به‌راه افتند تا درشرهها بچرخند و برای افکار عمومی روشن کنند که درایران چه می‌گذرد.

محمد رضا روحانی: این حمایتها قابل تقدیر است

آن‌گاه آقای محمد رضا روحانی ، حقوقدان و مسئول کمیسیون امورملیتها در شورای ملی مقاومت ایران با اشاره به حمایت وکلای فرانسوی از جنبش آزادیخواهی درایران در دوران دیکتاتوری شاه گفت من بعد از انقلاب وکیل خانواده نرگس جباری زن جوانی که در بهشهر به‌طور غیرقانونی توسط قاضی ضدانقلاب رژیم اعدام شد. من وکیل ونداد ایمانی فدایی خلق بودم که در بهشهر در پیش چشم مردم با زخم چاقوی پاسداران به‌قتل رسید. این رژیم حتی به قوانین خود هم احترام نمی‌گذارد. اصل ۳۵قانون اساسی این رژیم حضور وکلا را درمحاکمات جنایی الزامی اعلام کرده است اما من به‌خاطر دفاع از نرگس جباری و ونداد ایمانی مجبوربه ترک وطنم شدم. وکلای ایرانی را به‌خاطر انجام وظایف حرفه‌یی خود می‌کشند.

پاتریک بودوئن: اعدامهای وحشیانه در ایران باید متوقف شود

در بخش پایانی کنفرانس آقای پاتریک بودوئن رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی جوامع حقوق بشر ضمن محکوم دانستن اعدامها درایران گفت که عملکرد رژیم ایران، این رژیم را در مقایسه با سایرکشورها، در بدترین نقطه قرارمی‌دهد. این اعدامهای وحشیانه به‌خصوص به این علت بایدمتوقف شود که در ورای اجرای احکام ادعایی، این اعدامها ابزاری برای حفظ قدرت سیاسی از طریق ایجاد ترور و وحشت در جامعه محسوب می‌شود. وی دولت فرانسه را به حمایت از کسانی فراخواند که در ایران برای محو چنین عملکردهایی فعالیت می‌کنند.

در پایان این کنفرانس، آقای ژیل پاروئل طی سخنانی مجدداً خواستار دخالت جامعه جهانی و به‌ویژه شورای حقوق بشر ملل متحد و تصویب قطعنامه لازم الاجرا علیه دیکتاتوری آخوندی گردید. وی افزود با این‌که شورای حقوق بشرملل متحد اعلام کرده است که اعدام علنی مغایر با شئونات انسانی است ولی در ایران به طور روزانه اعدامهای علنی صورت می‌گیرد این درحالی است که عفو بین‌الملل خواستار قطع اعدامها در ایران شده است . آقای پاروئل سخنان خود را با درود به چند هزار رزمنده مجاهد خلق در نزدیکی مرز ایران و عراق که در شهر اشرف برای آزادی ایران مبارزه می‌کنند به پایان رساند.

بیانیه پایانی کنفرانس پاریس

در این کنفرانس، آقای ژیل پاروئل بیانیه پایانی کنفرانس پاریس علیه اعدامهای فزاینده در ایران را قرائت کرد. در این بیانیه که توسط شخصیتها، حقوقدانان و نمایندگان پارلمان خطاب به کمیسرحقوق بشر سازمان ملل متحد امضا شده آمده است:

رژیم محتضر آخوندها که هیچ برون رفتی از بحرانهای لاعلاج داخلی و بین‌المللی گریبانگیرش ندارد، برای تشدید فضای سرکوب و ارعاب به منظور جلوگیری از اوجگیری اعتراضها و خیزشهای اجتماعی و خواسته مردم ایران برای تغییر این رژیم، به جنایات دهشتناکی روی آورده است. چنین شرایطی واکنش جدی و قاطع جامعه بین‌المللی را طلب می‌کند. اما، متأسفانه، سازمانهای بین‌المللی و دولتهای غربی نه تنها در قبال این جنایات سکوت اختیار کرده‌اند، بلکه هم‌چنان از ضرورت استمرار دیالوگ و ارائه امتیازات و مشوقهای بازهم بیشتر به استبداد قرون وسطایی سخن می‌رانند، سیاستی که حاکمان خونریز ایران را در ادامه و تشدید حققان جری‌تر کرده است.

امضاکنندگان بیانیه پایانی کنفرانس پاریس تصریح می‌کنند:

ما ضمن حمایت از فراخوان خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران، که از جامعه بین‌المللی خواهان اقدام فوری برای توقف اعدامها در ایران شده بود، بر موارد زیر تأکید می‌کنیم:

۱. از جامعه بین‌المللی خواستار ارائه قطعنامه‌یی در محکومیت صریح و قاطعانه نقض ابتدایی‌ترین حقوق مردم ایران توسط رژیم آخوندی در اجلاس جاری مجمع عمومی ملل متحد، و اتخاذ اقدامات عاجل برای توقف موج جدید اعدامها در ایران می‌باشیم.

۲. از جامعه بین‌المللی و به‌ویژه اتحادیه اروپا خواهان مشروط کردن روابط اقتصادی- سیاسی خود با رژیم آخوندی به بهبود وضع حقوق بشر در ایران هستیم.

۳. از ملل متحد و شورای حقوق بشر این سازمان خواستار از سرگیری نظارت مستمر بر وضعیت حقوق بشر در ایران و انتصاب مجدد نماینده ویژه‌یی به این منظور هستیم.

٤. نظر به بی‌توجهی آشکار رژیم آخوندی به ۵۳ قطعنامه محکومیت رژیم آخوندی توسط ارگانهای مختلف ملل متحد به خاطر نقض شدید و مستمر حقوق بشر در ایران، خواهان ارجاع پرونده قریب به سه دهه جنایات رژیم آخوندی علیه مردم ایران، به‌خصوص قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی پیدفاع درسال ۱۹۸۸ که با هرمعیاری جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود، به شورای امنیت ملل متحد برای اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا می‌باشیم.

ژیل پاروئل رئیس کنفرانس پاریس پس از قرائت این بیانیه، سخنان خود را با درود به مجاهدین شهر اشرف که برای آزادی ایران مبارزه می‌کنند به پایان رساند.

فرمانده نیروی چندملیتی: نیروی قدس سپاه پاسداران، در عراق سیاست تعیین می کند

ژنرال پتریوس: در مورد سیاستهای نیروی قدس سپاه پاسداران در عراق هیچ ابهامی نباید باشد. حتی سفیر رژیم ایران در عراق عضو نیروی قدس است و تکرار می‌کنم که در دخالت مخفی و مرگبار نیروی قدس در عراق نباید تردیدی باشد

ژنرال دیوید پتریوس فرمانده نیروی چندملیتی در عراق روز ۱۴مهر، در مصاحبه با تلویزیون سی.ان.ان گفت: در دخالت مخفی و مرگبار نیروی قدس سپاه پاسداران در عراق و این که این نیرو در این کشور سیاست تعیین می‌کند، نباید هیچ تردیدی کرد.

تلویزیون سی.ان.ان در ابتدای مصاحبه خود با ژنرال دیوید پتریوس، گفت: فرمانده نیروی چندملیتی در عراق اخیراً سفری به شمال شرق عراق داشت تا از نیروهای هوابرد ۸۱ بازدید کند. پتریوس در مورد موضوعات حل‌ناشده یعنی دخالتهای رژیم ایران در امور عراق، ازجمله ارسال سلاح و مهمات و مواد انفجاری که قادرند در زره خودروها نفوذ کنند و باعث کشته‌شدن بسیاری از سربازان آمریکایی شوند توضیح داد. شایعاتی بود مبنی براین‌که سیاست رژیم ایران تاحدودی تعدیل و نرم شده و عوامل این رژیم که در بازداشت ارتش آمریکا در عراق هستند، ممکن است آزاد شوند. اما ژنرال دیوید پتریوس می‌گوید همه ادعاهایی که گویا این افراد دیپلومات بوده‌اند یا حتی اظهارات رئیس‌جمهور عراق که اخیراً گفت یکی از این افراد به‌نام فرهادی یک بازرگان بوده حقیقت ندارد.

ژنرال پتریوس به سی.ان.ان گفت: «باید به وضوح بگویم افرادی که ما در شمال عراق بازداشت کرده‌ایم اعضای نیروی قدس سپاه پاسداران هستند. در این مسأله جای هیچ بحث و تردیدی نیست. ما به‌طور قطع و یقین می‌دانیم که فرهادی کیست و در گذشته چه کارهایی کرده و چه تسهیلاتی در عراق فراهم می‌کرده است و در نیروی قدس چه سمتی دارد. در این اطلاعات هیچ جای سؤال و تردیدی نیست. ما از منابع متعدد اطلاعاتی و با روشهای مختلف، شناخت کافی از این فرد داریم».

ژنرال دیوید پتریوس افزود: در مورد سیاستهای نیروی قدس سپاه پاسداران در عراق هیچ ابهامی نباید باشد. حتی سفیر رژیم ایران در عراق عضو نیروی قدس است و تکرار می‌کنم که در دخالت مخفی و مرگبار نیروی قدس در عراق نباید تردیدی باشد. ما معاون فرمانده حزب‌الله لبنان را که با نیروی قدس کار می‌کرد، بازداشت کردیم که برای شبه‌نظامیان در عراق سلاحهای مرگبار، پول و آموزش تأمین می‌کرد و حتی خط و برنامه کار به سازمانهای مختلف در عراق می‌رساند. ما سند و نوار ویدیویی داریم که آنها به این کارها اعتراف کرده‌اند.

تلویزیون سی.ان.ان گفت اظهارات قاطع و شدیداللحن ژنرال پتریوس در محلی به فاصله یک ساعت از مرز ایران ایراد می‌شد. وی گفت ما اوضاع را تحت کنترل و نظارت داریم.

تلویزیون سی.ان.ان نتیجه‌گیری کرد با توجه به اظهارات ژنرال پتریوس هرکس انتظار آزادی عوامل رژیم ایران را داشت باید تا اطلاع ثانوی از چنین انتظاری چشم‌پوشی کند.

جانشین فرماندهی نیروی چندملیتی در عراق: اعضای دستگیرشده نیروی قدس باید در دست نیروهای آمریکایی باقی بمانند

به‌گزارش روزنامه واشینگتن‌پست ۱۳ مهر، ژنرال ریموند اودیرنو، جانشین فرماندهی نیروی چندملیتی در عراق تصریح کرد باید اعضای دستگیرشده نیروی قدس سپاه پاسداران در عراق، همچنان در دست نیروهای آمریکایی باقی بمانند زیرا دارای اطلاعات حساسی می‌باشند. وی افزود: در ماه جاری میلادی قرار است وضعیت ۵نفر از ایرانیان دستگیرشده توسط نیروهای آمریکایی در عراق مورد بررسی قرار بگیرد. این ۵نفر در ماه ژانویه گذشته در شهر اربیل دستگیر شدند. به‌نظر من این افراد نباید آزاد شوند. زیرا به‌لحاظ نظامی نگهداری آنها مهم است.

واشینگتن‌پست نوشت: این توصیه ژنرال ریموند اودیرنو می‌تواند تنش بین رژیم ایران و واشینگتن را بیش از پیش افزایش دهد. موقعیت این پنج ایرانی دستگیرشده آن‌قدر حساس است که در بالاترین سطوح مقامهای آمریکایی و تا مقامهای کاخ سفید مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دیدگاه ژنرال اودیرنو منعکس‌کننده خشم عمیق وزارت امور خارجه آمریکا و پنتاگون، نسبت به وعده‌های شکست خورده رژیم ایران برای همکاری جهت برقراری ثبات در عراق است. وعده‌هایی که رژیم ایران بعد از اولین دیدگاه علنی دوجانبه میان دیپلوماتهای آمریکا و ایرانی داده بود.

به گفته مقامهای آمریکا، از آن زمان تاکنون رژیم ایران به تسلیح، آموزش و حمایت از شبه‌نظامیان عراقی که هدفشان بی‌ثبات‌کردن عراق و هدف قراردادن نیروهای آمریکایی می‌باشد، ادامه داده است.

به‌نوشته واشینگتن پست یکی دیگر از مقامهای ارشد آمریکایی درگیر در سیاست عراق، گفت: «چرا ما باید به رفتار بد جایزه بدهیم؟».

واشینگتن‌پست خاطرنشان کرد: ماه گذشته نیروهای آمریکا ششمین مقام رژیم ایران به‌نام فرهادی را در شمال عراق دستگیر کردند و اعلام نمودند این فرد عضوی از شبکه نیروی قدس سپاه پاسداران می‌باشد. اودیرنو گفت او بازیگر «مهمی» است که مظنون به تهیه تسلیحات، پول و آموزش برای شبه‌نظامیان عراقی از سال۲۰۰۵ می‌باشد.

بیش از ۷۰۰ شخصیت عراقی بحران کنونی عراق را محصول مسلط‌شدن رژیم ایران بر عراق توصیف کردند

بیش از ۷۰۰شخصیت عراقی شامل نمایندگان پارلمان، شخصیتهای سیاسی و دولتی، حقوقدانان و شیوخ عشایر، طی نامه‌یی به دبیرکل ملل متحد، بحران کنونی عراق را محصول مسلط‌شدن رژیم ایران بر عراق توصیف کردند و خواهان دخالت برای برگزاری انتخابات زودرس با نظمیتهای مکفی بین‌المللی شدند.

شخصیتهای عراقی امضاکنندگان این نامه نسبت به«سوءاستفاده از «ماسک دموکراتیک» برای سرکوب وحشیانه مخالفین هشدار دادند. در یک بیانیه مطبوعاتی که در مورد این نامه صادر شده آمده است:

۷۰۰شخصیت برجسته عراقی شامل دهها پارلمانتر، صدها شخصیت سیاسی، حقوقدان و شیخ عشیره، طی نامه‌یی خطاب به بان کی‌مون، دبیرکل ملل متحد، با خاطرنشان نمودن شکست دولت کنونی عراق در حل بحرانی که کشور را فرا گرفته است، راه‌حل را در تجدید انتخابات توسط یک نظام بیطرف و با تضمینهای مکفی بین‌المللی تحت اشراف سازمان ملل توصیف نمودند و از دبیرکل ملل متحد تقاضا کردند تا مکانیزمهای ضروری برای تحقق این خواست مشروع ملت عراق را بدون فوت وقت به جریان اندازد.

در متن این نامه هم‌چنین آمده است: «۴میلیون آواره و ۶۵۰هزار کشته و میلیونها مجروح و نابودی تمامی بنیادهای اقتصادی و مناسبات اجتماعی و فقدان خدمات و امنیت، بهای دردناک مسلط‌شدن رژیم ایران و ایادی آن بر کشور ماست. اما دردناکتر این است که وحشیانه‌ترین سرکوبی که تاریخ ما به‌خود دیده است با استفاده از ماسک دموکراتیک و «سُروعیت انتخاباتی» لایوشانی می‌شود، درحالی‌که همه می‌دانند اهرم واقعی آنها برای حکومت، نه دموکراسی و رأی مردم بلکه آدمکشی و قتل و جوخه‌های مرگ و تروریسم و ارعاب و بمبهای وارداتی از ایران است».

پیش از این نیز شماری از رهبران فراکسیونهای پارلمانی ملی و دموکراتیک تجدید انتخابات را راه‌حل پایان دادن به سرکوب و خنوتت حکومت کنونی توصیف نموده بودند.

۴۰۰تن از شیوخ عشایر عراق تجاوزات رژیم ایران به مناطق کردنشین این کشور را به‌شدت محکوم کردند

۴۰۰تن از شیوخ عشایر عراق تجاوزات رژیم ایران به مناطق کردنشین این کشور را به‌شدت محکوم کرده و از سازمان ملل متحد و نیروهای چندملیتی، خواستار دخالت فوری، برای متوقف کردن این حملات گردیدند.

روزنامه الزمان در شماره ۸ مهر خود، ضمن درج این خبر نوشت: کمیته دوستی کردهای عراق با مردم ایران نمودن شکست دولت کنونی عراق در حل بحرانی که کشور را فرا گرفته است، راه‌حل را در تجدید انتخابات توسط یک نظام بیطرف و با تضمینهای مکفی بین‌المللی تحت اشراف سازمان ملل توصیف نمودند و از دبیرکل ملل متحد تقاضا کردند تا مکانیزمهای ضروری برای تحقق این خواست مشروع ملت عراق را بدون فوت وقت به جریان اندازد.

شیوخ عشایر در سراسر عراق، هم‌چنین، این اقدام رژیم ایران را نقض حاکمیت آشکار و نفی تمامیت ارضی عراق دانسته و از شورای امنیت سازمان ملل و نیروهای چندملیتی در عراق خواستار بررسی سریع این موضوع شدند.

شیوخ عشایر هم‌چنین در اعلام کردند: هرگونه تجاوزی به هر قطعه از خاک عراق، تجاوز به کل عراق است.

منجر به آواره‌شدن هزاران خانواده و شهادت و زخمی‌شدن تعدادی دیگر گردید، را محکوم نمودند.

شیوخ عشایر از سراسر عراق، هم‌چنین، این اقدام رژیم ایران را نقض حاکمیت آشکار و نفی تمامیت ارضی عراق دانسته و از شورای امنیت سازمان ملل و نیروهای چندملیتی در عراق خواستار بررسی سریع این موضوع شدند.

شیوخ عشایر هم‌چنین در اعلام کردند: هرگونه تجاوزی به هر قطعه از خاک عراق، تجاوز به کل عراق است.

وزیر خارجه عراق از رژیم ایران خواست دخالتهای خود در عراق را متوقف کند

هوشیار زیباری، وزیر خارجه عراق، طی سخنانی در دانشگاه هاروارد از رژیم ایران خواست دخالتهای خود در عراق را وزیر خارجه عراق در دانشگاه هاروارد از رژیم ایران خواست اختلافات خود با آمریکا را بپیرون عراق ببرد و این کشور را صحنه تسویه حساب خود با آمریکا نکند. وی هشدار داد: خروج نیروهای آمریکایی از عراق، به درگیری منطقه‌یی دامن می‌زند و باعث تقویت افراطیون خواهد شد(خبرگزاری رویتر ۱۰مهر۸۶).

هوشیار زیباری، وزیر خارجه عراق، طی سخنانی در دانشگاه هاروارد از رژیم ایران خواست دخالتهای خود در عراق را ترک کند. وی گفت: کشورهای اسلامی در حال تقویت روابط خود با ما هستند. عربستان سعودی در زمره کشورهایی است که اخیراً با افزایش حضور دیپلوماتیک خود در بغداد موافقت کرده است. بسیاری از کشورهای اسلامی مانند اندونزی، جمهوری آذربایجان و امارات متحده عربی نیز با نمودن شکست دولت کنونی عراق در حل بحرانی که کشور را فرا گرفته است، راه‌حل را در تجدید انتخابات توسط یک نظام بیطرف و با تضمینهای مکفی بین‌المللی تحت اشراف سازمان ملل توصیف نموده و از دبیرکل ملل متحد تقاضا کردند تا مکانیزمهای ضروری برای تحقق این خواست مشروع ملت عراق را بدون فوت وقت به جریان اندازد.

در متن این نامه هم‌چنین آمده است: «۴میلیون آواره و ۶۵۰هزار کشته و میلیونها مجروح و نابودی تمامی بنیادهای اقتصادی و مناسبات اجتماعی و فقدان خدمات و امنیت، بهای دردناک مسلط‌شدن رژیم ایران و ایادی آن بر کشور ماست. اما دردناکتر این است که وحشیانه‌ترین سرکوبی که تاریخ ما به‌خود دیده است با استفاده از ماسک دموکراتیک و «سُروعیت انتخاباتی» لایوشانی می‌شود، درحالی‌که همه می‌دانند اهرم واقعی آنها برای حکومت، نه دموکراسی و رأی مردم بلکه آدمکشی و قتل و جوخه‌های مرگ و تروریسم و ارعاب و بمبهای وارداتی از ایران است».

پیش از این نیز شماری از رهبران فراکسیونهای پارلمانی ملی و دموکراتیک تجدید انتخابات را راه‌حل پایان دادن به سرکوب و خنوتت حکومت کنونی توصیف نموده بودند.

سخنگوی ارتش آمریکا در عراق: فرهادی در فعالیتهای اطلاعاتی رژیم ایران در عراق به‌مدت بیش از یک دهه دست داشته است

درحالی‌که رژیم آخوندی برای آزادکردن مهره مهمش که در عراق به‌دام افتاده تلاش می‌کند، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا روز ۸مهر، اعلام کرد به‌رغم ادعای رژیم ایران، فرهادی که در سلیمانیه عراق دستگیر شد، از اعضای نیروی قدس سپاه پاسداران بوده است. وی گفت: فرهادی هفتمین عضو نیروی قدس است که توسط نیروهای آمریکایی در عراق دستگیر شده است. رژیم آخوندی مدعی شده است که فرهادی یک تاجر ایرانی بوده است. اما ارتش آمریکا می‌گوید وی از افسران نیروی قدس بوده و به‌شبه‌نظامیان سلاح و تجهیزات می‌رسانده تا به‌منظور کشتن نیروهای آمریکایی و مردم عراق، از آن استفاده کنند.

به‌گزارش تلویزیون العربیه در روز ۱۵مهر۸۶، «سخنگوی رسمی ارتش آمریکا در عراق اعلام کرد فرهادی یک فرمانده مهم نیروی قدس وابسته به سپاه پاسداران است. او یک دیپلومات و یا بازرگان بر اساس ادعای مقامات رژیم ایران نیست. او کسی است که بسته‌های انفجاری نفوذکننده در زرهی را از ایران به عراق قاچاق می‌کرده است و با آن زرهیها نیروهای آمریکایی هدف قرار می‌گرفته است. وی گفت فرهادی با پنج ایرانی که در اربیل دستگیر شده‌اند باندهای تروریستی تشکیل داده بودند که باید متهم می‌شدند».

ژنرال کوین برگر، سخنگوی ارتش آمریکا در عراق، روز ۱۱مهر نیز در یک کنفرانس مطبوعاتی در بغداد گفته بود: «فرهادی، که توسط نیروهای آمریکایی در کردستان عراق دستگیر شد در فعالیتهای اطلاعاتی رژیم ایران در عراق به‌مدت بیش از یک دهه دست داشته است». وی افزود: «فرهادی از عاملان نیروی قدس سپاه پاسداران است و منابع مختلف وی را در تهیه تسلیحات برای جنایتکاران در عراق که در خدمت رژیم ایران هستند، مقصر می‌دانند».(خبرگزاری فرانسه ۱۱مهر۸۶).

ادامه گلوله‌باران مناطق کردستان عراق در تلافی دستگیری فرهادی

توپ‌باران مناطق کردستان عراق، توسط رژیم آخوندی، هم‌چنان ادامه دارد. روز ۹مهر شمار دیگری از روستاها در استان سلیمانیه عراق، هدف توپخانه رژیم ایران قرار گرفتند. توپ‌باران این مناطق، موجب ترس و وحشت مردم منطقه شده و آوارگی و بی‌خانمانی آنان را در پی داشته است(تلویزیون کردست ۱۰مهر۸۶).

بعدازظهر روز ۸مهر نیز رژیم منطقه پشدر در استان سلیمانیه را گلوله‌باران کرد و تعداد دیگری از مردم آواره و بی‌خانمان شدند(تلویزیون کردست ۹مهر۸۶).

نائب‌رئیس پارلمان عراق گلوله‌باران مناطق کردی توسط رژیم ایران را محکوم کرد

عارف طیفور، نائب رئیس پارلمان عراق که از اعضای فراکسیون کردی پارلمان عراق است، خواستار توقف این تجاوز رژیم ایران گردید. در همین حال تلویزیون الحره روز ۸ مهر گزارش داد: رژیم ایران به گلوله‌باران مناطق استان سلیمانیه ادامه می‌دهد. خاطرنشان می‌شود: هفته گذشته نیز دولت کردستان عراق طی بیانیه‌یی، تأثیر گذاشته و قیمتها را افزایش داده است. این منطقه در برخی موارد به تأمین سوخت از ایران وابسته است اما رژیم ایران هم‌چنان بر ادامه بستن مرزها اصرار می‌ورزد(آسوشیتدپرس ۱۱مهر).

هوشیاری زیباری: اقدام رژیم ایران غیرمنصفانه است

هوشیار زیباری وزیر خارجه عراق، گفت: رژیم ایران در واکنش نسبت به‌دستگیری فرهادی، یک مقام خود توسط نیروهای آمریکایی در سلیمانیه، به بستن گذرگاههای مرزی روی آورده و به این ترتیب می‌خواهد مردم این استان را مجازات کند. وزیر خارجه عراق در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اقدام رژیم ایران برای بستن پنج نقطه مرزی منطقه کردنشین در شمال عراق را با منوچهر متکی، وزیر خارجه رژیم ایران، مطرح کرد. زیباری گفت: «متکی گفتم این اقدامی عاقلانه نیست و تنها موجب تضعیف فضای اعتماد می‌شود. شما کل منطقه را به‌خاطر اقدامی که مسئول آن نبوده‌اند، تنبیه می‌کنید. زیباری افزود: من فکر می‌کنم اقدام رژیم ایران برای بستن گذرگاههای مرزی، اقدامی غیرمنصفانه و ناعادلانه بوده و این امر بر زندگی اقتصادی آن منطقه تأثیر گذاشته و قیمتها را افزایش داده است. این منطقه در برخی موارد به تأمین سوخت از ایران وابسته است اما رژیم ایران هم‌چنان بر ادامه بستن مرزها اصرار می‌ورزد(آسوشیتدپرس ۱۱مهر).

وزیر خارجه فرانسه: رژیم ایران از طریق کمک به نیروهای شبه‌نظامی مختلف در عراق دست به هر کاری می‌زند

برنارد کوشنر وزیر خارجه فرانسه اعلام کرد: رژیم ایران از طریق کمک به نیروهای شبه‌نظامی مختلف در عراق دست به هر کاری می‌زند تا این کشور را به میدانی برای عملیات ترور علیه عراق تبدیل کند. وی که در جمع خبرنگاران دیپلوماتیک فرانسه صحبت می‌کرد، خاطرنشان نمود منظورش از نیروهای شبه‌نظامی مختلف نیروهای شبه‌نظامی وابسته به احزاب دینی و دولت و هم‌چنین نیروهای شبه‌نظامی مورد حمایت رژیم ایران مانند القاعده می‌باشد تا از این طریق در جنوب عراق به اختلافات دینی دامن بزنند.

وزیر خارجه فرانسه هم‌چنین رژیم ایران را مسئول حوادث اخیر در کربلا دانست.

کوشنر گفت برای شناخت عراق، نیازی نیست به آنجا برویم، زیرا عراق به میدان عملیات رژیم ایران همان‌طور که در روز می‌گرد، تبدیل شده است. وی از این، العقابی فرمانده تیپ صفر بود که به شرکت در کشتار و جنایت شهرت دارد. این تیپ هزاران عراقی را دستگیر و شکنجه کرده است و آنها را بر اساس هویت مذهبی به قتل رسانده است. تلویزیون بغداد خاطرنشان کرد: پلیس عراق بعد از سقوط بغداد و در زمان باقر جبر، وزیر کشور سابق، تشکیل شده و دو نیروی بدنام نگاوران و حفظ نظام را در بر می‌گیرد. این نیروها بر پایه گرایشهای مذهبی تشکیل شده‌اند. تلویزیون بغداد در پایان گفت: آنچه برای مردم سؤال‌برانگیز است، سکوت دولت نوری مالکی دربار دستگیری افسران عالیرتبه است که در مواضع حساس و کلیدی کار می‌کردند.

تعداد زیادی از تروریستهای رژیم در عراق کشته یا دستگیر شدند

در ادامه مقابله با تروریستهای رژیم در عراق، در هفته گذشته نیز نیروهای ارتش آمریکا، تعداد زیادی از تروریستهای رژیم را یافته و آنها را کشته یا دستگیر نمودند.

روز ۹مهر، ارتش آمریکا در عراق اعلام کرد در جریان عملیاتی در بغداد، ۱۵تن از اعضای گروههای ویژه وابسته به سپاه پاسداران را دستگیر کرده است. دی نلسون، از سخنگویان نیروهای چندملیتی در عراق توضیح داد اطلاعات امنیتی حساس و دقیق، منجر به‌عملیات در منطقه‌یی شد که در آن فرماندهان یک شبکه مهم مرتبط با نیروی قدس سپاه پاسداران تردد می‌کردند. وی خاطرنشان کرد این شبکه شامل گروههای ویژه‌یی است که نیروهای شبه‌نظامی عراقی را با پول و سلاح به‌منظور انجام عملیات مسلحانه علیه سربازان آمریکایی و عراقی تأمین می‌کنند. دی‌نلسون افزود این شبکه هم‌چنین ارتباطاتی با دیگر گروههای مسلح دارد و به‌نقل از اطلاعات امنیتی نیروهای آمریکایی، عناصر آن در قاچاق سلاح از ایران به عراق دست دارند(تلویزیون الشرقیه ۹مهر۸۶).

چند فرمانده پلیس عراق وابسته به‌رژیم آخوندی دستگیر شدند

تلویزیون بغداد در روز ۱۱مهر، طی گزارشی به دستگیری برخی فرماندهان پلیس عراق که وابسته به رژیم ایران بوده و در جنایت علیه عراقیان دست داشته‌اند، پرداخت. در بخشی از این گزارش آمده است: نیروهای چندملیتی به‌زندان عدالت در کاظمیه یورش برده و سرهنگ ثامر محمد اسماعیل الحسینی، معروف به ابوتراب را که به‌دریت شعب اطلاعات پلیس را به‌عهده داشت، دستگیر کردند. منابع امنیتی گفتند سرهنگ ثامر با سوءاستفاده از منصب خود، به افسران پلیس دستور می‌داده که با برقراری پستهای بازرسی جعلی، سنیها را دستگیر کنند و آنها را از مناطق شیعه‌نشین بیرون می‌کرده است. به گزارش تلویزیون بغداد، سرهنگ ثامر از شبه‌نظامیان به‌ویژه سپاه بدر وابسته به مجلس اعلا دستور می‌گرفته است. این تلویزیون افزود: نیروهای چندملیتی در عراق هم‌چنین سرتیپ ستاد نجم جمعه العقابی، مدیر سررشته‌داری در فرماندهی پلیس را که شامل نیروهای تکاور می‌باشد دستگیر کرده‌اند. این فرد نیز شهروندان عراقی را بر اساس هویت، به‌قتل می‌رسانده است. رئاد شخصی این سرتیپ پلیس عراق اعتراف کرده است پسر العقابی و چهار تن از عناصر ویژه حفاظتیش، سلاح و مهمات از ایران وارد کرده و آنرا به‌شبه‌نظامیان تحویل می‌دادند و در این کار از خودروهای دولتی مربوط به‌وزارت کشور استفاده می‌کردند. منابع امنیتی خبر دادند نیروهای آمریکایی وقتی که به‌خانه این فرد در منطق سیدیه یورش بردند، مقادیر زیادی سلاحهای نیمه‌سنگین و سبک پیدا کردند. پیش از این، العقابی فرمانده تیپ صفر بود که به شرکت در کشتار و جنایت شهرت دارد. این تیپ هزاران عراقی را دستگیر و شکنجه کرده است و آنها را بر اساس هویت مذهبی به قتل رسانده است. تلویزیون بغداد خاطرنشان کرد: پلیس عراق بعد از سقوط بغداد و در زمان باقر جبر، وزیر کشور سابق، تشکیل شده و دو نیروی بدنام نگاوران و حفظ نظام را در بر می‌گیرد. این نیروها بر پایه گرایشهای مذهبی تشکیل شده‌اند.

تلویزیون بغداد در پایان گفت: آنچه برای مردم سؤال‌برانگیز است، سکوت دولت نوری مالکی دربار دستگیری افسران عالیرتبه است که در مواضع حساس و کلیدی کار می‌کردند.

در یک زندان زنان در عراق گوشه‌یی از جنایات تروریستهای وابسته به رژیم آخوندی علیه زنان این کشور فاش شد

تلویزیون عراق: ای نوری مالکی، نخست‌وزیر اسلامی! آیا این سرنوشت زنان عراقی است؟!

طارق الهاشمی، دبیرکل حزب اسلامی عراق و معاون رئیس‌جمهور این کشور، از زندان زنان در کاظمیه که در وضعیت وخامتباری به‌سر می‌برند، بازدید نمود.

در زندان کاظمیه، بسیاری از زنان بدون هیچ دلیلی به همراه کودکان خردسالشان محبوس می‌باشند. به گزارش تلویزیون الجزیره، زنان دستگیرشده گفتند تا به‌حال نه محاکمه شدند و نه به دادگاهی فراخوانده شده‌اند. زنان مذکور دولت عراق را متهم کردند علیه آنان پرونده‌سازی کرده است. این زنان زندانی افزودند آنان را به‌جای بستگانشان بازداشت کرده‌اند.

تلویزیون بغداد نیز طی گزارشی در این‌باره گفت: ای نوری مالکی نخست‌وزیر اسلامی!، ای دولت انتخاب شده و دموکراتیک! آیا این سرنوشت زنان عراقی است؟! یک زن زندانی گفت: «بعد از یک سال مرا صدا زدند و گفتند به دیدار پسرت یید. مرا برای دیدار پسرم آوردند ولی مرا در زندان زنان در کاظمیه زندانی کردند. بعد مرا به دادگاه بردند و حکم زندان ابد به من دادند. نه شاهدی بود و نه شاکی. زیرا که جرمی وجود نداشت. به من اتهام پرده‌پوشی قتل زدند. من نه فرد جنایتکار را می‌شناسم و نه قربانی را. فقط ده دقیقه مرا به دادگاه بردند و این حکم را علیه من صادر کردند بدون هیچ دلیلی. دخترم دانشگاهی است او را نیز آوردند و زندانی کردند و به او نیز همین حکم را دادند. من قبلا در منطقه منصور زندگی می‌کردم ولی دو سال بود که به منطقه العامریه آمده بودم. تازه بعد از یک سال به‌من گفتند که پسرت هم زیر شکنجه کشته شده است».

تلویزیون بغداد گفت: هنگام دیدار طارق الهاشمی، فریادها و التماسهایی که در سینه‌ها به‌تنگ آمده و در گلوها حبس شده بود، شنیده می‌شد. دهها زندانی زن فریاد می‌زدند وخواستار عفو بودند. گزارشگر تلویزیون بغداد افزود: نیروهای امنیتی یا بهتر بگویم نیروهای سرکوب، در اذیت و آزار این زنان پاک و معصوم و با فضیلت چیزی کم نگذاشته بودند. این زنان، امروز شاهدان زنده وضعیت کنونی عراق هستند.

یک زن زندانی گفت: «من کاری نکرده‌ام. همسرم متهم بود. همسرم را کشتند و من را به اتهام تروریست بودن محاکمه کردند. از آن زمان قاتلان همسرم در دادگاه نشسته بودند و من آنها را دیدم ولی نمی‌توانستم حرفی بزنم. به‌خدای بزرگ من بی‌گناه هستم. با ظلمی که من در بازجویی دیدم مطمئنم که همه اینهایی که در این‌جا هستند مثل من بیگناه می‌باشند. قضات حکم نمی‌دادند بلکه افسران حکم را صادر می‌کردند». یکی دیگر از زنان زندانی گفت که به‌جای همسرش دستگیر و به اعدام محکوم شده است چرا که هنگام یورش به خانه‌شان همسرش در خانه نبوده است.

گزارشگر تلویزیون بغداد همچنین گفت: در این زندان برخی دختران نوجوان نیز وجود دارند. یکی از دخترانِ ۱۲ساله است که بدون محاکمه و بدون دیدن پدرش را بدانند، سال جایان دستگیر شده و به‌بیست سال زندان محکوم شده است. پس ای دولت نوری مالکی عدالت و انصاف کجاست؟! در این دیدار که دو تن از نمایندگان زن پارلمان عراق نیز طارق الهاشمی را همراهی می‌کردند پس از بازدید از زندانیان گفتند: از آنچه که دیدیم و شنیدیم شوکه شدیم.

تلویزیون بغداد در پایان گفت: دردهای زندانیان بزرگ است ولی ظلمی که به آنها شده است بزرگتر می‌باشد. در چنین شرایطی دولت عراق از دموکراسی و حقوق بشر دم می‌زند بر حقوق بشر کجاست؟!(تلویزیونهای الجزیره، بغداد و الشرقیه ۱۴مهر۸۶).

قتل سازمانیافته زنان در بصره

شمار زنانی که به صورت سازمانیافته در بصره،به‌قتل می‌رسند، روز به روز افزایش می‌یابد. فرمانده پلیس بصره گفت: دستگاه تحت مسئولیت وی آماری رسمی در دست دارد که ماهانه حداقل ۱۵زن در بصره به بهانه نقض ضوابط اخلاقی و دینی به قتل می‌رسند. تنها دراین ماه بیش از ۱۰زن توسط افراد ناشناس به‌قتل رسیده‌اند و تاکنون حتی یک نفر برای دریافت جسد این زنان مراجعه نکرده است. قتل این زنان به‌زشت‌ترین و وحشیانه‌ترین شکل صورت گرفته است. این اقدام سازمانیافته است. روحانیون در شهر بصره تأکید دارند که شریعت اسلام، قتل مسلمان چه زن و چه مرد را حرام می‌داند و هیچ‌گونه فتوای دینی برای مشروعیت‌بخشیدن به‌این قتلها به‌منظور اهداف شخصی و یا عدم رعایت ضوابط دینی وجود ندارد. فعالین حقوق زنان معتقدند ظلم و ستم بر زنان، آشکارا رو به افزایش گذاشته و این درحالی است که به‌رغم حقوق مندرج در قانون اساسی، این زنان از هیچ حقی برخوردار نیستند. قوانین و حقوق مربوط به زنان در قانون اساسی، دست نوشته‌هایی بر روی کاغذ هستند که هیچ تضمین اجرایی ندارند. برخی فعالان حقوق زنان ترجیح می‌دهند که چهره آنها به هنگام مصاحبه نشان داده نشود. یکی از فعالین حقوق زنان به‌آحرف گفت: «زنان در این‌جا حد در معرض بیشترین ظلم و ستم و فشار قرار دارند و به هیچ حقی در نظام جدید دست پیدا نکرده‌اند(تلویزیون الحره۱۳مهر۸۶).

افشای ابعاد حیرت‌انگیزی از فساد حاکم بر دولت نوری مالکی

در جلسه‌یی در مجلس نمایندگان آمریکا گوشه‌یی از ابعاد گسترده فساد در دولت نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق، فاش گردید. قاضی راضی حمزه الراضی، رئیس کمیته مبارزه با فساد عراق، در برابر یک کمیته مجلس نمایندگان آمریکا در واشینگتن حضور یافت و درباره فساد در دولت نوری مالکی شهادت داد. در این جلسه علاوه بر اعضای مجلس نمایندگان آمریکا، لاری باتلر، از معاونان وزارت خارجه آمریکا نیز حضور داشت.

بقیه در صفحه۶

چین، چگونه به بازار ایران یورش برده و کی عقب می‌نشیند؟

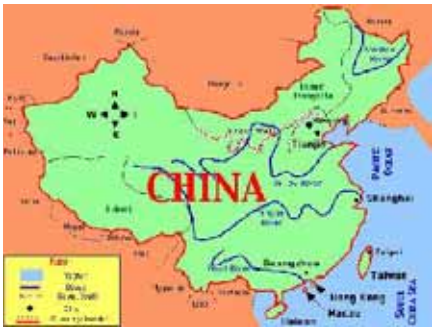

یورش اقتصادی جدید چین به‌بازار ایران را نمی‌توان صرفاً به نیاز اقتصادی این قدرت نوپسنده جهانی و فرصت‌طلبی اقتصادی آن محدود کرد. چین به‌عنوان قدرت اقتصادی بزرگ و رو به‌صعود نمی‌تواند نسبت به‌خطری که از ناحیه رژیم ایران متوجه ثبات سیاسی منطقه و نظام بین‌المللی است غیرمسؤل و بی‌تفاوت بماند. مسؤلیت چین در مقابله با این خطر موقعی به‌او تحمیل شد که این کشور آخرین قطعنامه «شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» درمورد پرونده هسته‌یی ایران را امضا کرد و به‌ارسال این پرونده از آژانس به شورای امنیت تن داد. این مسؤلیت چین موقعی مهر تأکید خورد که این کشور پای سه قطعنامه شورای امنیت را، که دو تای آن توأم با تحریم رژیم ایران است، امضا گذاشت. با این حساب، اگر رژیم ایران عقب نشیند و به خواست شورای امنیت تسلیم نشود، چین نمی‌تواند از تحریم این رژیم طفره برود و به‌یورش اقتصادی خود در بازار بی‌رقیب ایران ادامه دهد.

یزدان حاج‌حمزه

مقامات رژیم ایران، یکی از دلایل بی‌اعتنایی خود نسبت به پیشروی سیاست تحریم تجاری خاص اروپا و آمریکا را جبران آن از طریق چین اعلام می‌کنند. لاریجانی متولی دعوای هسته‌یی رژیم، دراین مورد ضمن مصاحبه با روزنامه فایننشیال تایمز می‌گوید «تحریمها آن‌قدر هم مؤثر نیستند. نمی‌گویم هیچ تأثیری ندارند اما همان‌طور که می‌بینید زندگی در ایران جریان دارد و هر فقدانی در تجارت با کشورهای غربی با محصولات ارزانتر چینی جایگزین می‌شود» (خبرگزاری فارس ۹مهر۸۶).

واقعیت آن است که رژیم ایران در رویارویی با جامعه جهانی برسر مسأله هسته‌یی خود، به تاکتیک توسعه مبادلات تجاری با شرق برای مقابله با تحریم غرب روی آورده است. بیشترگی اصلی رژیم در اتخاذ این تاکتیک، گسترش تجارت با چین است. تحول چشمگیری که طی ماههای اخیر در توسعه روابط تجاری چین با ایران بارز شده گویای آنست که حساب رژیم ایران روی چین محمل مادی دارد و این قدرت جهانی به‌رغم آن‌که پای دو قطعنامه تحریم رژیم ایران در شورای امنیت امضا گذاشته، نه‌تنها رابطه تجاری‌اش با ایران را محدود نکرده بلکه فرصت کاهش رابطه تجاری اروپا با ایران را غنیمت شمرده و در آن راه از گسترش داده است. شواهد زیر بر این واقعیت دلالت دارند:

الف- میزان دادوستد چین با ایران به‌شدت درحال افزایش است

فایننشیال تایمز با استناد به آمارهای بانک مرکزی ایران دراین مورد گزارش می‌دهد در هشت ماه نخست سال۲۰۰۷ داد و ستد تجاری ایران و چین به ۱۲میلیارد دلار رسیده است و بر اساس پیش‌بینیها این رقم تا پایان سال، به ۱۷میلیارد دلار خواهد رسید. مبادلات دو کشور در سال۲۰۰۶ میلادی ۱۶ میلیارد دلار اعلام شده بود. عسگراولادی، رابط تجاری اطاق بازرگانی ایران با چین، درمورد گسترش روابط با چین می‌گوید «درحال حاضر۲۵۰واحد صنعتی و تولیدی ایران با چین در ارتباطند و با گسترش روابط بانکی بین دو کشور [و انتقال بخشی از ذخایر ارزی ایران به چین] میزان مبادلات تجاری فی‌مابین می‌تواند به ۳۰میلیارد دلاربرسد» (خبرگزاری کشاورزی ایران ۲۴مرداد۸۶).

ب- چین در کار صادرات کالا به ایران بر آلمان پیشی گرفته است

وال استریت ژورنال روز ۲۷ژوییه۲۰۰۷ در این مورد گزارش می‌دهد «در شرایطی که بسیاری از شرکتها و بانکهای اروپایی شروع به کاهش مراودات خود با ایران نموده‌اند، شرکتهای چینی در جهت معکوس در حال گسترش مبادلات تجاری با ایران هستند و در تازه‌ترین اقدام گروه صنایع شمالی چین (نورینکو) قراردادی به ارزش ۹۰۰میلیون دلار برای فروش قطارهای مترو با ایران منعقد ساخته است. آلمان در ۳۰سال گذشته بزرگترین صادرکننده کالا به ایران بوده و در سال۲۰۰۶ میلادی ۵/۰۸میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرد اما به گزارش فایننشیال تایمز در پنج ماه نخست سال جاری صادرات آلمان به ایران با ۹۸/۸درصد کاهش نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شده است. چین در سال گذشته میلادی پس از آلمان و امارات در جایگاه سومین صادرکننده کالا به ایران قرار گرفت. در این سال صادرات چین به ایران با ۳۵/۸درصد رشد نسبت به سال۲۰۰۵ به ۴/۴۸میلیارد دلار رسید.

بر اساس پیش‌بینیها روند گسترش صادرات چین به ایران در سال جاری نیز ادامه می‌یابد و این کشور در سال جاری با کنارزدن آلمان در جایگاه نخستین صادرکننده کالا به ایران قرار می‌گیرد.

ج- چین کالاهای ممنوعه اروپا و آمریکا و ژاپن رانیز می‌تواند به ایران برساند

دلالهای ایرانی شرکتهای چینی آشکارا در روزنامه‌های ایران آگهی می‌دهند که علاوه بر کمک به واردات کالا از چین، می‌توانند مانع واردات کالا از اروپا، آمریکا و ژاپن رانیز از «کانال چین» برطرف کنند. نمونه‌یی از این آگهیها در زیرنویس این مطلب آورده شده است.

د- رژیم ایران به بزرگترین تأمین‌کننده نفت وارداتی چین تبدیل شده است

در این مورد «شانا»، خبرگزاری نفتی حکومتی، به‌نقل از گزارش مورخ ۱۶ اوت۲۰۰۷ اپک خبر می‌دهد که سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام اعلام کرد ایران با صادرات روزانه ۵۳۴هزار بشکه در روز بزرگترین منبع تأمین‌کننده نفت‌خام مورد نیاز چین در ماه ژوئن شناخته شده است». بنا برهمین گزارش بعد از ایران که در این ماه ۱۶درصد نفت وارداتی چین را تأمین کرده، آنگولا با تأمین ۱۴درصد و عربستان با تأمین ۱۳درصد از نفت مورد نیاز چین به ترتیب در جایگاه دوم و سومین صادرکنندگان نفت‌خام به چین شناخته شده‌اند. روسیه، عمان و ونزوئلا نیز از این لحاظ در مراتب بعدی قرار دارند.

پیش از این همین خبرگزاری درمورد رشد ۵۶درصدی صادرات نفت ایران به چین گزارش داده بود«صادرات نفت خام ایران به چین در فاصله ۱۱اردیبهشت تا ۱۰خرداد سال جاری (ماه مه سال۲۰۰۷) در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، ۵۶/۲درصد افزایش نشان می‌دهد»(شانا، سه‌شنبه ۱۹تیر۱۳۸۶).

چین برای تضمین دریافت نفت از ایران به قرارداد سرمایه‌گذاری جهت بهره‌برداری از میدان نفتی یادآوران نیز روی آورده و با سپاه پاسداران رژیم ایران برای اکتشاف ذخایر جدید نفت در ایران همکاری دارد علاوه براین با عقد قرارداد بزرگ خرید گاز مایع ایران، خیز برداشته تا بزرگترین خریدار گاز از ایران نیزتبدیل شود.

هـ- رژیم ایران به لحاظ سیاسی نیز به‌حمایت چین چشم دوخته است

در شرایطی که چین از نظر صادرات کالا، آمریکا را پشت سرگذاشته و به آلمان بزرگترین کشور صادرکننده کالا در جهان نزدیک شده است، رقابت این قدرت با سایر قدرتهای جهانی برسر بازارهای مستعد صادراتی، روابط سیاسی دیپلوماتیک آنها را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده است. یکی از اهداف اصلی چین و روسیه در تشکیل سازمان همکاری شانگهای، مقابله با نفوذ سیاسی اقتصادی به‌خصوص نفوذ آمریکا در جمهوریهای سابق عضو «اتحاد جماهیر شوروی» و کشورهای خاورمیانه است. رژیم ایران با وقوف براین موضوع داوطلب عضویت در این سازمان شده و عجالتاً به‌عنوان عضو ناظر تا به‌حال دوبار احمدی‌نژاد را برای شرکت و سخنرانی در کنفرانس سالانه این سازمان فرستاده است. چین با وجود آن‌که به‌شدت از ایجاد تنش سیاسی با آمریکا پرهیز می‌کند، با خواباندن عضویت رژیم ایران در آب‌نمک، سعی می‌کند در تنظیم رابطه سیاسی با آمریکا از آن به‌مثابه حربه‌یی سیاسی در مقابل حربه سیاسی آمریکا، که تایوان باشد، استفاده کند.

چشم‌انداز تحول اوضاع و موضع چین

در شرایط خطیر و حساسی که قدرتهای اروپایی نظیر فرانسه و آلمان خود را جمع و جور نموده‌اند و نسبت به روابط اقتصادی خود با رژیم ایران تجدیدنظرکرده‌اند، یورش اقتصادی جدید چین قدرت نورسیده جهانی و فرصت‌طلبی اقتصادی آن محدود کرد. چین به‌عنوان قدرت اقتصادی بزرگ و رو به‌صعود نمی‌تواند نسبت به‌خطری که از ناحیه رژیم ایران متوجه ثبات سیاسی منطقه و نظام بین‌المللی است غیرمسؤل و بی‌تفاوت بماند(مطابق تحلیل «مرکز بررسیهای استراتژیک لندن» که روزنامه فرانسوی لوموند به انتشار آن پرداخته، اتمی‌شدن رژیم ایران آن‌چنان خطرناک است که به تکثیر غیرقابل‌کنترلی از سلاح اتمی در منطقه خاورمیانه منجر می‌شود و می‌تواند جهان را به جنگ اتمی بکشاند) مسؤلیت چین در مقابله با این خطر موقعی به او تحمیل شد که این کشور آخرین قطعنامه «شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» درمورد پرونده هسته‌یی ایران را امضا کرد و به‌ارسال این پرونده از آژانس به شورای امنیت تن داد. این مسؤلیت چین موقعی مهر تأکید خورد که این کشور پای سه قطعنامه شورای امنیت را، که دو تای آن توأم با تحریم رژیم ایران است، امضا گذاشت. با این حساب، اگر رژیم ایران عقب نشیند و به خواست شورای امنیت تسلیم نشود، چین نمی‌تواند از تحریم این رژیم طفره برود و به‌یورش اقتصادی خود در بازار بی‌رقیب ایران ادامه دهد.

یورش کنونی چین به بازار ایران بیشتر به حمله جنگی قبل از پذیرش آتش‌بس شبیه است. این قدرت نوخاسته با این یورش می‌خواهد با دست پرتری به دادوستد درمورد مسائل بزرگتری که با آمریکا و برخی دیگر از قدرتها دارد بپردازد. موضع چین درمورد خطر رژیم ایران می‌تواند تحت‌الشعاع رابطه پیچیده این کشور با آمریکا قرار بگیرد. آمریکا ضمن آن‌که بازار بزرگ و غیرقابل‌اغماضی برای چین است، تأمین‌کننده اصلی سرمایه‌گذاری و نیز انتقال تکنولوژی به‌چین نیز هست. وابستگی و نیاز فزاینده اقتصاد رو به‌صعود چین به نفت و گاز و بازار خاورمیانه و ازجمله به‌گاز و نفت و بازار ایران را باید در راستای تنظیم رابطه محتاطانه این قدرت با آمریکا بررسی کرد. آمریکا و اروپا در چارچوب مقابله شورای امنیت با خطر اتمی‌شدن رژیم ایران تا آن‌جا مراعات چین را کرده‌اند که رضایت داده‌اند این شورا برای مقابله با این خطر از دو مسیرحلو برود، مسیر دیپلوماتیک از طریق مذاکره سولانا و البرادعی و مسیر تحریم و فشار. تا موقعی که امکان ماتور دیپلوماتیک برای رژیم و همدستان بین‌المللی او موجود باشد، چین و روسیه در مقابل تحریمهای کارآ و همه‌جانبه در سطح شورای امنیت سنگ‌اندازی می‌کنند. اما وقتی رژیم خواست شورای امنیت را نپذیرد و با ادامه فعالیتهای اتمی جاه‌طلبانه‌اش خطر را نزدیک کند، حربه دیپلوماتیک تا چند ماه دیگر فرسوده می‌شود و چین و روسیه برسر دو راهی تحریم شدیدترژیم ایران یا عملیات نظامی غرب علیه این رژیم قرار می‌گیرند. جنگ وعملیات نظامی غرب می‌تواند بهره‌برداری سیاسی چین از امتیازات کنونی‌اش در بازار ایران را متنفی کند و تمام بافته‌های این قدرت و روسیه را پنبه نماید. بنا براین راهی جز پذیرش به‌موقع تشدید تدریجی تحریمهای شورای امنیت برای این دو قدرت منطقی‌تر منصور نیست.

پانویس:

عین آگهی که در روزنامه موسوم به «نیاز روز» درج شده:

واردات کالا از سرتاسر جهان از کانال چین
آیا برای واردات کالاهای خود از اروپا، آمریکا یا ژاپن با مشکلی روبه‌رو هستید. آیا برای واردات کالای خود از چین نیاز به یک همراه دارید. ما همراه شما در این عرصه خواهیم بود.
این شرکت مهندسی هم اکنون برای تأمین تجهیزات خود در حوزه‌های High technology از کشورهای اروپایی، آمریکا، ژاپن و چین کالاهای مورد نیاز خود را توسط شرکت همکار خود در چین خریداری می‌نماید. ما برآنیم تا نیازهای شما در حوزه‌های الکترونیک، مخابرات، لیزر و اپتیک و مکانیک و سایر زمینه‌ها را نیز از طریق این کانال فراهم نماییم.
مشخصات آگهی
نام: Behrouz Kheyrandish
تلفن: ۰۹۱۲۶۱۶۶۱۴۸
ایمیل: nurafarin@yahoo.com
پنجشنبه ۱۱مرداد۱۳۸۶ ارسال آگهی: تهران
موقعیت آگهی:

تصحیح و پوزش

در مقاله «بازنگری فعالیتهای اقتصادی "سپاه پاسداران" ـ بخش دوم» که در صفحه ۷ نشریه مجاهد شماره ۸۷۱ به‌تاریخ ۲مهر۸۶، دو اشتباه صورت گرفته که بدین‌وسیله تصحیح می‌شود.
در قسمت «پروژه‌های نفت و گاز» عبارت «هزینه عملیات مربوط به بخش خشکی به‌رقمی نزدیک به ۹/۲میلیارد دلار بالغ خواهد شد» عدد ۹/۲ اشتباه بوده و صحیح آن ۲/۹ می‌باشد.
در قسمت «عقد قرارداد نصب خط لوله سراسری گاز» در عبارت «مطابق این قرارداد سپاه با هزینه‌یی حدود ۳/۱میلیارد دلار...» عدد ۳/۱ اشتباه بوده و صحیح آن ۱/۳ می‌باشد.

اخبار اقتصادی

گزارش بانک جهانی از وضعیت کسب و کار در ایران تحت حاکمیت آخوندها

گزارش مشروح بانک جهانی از وضعیت ۱۰شاخص کسب و کار در ایران شامل آغاز کسب و کار، کسب مجوز، استخدام نیروی کار، ثبت دارایی‌ها، کسب اعتبارات، حمایت از سرمایه‌گذاری، مالیات، تجارت مرزی، اجرای قراردادها و ورشکستگی منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری رژیم(فارس) در روز ۱۵مهر خبر داد: بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود اقدام به انتشار گزارش۲۰۰۸ سهولت آغاز کسب و کار در ایران و ۱۷۸ کشور جهان نموده است. در این گزارش آمده است: ایران در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا واقع شده است و از لحاظ درآمد در بین کشورهای پایین‌تر از متوسط قرار دارد.

ایران جمعیتی بالغ بر ۶۹۱۵۲۵۳۸نفر دارد و درآمد سرانه ناخالص ملی این کشور ۳ هزار دلار است.

ایران از لحاظ شاخص کلی انجام کسب و کار ۲۰۰۸ در رتبه۱۳۵ قرار گرفته است . ایران از لحاظ شاخص آغاز کسب و کار در رتبه۷۷ قرار دارد که نسبت به سال۲۰۰۷ ، یازده رتبه نزول داشته است . از لحاظ شاخص کسب مجوزهای لازم برای آغاز کسب و کار، در جایگاه۱۶۴ قرار گرفت که نسبت به سال گذشته ۶ رتبه نزول داشته است.

ایران از از لحاظ شاخص استخدام نیروی کار نیز در رتبه۱۴۱ قرار دارد که نسبت به گزارش۲۰۰۷ ، دو رتبه صعود داشته است. از لحاظ ثبت دارایی‌ها به رتبه۱۴۳ رسیده که دو رتبه نسبت به سال۲۰۰۷ نزول داشته است. این کشور از لحاظ کسب اعتبارات با شش رتبه نزول نسبت به۲۰۰۷ به جایگاه۶۸ رسیده است . از لحاظ حمایت از سرمایه‌گذاران بدون تغییر نسبت به سال۲۰۰۷ در رتبه۱۵۵ قرار دارد. از لحاظ پرداخت مالیات با ۳ رتبه نزول به رده ۹۷ رسیده است . از لحاظ تجارت مرزی نیز با شش رتبه کاهش به رتبه۱۳۵ رسیده است . از لحاظ اجرای قراردادها با ۳رتبه نزول به رده۷۸ رسیده و از نظر بستن و تعطیلی کسب و کار از رتبه ۱۱۰ به ۱۱۸ نزول داشته است .

قرارداد احداث خط لوله انتقال گاز از ایران به‌پاکستان و هند در هالهیی از ابهام

طرح هفت میلیارد و چهارصد میلیون دلاری صدور گاز ایران از طریق خاک پاکستان به هند، با مشکلات و موانع جدی روبه‌رو شده و اجرای آن زیر سؤال رفته است.

روناله هندوستان تایمز روز ۱۲مهر نوشت: پاکستان و رژیم ایران گرچه بر روی کاغذ بر سر احداث این خط لوله به توافق رسیده‌اند اما راه درازی تا امضا و اجرایی‌شدن آن پیش رو دارند. آخرین دور مذاکرات آنان بدون حضور هند صورت گرفت. گفته می‌شود هند با توجه به ریسک ناشی از تحریمهای بین‌المللی و فشارهای آمریکا رغبت چندانی به ادامه مشارکت در این طرح از خود نشان نمی‌دهد. تأمین هزینه‌های این طرح نیز که مشارکت کمپانیهای خارجی و سرمایه‌گذاری آنان را طلب می‌کند، زیر سؤال است. اکنون هیچ کمپانی خارجی حاضر به سرمایه‌گذاری در طرح مذکور نیست. به‌نوشته هندوستان تایمز اصرار رژیم تهران بر روی بندی در توافقنامه خرید و فروش گاز که بر اساس آن قیمت گاز پس از هر پنج سال مورد بررسی مجدد قرار خواهد گرفت یکی از موارد اصلی اختلاف است. پاکستان تاکنون از کوتاه‌آمدن در برابر خواست رژیم ایران خودداری کرده و حاضر به پذیرش چنین شرطی نیست. یکی دیگر از مشکلات طرح انتقال خط لوله گاز، اختلاف پاکستان و هندوستان برسر حق ترانزیت آن است. هنوز در این زمینه توافقی صورت نگرفته است مخصوصاً که در آخرین دور مذاکرات نیز هند شرکت نکرد و چشم‌انداز توافق در این رابطه با بیش از پیش تیره ساخت.

سه نمونه از محموله‌های پسته ایران سرطان‌زا اعلام شدند

خبرگزاری ایتالیایی آنسا روز ۱۱مهر خبر داد: سه نمونه خودداری کرده و حاضر به پذیرش چنین شرطی نیست. یکی دیگر از مشکلات طرح انتقال خط لوله گاز، اختلاف پاکستان و هندوستان برسر حق ترانزیت آن است. هنوز در این زمینه توافقی صورت نگرفته است مخصوصاً که در آخرین دور مذاکرات نیز هند شرکت نکرد و چشم‌انداز توافق در این رابطه با بیش از پیش تیره ساخت.

پیامدهای تحریم اقتصادی رژیم

توتال سرمایه‌گذاری در میدان نفتی پارس جنوبی ایران را مورد بازبینی قرار می‌دهد

شرکت نفتی توتال فرانسه، سرمایه‌گذاری در میدان نفتی پارس جنوبی ایران را به‌دلیل افزایش شدید هزینه‌های آن، مورد بازبینی قرار می‌دهد.

کریستوف دومارژوری، دبیرکل توتال، در مصاحبه با روزنامه لوموند ۱۳مهر، گفت: «پروژه پارس ال.ان.جی، یک پروژه گاز طبیعی مایع بسیار مهم است. ده سال است که ما روی آن کار می‌کنیم. باید آن را مورد بازبینی قرار داد، (چرا که) هزینه‌های آن به‌شدت افزایش یافته است. روشن است که قبل از واردشدن به این پروژه، ما وضعیت سیاسی و بحران هسته‌یی را مد نظر قرار خواهیم داد. امروز، این موضوع مورد بحث نیست، زیرا قراردادی وجود ندارد». وی تأکید کرد از سوی آمریکا فشارهای «بسیار شدیدی» روی توتال برای ترک ایران وجود دارد.

در پی موضعگیریهای مقامهای فرانسوی و تهدید شرکت نفتی توتال به خروج از پروژه‌های نفتی، معاون وزارت نفت رژیم آخوندی در راستای به تاراج‌دادن دارایی‌های مردم ایران اعلام کرد:

«منابع و بازار ایران بسیار جذابتر از آن است که فرانسویها از آن دست بکشند».

خبرگزاری فرانسه روز ۴مهر گزارش داد: غلامحسین نوذری، معاون وزارت نفت، به این سؤال که آیا شرکتهای نفت و گاز فرانسه از مشارکت در طرحهای ایران بازداشته شده‌اند یا نه؟ پاسخ منفی داد و جذابیتهای بازار ایران را خاطرنشان کرد. این خبرگزاری افزود: دولت فرانسه خواستار تحریمهای اروپایی علیه رژیم ایران به‌دلیل خودداری این رژیم تعلیق غنی‌سازی اورانیوم شده است.

فرانسه خواهان آن است که شرکتهای اروپایی، متقاضی فعالیتهای تجاری جدید در ایران نشده و نهادهای مالی، سرمایه‌گذاریهای خود را در ایران به موازات تحریمهای شورای امنیت سازمان ملل کاهش دهند. طبق توافقی که سال گذشته صورت گرفت، توتال شرکت بزرگ نفتی فرانسه قرار است در فاز ۱۱میدان گاز پارس جنوبی برای تولید گاز طبیعی مایع و ساخت یک مجتمع مایع‌سازی گاز، عملیات اکتشاف انجام دهد ولی اجرای این توافق متوقف شده است.

اعتراضات

تجمع اعتراضی کارگران شرکت تأسیسات دریایی خرمشهر به‌خاطر عدم دریافت حقوق

کارگران شرکت تأسیسات دریایی خرمشهر روز ۸مهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران علت اعتراض خود را پرداخت‌نشدن سه ماه حقوق اعلام نمودند.

تجمع کارگران شهرداری تهران در اعتراض به اخراج

جمعی از کارگران زحمتکش جمع‌آوری زباله در تهران، در مقابل مجلس ارتجاع تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این تجمع در اعتراض به اخراج کارگران صورت گرفت. آنان گفتند سه ماه است از سیستان و بلوچستان به تهران آمده و در شهرداری منطقه۴ تهران مشغول به کار هستند، اما از هفته گذشته شهرداری تعدادی کارگران افغانی را به‌جای آنها جایگزین کرده است(اعتماد ملی ۸مهر۸۶).

حرکت اعتراضی کارگران اخراجی مجتمع کشتی‌سازی خلیج فارس

جمعی از کارگران اخراجی مجتمع کشتی‌سازی خلیج فارس، روز جمعه ۱۳مهر، در اعتراض به طرح تعدیل نیرو، تجمع اعتراض‌آمیز برگزار کردند. کارگران معترض که تعدادشان بیش از ۲۵۰تن ذکر شده، در حالی که شعارهای اعتراضی سرمی‌دادند، خواستار رسیدگی به وضعیت شغلی خود شدند. به‌دنبال تجمع کارگران، مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی درمحل حاضر شدند تا مانع از گسترش حرکت اعتراضی کارگران شوند.

حرکت اعتراضی رانندگان تاکسی کرمانشاه علیه جیره‌بندی بنزین

روز ۱۰مهر، بیش از ۱۵۰۰نفر از رانندگان تاکسی و سواری در کرمانشاه در مقابل آژانس تاکسیرانی این شهر در میدان آزادی تجمع کرده و علیه طرح ضدمردمی جیره‌بندی بنزین اعتراض نمودند. رانندگان معترض گفتند بیش از سه ماه از جیره‌بندی سوخت گذشته ولی به ما کارت سوخت نداده‌اند. آنها گفتند در شروع سال تحصیلی جدید و در ماه رمضان ما شرمنده بچه‌هایمان هستیم، زندگی ما در آستانه فروپاشی قرار دارد.

درگیری مأموران سرکوبگر رژیم با فروشندگان احشام در ایلام

فروشندگان احشام در ایلام، روز ۷مهر با مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی درگیر شده و به مقابله با آنها پرداختند.

این درگیری وقتی آغاز شد که کارکنان شهرداری ایلام به فروشندگان احشام در بلوار مهران حمله کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند ولی با مقاومت مردم و کسبه این محل مواجه شدند، اما با ورود مأموران بیشتری از نیروی سرکوبگر انتظامی حمله به‌فروشندگان احشام مجدداً آغاز شد که بازهم با مقاومت مردم روبه‌رو گردید. این درگیریها به‌مدت یک روز ادامه داشت.

براساس خبر دیگری مدتی است که در ایلام مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی به قهوه‌خانه‌های سنتی ازجمله قهوه‌خانه چهارراه حرّ و قهوه‌خانه تقاطع رسالت حمله کرده و وسائل آنها را تخریب می‌کنند و صاحبان آن‌را نیز مورد اهانت قرار می‌دهند. مردم در مقابل این یورشها مقاومت می‌کنند.

اعتراضات دانشجویی

اعتراض دانشجویان دانشگاه صنعتی شاهرود به‌سرکوب در دانشگاهها

دانشجویان دانشگاه صنعتی شاهرود تجمع اعتراض‌آمیز برگزار کردند. دانشجویان علت اعتراض خود را فشارها و اقدامات سرکوبگرانه رژیم در دانشگاه، جلوگیری از شکل‌گیری شوراهای صنفی، فشار بر کانونهای فرهنگی هنری و مشکلات صنفی به‌خصوص کمبود خوابگاه دانشجویی عنوان کردند(آفتاب یزد ۱۶مهر۸۶).

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه قزوین اعتراض به ادامه بازداشت دانشجویان زندانی

دانشجویان دانشگاه قزوین در اعتراض به ادامه بازداشت دانشجویان دانشگاه پلی‌تکنیک در صحن دانشگاه تجمع کردند. آنان شعار می‌دادند: زندانی سیاسی آزاد باید گردد، دانشگاه پادگان نیست و امنیت سیاسی حق مسلم است. دانشجویان هم‌چنین سرود یار دبستانی را به‌طور دستجمعی می‌خواندند.در بیانیه دانشجویان معترض که در این تجمع صادر گردید، آمده است: «دیروز ما را متهم به فرار از نور و حقیقت کردید و مزدورمان خواندید و امروز به در دانشگاه دوربین نصب می‌کنید. به زعمتان این‌جا پادگانی است با مشتی سرباز و شما هم فرماندهان این مشت سرباز... ای کاش به‌جای این همه هزینه که خرج قوای قهریه می‌کنید لحظه‌یی چشمانتان را باز می‌کردید تا حقیقت را مشاهده کنید. پیش از آن‌که حقیقت چشمانتان را باز کند. دیگر زمان آن رسیده است که بدانید دوران قیم‌آبی گذشته و با نصب دوربین و اعمالی از این دست چیزی تغییر نخواهد کرد(خبرنامه امیرکبیر ۱۶مهر۸۶).

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران

دانشجویان دانشگاه تهران در تقاطع خیابانهای طالقانی و قدس تجمع اعتراض‌آمیز برگزار کردند و این خیابان را مسدود نمودند. دانشجویان علت اعتراض خود را وضعیت نامناسب خدماتی، کاهش ساعات ارائه سرویسهای رفت و آمد، تفکیک جنسیتی سرویسهای رفت و آمد و فرسودگی اتوبوسها عنوان کردند(خبرگزاری رژیم مهر ۴مهر۸۶).

۳۰تن از جوانان دستگیرشده در زندان کهریزک زیر شکنجه به‌قتل رسیده‌اند

تهاجم جوانان اهواز و خاش به آخوندهای حکومتی

خبرنامه دانشجویی امیرکبیر روز ۱۱مهر گزارش داد: «۱۰تن از جوانانی که به اتهام اراذل و اوباش دستگیر شدند، در زندان کهریزک زیر شکنجه به‌قتل رسیده‌اند. این منبع نوشت: «۳۰ تن از دستگیرشدگان به اندرزگاههای ۷ و ۸ اوین انتقال یافته‌اند، تعدادی به بندهای عمومی منتقل شده‌اند و اغلب آنها از کشته‌شدن ۱۰نفر خبر می‌دهند که به‌دلیل شدت شکنجه‌های وارده و عدم وجود شرایط مناسب بهداشتی و غذایی، جان باخته‌اند».

این خبرنامه روز ۱۳مهر گزارش تکاندهنده دیگری از شکنجه‌ها وحشیانه در زندان سوله کهریزک کرج درج کرد و نوشت: زندانیان زندان سوله کهریزک کرج در روز چندین بار مورد شکنجه قرار می‌گیرند. روز ۸مهر جوانان اهواز، یکی از آخوندهای حکومتی را مورد حمله مسلحانه قرار داده و وی را مجروح ساختند. خبرگزاری حکومتی فارس با اعلام این خبر افزود: «شیخ سمیر در حالی که قصد رفتن به‌مسجد را داشت، ترور شد. این حادثه در مسیر منزل وی تا مسجد خانم الانبیا کوی علوی اهواز رخ داد و طی آن ۲ گلوله به کتف و شکم وی اصابت کرد که بر اثر این شلیک شیخ سمیر مجروح شد و به بیمارستان انتقال یافت. با وقوع این حادثه مأموران امنیتی استان خوزستان محل مذکور را تحت مراقبت و محاصره قرار داده و در دهشتناک زندان سوله کهریزک افزود: «در بند زنان که خالی بود، زندانیان زیر ۱۸سال نگهداری می‌شوند. این بند ۱۰۰-۸۰نفر ظرفیت دارد و در حال حاضر دست کم ۸۰کودک در این بند نگهداری می‌شوند. فرد دستگیر شده افزود: «همه ما روی موزائیک می‌خوابیدیم و پتوها بر از خون بود و بوی عفونت می‌داد. شرایط خیلی سخت و مجلل آلوده بود ترس از شکنجه‌های بدتر اجازه خواب هم نمی‌داد. مثلاً یک روز شنیدیم همه ناخنهای یکی از زندانیان معروف به «هانی کره» را کشیده‌اند. وضعیت بیگانهاش که تعدادشان در حد بدتر بود. بعضیها مثل خود من حتی یک شب در کلانتری نبودیم و سابقه کیفری نداشتیم»(خبرنامه امیرکبیر ۱۳مهر۸۶).

بعد از دستگیری ما را سوار مینی‌بوس کردند و به سوله فرستادند. ما را تک تک از مینی‌بوس پیاده می‌کردند و مجبور بودیم از یک تونل گوشتی عبور کنیم. این تونل را مأموران نقابدار باتون به‌دست درست کرده بودند و در مسیر عبور از آن با باتون کتک می‌خوردیم. اکثر کسانی که در مدت بازداشت دچار شکنگی استخوان بودند حین عبور از همین تونل مصدوم شده بودند. این کتک زدن هر روز تکرار می‌شد. به‌گفته این منبع «کسانی که به هر دلیل شکنجه بیشتری می‌شدند، مجبور بودند با طغر بدون لباس به‌مدت چند ساعت روی سنگهای داغ محوطه زندان بغلتند و در این مدت نیز از ضربات باتون و لگد در امان نبودند». این زندانی درباره شرایط یکی از دستگیرشدگان که کارگر ساختمانی و دارای ۳ فرزند می‌باشد و تحت عنوان آخوندساخته اراذل و اوباش دستگیر شده، گفت: «زندانیان سابقاً برای نگهداری اسرای عراقی استفاده می‌شد. آب لوله‌کشی ندارد و روزهای اول آب را با تانکر گازوئیل می‌آوردند که بوی گازوئیل می‌داد و هنوز آشامیدن نبود. سهم غذای همه ما یک سیب زمینی و یک چهارم نان لواش خشک بود. در مدتی که من بازداشت بودم و داغترین روزهای فصل هم بود لوله آب ترکید و آب نداشتیم. در آن روزها همه از کثافت و تشنگی رو به مرگ بودیم. بازداشت همه ما با ضربات باتون و گاه شلیک گلوله و فحاشی همراه بود. حال پیگیری و شناسایی ضارب یا ضاربان هستند». این خبرگزاری یادآوری نمود اوایل خرداد سال جاری در اهواز، شیخی به نام هشام صیمری نیز مورد حمله قرار گرفت و کشته شد.

در تهاجمی دیگر چهارشنبه‌شب ۱۱مهر، جوانان شهر خاش در استان سیستان و بلوچستان، یکی از آخوندهای حکومتی را به هلاکت رساندند. خبرگزاری حکومتی فارس گزارش داد: «دو شرور موتور سوار وارد مسجد روستای افتخارآباد خاش شدند و مهدی توکلی را که به‌عنوان روحانی روی منبر در حال تبلیغ بود، به رگبار بستند.

جلاد کردها و تهمت رذیلانه کردکشی به مجاهدین خلق ایران در ماورای دجالیت

«مهرورزی» خامنه‌ای و احمدی‌نژاد و ادامه توپ‌باران وحشیانه مردم بی‌گناه کردستان عراق توسط سپاه پاسداران رژیم آخوندی(۲)

مسعود کلانی

یادآوری

در قسمت پیشین این مقاله، به توپ‌باران مناطق وسیعی از کردستان عراق توسط پاسداران رژیم آخوندی اشاره کردیم و گفتیم، سپاه پاسداران از روز ۱۷مرداد۸۶ توپ‌باران مناطق هم‌مرز کردستان عراق با ایران را آغاز کرده است. این توپ‌باران منطقه وسیعی از حاجی عمران و جومان در شمال تا روستاهای دامنه کوه قندیل، تا مناطق اطراف قلعه دیزه و پنجوین و مناطق اطراف شاه‌دری در کوه سورین و نیز مناطق بمو در مرز خانقین در جنوب را در بر می‌گیرد. طول این منطقه حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر و عمق مناطق توپ‌باران‌شده ۵۰ تا ۷۰کیلومتر ارزیابی می‌شود. بنابر آماری که استاندار سلیمانیه در نامه‌یی برای رئیس دولت محلی کردستان نیچیروان بارزانی ارسال داشته، در یکی دو هفته اول این حملات حدود ۴۰۰خانوار آواره شده، ۲۷روستای مرزی (تنها در استان سلیمانیه) خسارت دیده و بیش از ۱۵نفر کشته و دهها نفر مجروح شدند.

این حملات وحشیانه به کردستان عراق که به‌رغم همه محکومیتها و اعتراضها همچنان ادامه دارد، صفحه سیاه دیگری را در جنایات حکومت آخوندی علیه مردم عراق و به‌طور خاص علیه کردهای عراقی گشوده است.

ماورای دجالیت

اما ماورای دجالیت رژیم آخوندها در این است که از یک طرف این چنین مردم کردستان عراق را آماج حملات جنایتکارانه خود قرار می‌دهد و از هیچ جنایتی در حق هموطنان کردمان در ایران هم فروگذار نمی‌کند، ولی ازطرف دیگر، در منتهای دردبگی، به‌مجاهدین و ارتش آزادی مارک و پرچسب رذیلانه کردکشی می‌زند. هرچند که این ادعای رذیلانه آخوندها بارها با گواهی مردم شریف کردستان عراق و رهبران کرد عراقی افشا و مفتضح شده است. هموطنان کردمان و نیروهای اصیل و مبارز کرد ایرانی کذب این دعاوی و فرافکنی و دجالیت آخوندی را افشا کرده‌اند. اما حکومت آخوندی که چنته‌اش علیه مجاهدین خالی است، ساالهاست که در کارزار شیطان‌سازی، رادیو تلویزیون و مطبوعات حکومتی در داخل کشور و عوامل و سایتها و لابی شاد و جیره‌خوارش در خارج کشور را به تکرار دروغهای حیرت‌انگیز و به‌غایت رسوا درمورد کشتار کردهای عراق به دست مجاهدین و شورای ملی مقاومت اختصاص می‌دهد و دروغها و اباطیلی را سرهم‌بندی می‌کند که فقط بیانگر جنون گلاوی و شدت افلاس و رسوایی خامنه‌ای

جاده صافکنهای جنـــگ (۶)

درباره سیاست اپیزمنت غرب درمقابل فاشیسم در دهه سی قرن بیستم

با توجه به تاریخ و استفاده از اصطلاحی از دوران اولیه انقلابی، باید گفت که «خانه تکانی» به صورتی مؤثر آغاز شده است و نیروی رژیم نازی تثبیت و به مرتجعین توطئه‌گر درس خوبی داده شده است. واقعیتهای آشکار اینها هستند

تایمز لندن، مورخ ۲ ژوئیه ۱۹۳۴، پس از تصفیه خونین اس.آ. توسط هیتلر

دکتر کریم قصیم

«۱۹۳۴، سال تعیین کننده»

اواخرسال ۳۳ برای همه طرفها روشن بود که خروج آلمان از جامعه ملل و لگد زدن هیتلر به مفاد آن، هیچ عقوبتی نمی‌بیند. خواست فرانسه هم مبنی براعلام و افشای برنامه پنهانی تسلیحاتی آلمان و مجازات برحسب پیش‌بینیهای مندرج درپیمان ورسای به جایی نرسید.

دولت انگلستان درپاسخ به یادداشت دولت آلمان راجع به مسائل خلع‌سلاح، خود رأساً یک یادداشت مقابل برای کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا و ایالات متحده فرستاد. همین کار را دولتهای ایتالیا و فرانسه نیز مقابلاً انجام دادند. توسط این تبادل یادداشت چند جانبه، عملاً دوره چندماهه سکوت و سؤال که چه می‌شود به پایان رسید. هیتلر ـ درنتیجه تصمیم دولت انگلستان به ادامه گفتگو و تلاش جهت انعقاد یک پیمان جمعی خلع‌سلاح ـ همکاران به عنوان طرف مذاکره درصحنه باقی ماند ولی دولتهای غرب مطالباتی را پیش کشیدند که سوای چانه‌زدن راجع به سطح و نوع تسلیحات مجاز آلمان، مسأله شبه نظامیان SA بود! دراین مورد فرانسه بیشترین مشکل را داشت.

دولت انگلستان بلاخره تصمیم گرفت آنتونی ایدن، وزیرامورجامعه ملل را دررأس هیأتی به پایتختهای سه گانه اعزام کند، تا آرا و نظرات آلمان، فرانسه و ایتالیا را درمورد یادداشت فوق‌الذکر و طرح دولت انگلستان برای خلع‌سلاح عمومی، درهریک ازاین سه کشور استفسار وسعی نماید مواضع مربوطه را بهم نزدیک کند. ایدن روز۱۶ فوریه ۳۴ ازلندن حرکت کرد. اولین مقصد وی پاریس بود. بلا این سفرسال سیاسی پر حادثه ۱۹۳۴ شروع شد.

پس از شکست قطعی سیاست اپیزمنت و وقوع جنگ جهانی دوم، بسیاری ازپژوهشگران این دوره متفق‌القول نوشتند که ۱۹۳۴، به قول ویستون چرچیل یک «سال تعیین کننده» بود و رویهمرفته مسیرکلی وقایع بعدی را مشخص کرد:

«تا تابستان ۱۹۳۴ دولت انگلیس بی‌آن که ناگزیر باشد ریسک یک جنگ را بپذیرد هنوز تا حدود زیادی سمت وسوی وقایع را دردست خود داشت. دولت انگلستان همراه با فرانسه واشتراک مساعی جامعه ملل می‌توانست هرموقع که بخواهد، با حفظ برتری، جلوی نهضت هیتلر ـ که درخود آلمان هم با یک طیف وسیع مخالفان مواجه بود ـ بایستد. ومحدودش کند. اقدامات مقتضی دراین راستا حتی به خونریزی هم نمی‌کشید. اما این دورهٔ مساعد به زودی خاتمه یافت و آلمانی مسلح و مجهز، زیرسلطه نازیها به سرعت رشد کرد و بالا آمد»[1]

در رایش آلمان وقایعی که ۱۹۳۴ درارتباط با شروع و ادامه آشکار و پنهان سیاست اپیزمنت اهمیت پیدا کردند، عبارت بودند از:

ـ انعقاد قرارداد عدم حمله مابین آلمان و لهستان(۲۶ ژانویه) و خشم فرانسه،

ـ تدارک و اجرای یک تصفیه بزرگ و خونین شبه نظامیان اس.آ. و به دنبال آن اتحاد آشکار میلیتاریسم و ارتش با هیتلر و حرکت نازی،

ـ کودتای نازیها درلتریش، قتل صدراعظم دولفوس وعواقب آن برای آلمان،

ـ مرگ ریاست رایش، فیلد مارشال هیندنبورگ، و صعود هیتلر به قله قدرت مطلقه.

درهمین سال رویدادهایی مهم نیز درانگلستان و فرانسه و جامعه ملل پیش آمدند:

ـ درانگلستان همه‌پرسی بزرگ معروف به «Peace Ballot» و نتایج آن،

ـ بحث بیدفاع بودن کشوردرمقابل حمله هوایی، هشدارهای چرچیل وسرانجام تصمیم دولت انگلستان برای تقویت نیروی هوایی(ژوییه ۳۴)،

ـ درفرانسه، همزمان ترور و مرگ الکساندر اول، شاه یوگسلاوی و مهمان دولت فرانسه، ترور و مرگ بارتو، وزیرخارجه فرانسه و مقاوم درمقابل هیتلر، وسپس روی کارآمدن لاوال که طرفدار گفتگو و مماشات با آلمان بود،

ـعضویت اتحاد شوروی درجامعه ملل و پیوستن به طرح امنیت جمعی.

کلیه این وقایع و...به نوعی درکشش و واکنشهای مربوط به سیاست خارجی آلمان، ضربه‌خوردن مداوم پیمان ورسای و ازآن طرف راه افتادن سیاست اپیزمنت تأثیر داشتند و بر هم اثر گذاشتند. ولیکن دو رویداد از یک نظر در آلمان بی‌سابقه و خصوصاً برای شناخت شخص هیتلر، سیاستهای داخلی و«برخورد متفاوت» او نسبت به همسایگان، مهمترین، و از دید خارجیها نیز برجسته‌ترین به شمار می‌آمدند.

تصفیه خونین درداخل کشتاربزرگ سران اس.آ.، شب «چاقوی تیغه بلند»

زمانی که آنتونی ایدن و هیأتش عازم پاریس شدند، فرانسه دوره ناآرامی‌را از سر می‌گذراند. مردم، تحت تأثیر یک رسوایی مالی پرسر و صدا (ماجرای معروف استاویسکی) و بروز اغتشاشات سیاسی راستهای افراطی، از دولت ناراضی و کشور دچار تنش بود. به همین جهت وزرا به‌علت گرفتاری خارج ازمعمول سخت درتنگنای وقت قرار داشتند و ایدن مطمئن نبود که وزیرخارجه جدید، بارتو، و همکاران وی آمادگی کافی درباره موضوع مورد نظر وی داشته باشند. اما وقتی صحبت شروع شد، طرف فرانسوی علاوه بر جزئیات مسائل خلع‌سلاح و طرح میثاق پیشنهادی انگلستان، مفصلاً به معضل «سازمانهای شبه‌نظامی آلمان، به‌خصوص اس.آ.» پرداخت و از ایدن تقاضا کردند این مسأله را با هیتلر مطرح کند و تکلیف این نیروی عظیم رشدیابنده و مسلح در محاسبات مربوط به خلع‌سلاح روشن شود. ایدن در خاطرات سیاسی‌اش این گفتگوها را چنین جمع می‌بندد:

«دغدغه اصلی فرانسویها دو مسأله بود، یکی معضل صفوف شبه نظامیان آلمانی و دیگری حفظ ضرداخته‌های تسلیحاتی خودشان»[2]

در ادامه سفر، روز ۱۹ فوریه هیأت ایدن به برلین وارد شد و ۲۰ فوریه به دیدار وزیرخارجه رفتند. معاون وزیرخارجه و ژنرال بلومبرگ، وزیردفاع، درگفتگو شرکت داشتند. اولین موضوعی که ایدن طرح کرد مسأله شبه نظامیان آلمان بود:

«من دراولین دورصحبتم به نگرانیهای اروپا درباب سازمانها و صفوف شبه‌نظامیان آلمان توجه دادم و ابراز امیدواری کردم که دولت آلمان درطول دیدار ما پیشنهاداتی در این رابطه مطرح کند درجهت رفع این نگرانیها... قون نورات[وزیرخارجه] مخالفت روشنی نکرد ولی در بارهٔ این موضوع سخن از آن سه نفر ازهمه بیشتر ژنرال بلومبرگ روی خوش نشان داد»[3]

جالب بود که اولین مسأله مورد گفت وگو به نقش سازمان و نیروهای اس.آ. برمی‌گشت. دولتهای غرب، حالا که تصمیم داشتند هیتلر را به عنوان طرف «مذاکره» بپذیرند اصرار داشتند فقط با «یک قدرت مسلح»یعنی دولت طرف باشند.

نشستهای بعدی با حضور هیتلر ادامه می‌یابد. وی بار دیگر روضه‌یی طولانی درباب صلح و سازندگی می‌خواند و مخالفها با جنگ می‌کند و بالاخره – پس ازپرسشهای گوناگون ایدن راجع به شبه نظامیان – می‌آید سر موضوع اس.آ. و ضمن شرح و تفصیل نکراری به‌طورغیرمترقبه کوتاه می‌آید و از ضمانتهایی صحبت می‌کند:

«دراین مورد به نظر رسید که هیتلر مسأله را با فهمیده و حاضر به دادن امتیازاتی است. او گفت: اگربرک میثاق خلع‌سلاح وجود آید، حاضراست برای آینده ضمانت دهد که اس.آ. و اس.اس. دیگر نه حمل سلاح کنند و نه برای کاربرد سلاح آموزش نظامی‌ببینند، نه درمانورها شرکت کنند و نه توسط افسران ارتش تعلیم نظامی ببینند... درنشست بعد از نهار همان روز، هیتلر مایل بود نکته‌یی به مطالب قبلی خود اضافه کند:

«شم سیاسی و عقل معاش من هرگز اجازه نمی‌دهد یک ارتش دوم را درمتن دولت بپذیرم. هرگز، هرگز»![4]

درطول ماههای بعدی، درداخل آلمان تشنجات متعددی مابین ارتش و اس.آ. پیش آمد. هیتلر خوب متوجه بود که نه تنها نمایندگان قدرتهای غرب علیه شبه نظامیان اس.آ. موضع می‌گیرند، بلکه اعتراضها و جبهه‌گیری سران ارتش و شخص ژنرال بلومبرگ علیه مواضع وکارهای ارنست روم رئیس ستاد اس.آ.» رو به افزایش است. بنابراین، قدرتهای محافظه‌کار، چه در داخل و چه خارج آلمان، بابت همکاری (درداخل) وقبول دولت هیتلر(میز مذاکره)، شرط و شروطی داشتند! فشار برای تعیین تکلیف با اس.آ. زیاد می‌شد.

آنتونی ایدن، بعد از دیدار با هیتلر، از این بابت که وی حاضر شد در باره شبه‌نظامیان راه بیاید ازتایج صحبت راضی بود و با «نظرخوبی دربارهٔ فوئرر» برلین را ترک کرد...

ارنست روم [همراه قدیمی‌هیتلر و سازمانده و رئیس ستاد اس.آ.]، که دریکی ازمهمانیها برای هیأت آنتونی ایدن شرکت داشت، زود بو برد که خارجیها با خط او و سازمان قدرتمندش مسأله دارند و از همان موقع نگران قربانی شدن «ارتش حزب» بود. ارتشی که او با سالها کار و زحمت ساخته و مجهز کرده بود و تا آن زمان، با کشتارهای متعدد و دستگیریهای سراسری چپها و دموکراتها و سرکوب یهودیان و دیگر مخالفان، بزرگترین خدمتها را به شخص هیتلر و حزب نازی کرده بود. حالا همین «ارتش حزب» رژیم‌ایستم داخلی و سرمایه‌داران بزرگ بود. درواقع اس.آ. به موضوع وجه‌المصالحه تبدیل شده بود... واین خطری نبود که سران اس.آ. متوجه آن نباشند. متها چون به نیروی عظیمی اتکا داشتند، به‌خود می‌دیدند کماکان شاخ و شانه بکشند. تازه حساب می‌کردند درنشست بزرگ آینده به طریقی هیتلررا نیز با خود همراه می‌کنند. به هرحال خط اس.آ. و رئیس ستاد آن، ارنست روم، روی سفت ایستادن و ادامه فشار بر هیتلر تنظیم شده بود. درتاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۳۴ روم اطلاعیه‌یی منتشر کرد با محتوای زیر:

«...انقلاب ما نه ملی، بلکه یک انقلاب ملی– سوسیالیستی [ناسیونال سوسیالیستی–نازی] است. ما حتی مایلیم روی کلمه سوسیالیستی تأکید داشته باشیم. دراین انقلاب، تنها ضامنی که جلوی ارتجاع می‌ایستد در نیروهای اس. آ. تجسم یافته زیرا این نیرو همان تشخص مطلق فکر انقلابی است. مبارزی که به صفوف اس.آ. پیوسته است از همان روز اول به طی کردن مسیرانقلابی متعهد می‌شود و یک گام هم ازاین راه پس نخواهد نشست تا هدف نهایی ما تحصیل شود...»[5]

همین مواضع بود که سخت با مخالفت سرمایه‌داران بزرگ و سران ارتش روبه‌رو می‌شد، وگرنه غیر از نطق هیتلر(آنهم بعد ازتصفیه حساب و کشتاربزرگ) هیچ مدرک جدی وجود نداشت که مدعای کودتا و دستور شورش علیه دولت را مستدل کند.

بیش از یکسال از روی کارآمدن هیتلر می‌گذشت. پس از سرکوب همه احزاب و سندیکاهای چپ، که عمدتاً توسط شبه نظامیان اس.آ. انجام شده بود، اکنون وسعت این سازمان مسلح حزب به حدود یک و نیم تا دومیلیون نفر بالغ می‌شد، آموزش‌دیده و مسلح. ولی درآن ماههای بهار۳۴، سرتا پای این دستگاه عریض و طویل شبه‌نظامی، از نارضایتی نسبت به حزب و سیاستهای آن می‌جوشید و به کم و کیف امور سیاسی جاری و ائتلاف هیتلر با بورژوازی بزرگ مالی و سران ارتش اعتراض مداوم داشت. شبه‌نظامیان اس.آ. به طور وسیع زیر فشار توده‌های پایینی بودند. آنها عمدتاً ازطبقات محروم جامعه می‌آمدند واکثراً درسالهای بحران و بیکاریهای عظیم، و یا بعد از روی کارآمدن نازیها، به اس. آ. پیوسته بودند و حالا از قدرت و پیشرفت هیتلر و حزب، سهم می‌خواستند.

اس.آ. سرسخانه علیه سیاست حمایت میلیاردی شرکتهای بزرگ توسط دولت و بی‌بهره ماندن نیروهای مرتبط بااس. آ. جبهه می‌گرفت. نیروهای آن احساس می‌کردند افسران و ژنرالهای ارتش مفت و مجانی سوار اسب قدرت شده‌اند و سر اس.آ.، به قول معروف، بی‌کلاه مانده است. آنها که کشتارهای وسیع، ایجاد اردوگاهها وبازداشتگاههای متعدد، تعقیب و دستگیری هزاران هزار کادر و فعال چپ و نابودی سندیکاها، منحل کردن خونین و اجباری احزاب غیرنازی و طیف دموکرات لیبرال اپوزیسیون...، بیشترین خدمت را به توفیق و استحکام دیکتاتوری هیتلر کرده بودند، حالا خود را بازنده می‌دیدند و فشارمی‌آوردند که خواسته‌هایشان درزمینه‌های مالی و قدرت سیاسی، نظامی و «ایدئولوژیک» برآورده شود. آنها به صراحت «انقلاب دوم» می‌خواستند و«ارتش واحد» به ریاست ستاد خودشان ارنست روم!

در واقع، در ورای کشمکشهای سیاسی – ایدئولوژیک، مسأله مهم و مورد اختلاف، مابین سران اس.آ. با ژنرالهای ارتش – و درمرکزآن مابین ارنست روم و ژنرال بلومبرگ بود. هیتلر طی چند صحبت طولانی و خصوصی با همراه قدیمی خودش ارنست روم، بارها هشدارداده بود که «مصمم هستم با هرتلاشی جهت واژگونی نظام به سختی مقابله کنم»، ولی سران اس. آ. ول کن نبودند، به مصوبات حزب نازی و تناقص آنها با روال جاری امور اشاره می‌کردند. ازفدرت گرفتن روزافزون ژنرالهای «ارتجاعی» شکایت داشتند و خواستار تبدیل دوبخش بزرگ نظامی– یعنی ارتش کلاسیک (دویست هزارنفره) و شبه نظامیان حزبی اس. آ.(درظرف یکسال بالغ بر۲ میلیون نفر) به یک «ارتش واحد خلق» به ریاست ارنست روم بودند. همه سرمایه‌داران و بانکداران بزرگ و ژنرالیسم ارتش و وردستهای ریاست رایش، پال هیندنبورگ پیر ومریض، جملگی با این خواسته‌های اس.آ. بهشدت مخالف بودند و مرتب از تبلیغات و «توطئه‌های» اس.آ. گزارش و به شخص هیتلر فشار می‌آوردند. به‌خصوص اختلاف نظر و مناقشه مابین ارنست روم و ژنرال بلومبرگ، وزیردفاع رایش، رویه افزایش بود. هیتلر آشکارا طرف سران ارتش را می‌گرفت. گورینگ و گوبلز هم از سالها پیش با ارنست روم مخالف و رقیب بودند و طبعاً پشت هیتلر می‌ایستادند. اما فشار شبه‌نظامیان از پایین و کادرهای فرماندهی آنها نیزشدت می‌گرفت. آنها جهت حل وفصل مشکلات جاری سرانجام خواستار تشکیل یک نشست عمومی بزرگ با حضور هیتلر و دیگر سران حزب در روز ۳۰ ژوئن ۳۴ شدند. هیتلرنیز موافقت کرد.

این کشمکشها ادامه داشت تا این که هیتلر روز ۲۱ ژوئن برای عیادت مارشال هیندنبورگ به محل اقامت ریاست رایش رفت. ژنرال بلومبرگ، وزیر جنگ، نیز حضور داشت. وی درآن جا خطاب به هیتلر، رسماً ازطرف ارتش خواستار «آرام کردن شبه نظامیان» و تعیین تکلیف با آنها شد و اضافه کرد که:

«...وگرنه پرزیدنت هیندنبورگ ناگزیر خواهند شد اعلام وضعیت فوق‌العاده کنند و اختیارات لازم را به ارتش تفویض نمایند»[6]

بعد ازاین حرف، هیتلردیگرچند دقیقه بیشتر آن جا نمی‌ماند و پی می‌برد که نه تنها مسأله مهم جانشینی هیندنبورگ (بعد از فوت قریب الوقوع)، بلکه ادامه کار دولت نازی سخت به خطر افتاده است و باید بجنبد. ازاین جا به بعد ماجرا، لابلای شرح و تفصیلات گوناگون و مه‌آلود گزارش شده، که البته پایان تمام روایتها یکی است. مسلم و مستند آن که، روز۲۸ ژوئن ارنست روم طی اطلاعیه ای رسماً ازتاحدیه افسران رایش آلمان اخراج می‌شود(اوسابقاً سرهنگ ارتش و هنوز عضو اتحادیه افسران بود) و ۲۹ ژوئن نوشته ای به امضای ژنرال بلومبرگ درخدمت به نظام و هیندنبورگ و هیتلر وقانون و ملت آلمان منتشر می‌گردد...

روز۲۹ژوئن هیتلردراثنای سفری که به غرب آلمان دارد، در شهر گودسبرگ گوبلز را در خلوت ملاقات می‌کند. طبق یادداشتهای گوبلز در تقویم سیاسی‌اش، وی به پیشوا خبرمی‌دهد شبه نظامیان اس.آ. دیرولین طرحی برای کودتا حوالی ۳۰ ژوئن دردست دارند. دراین اثناء خبرمی‌رسد که پروفسورزانربروخ(پزشک شهیر) به بالین هیندنبورگ فراخوانده شده! درهرحال، هیتلربس ازصحبت کوتاه با گوبلز و تلفنی به مارشال گورینگ دربرلین، تصمیم خود را می‌گیرد به افراد خود در برلین و مونیخ دستورانی اکید صادرمی‌کند. پس از یک سری دستورات تدارکاتی، نیمه شب همان روز به اتفاق گوبلز و چندین نفراز محافظان و همراهانش با هواپیما عازم مونیخ می‌شود. قبلاً نگرانی‌یه ارنست روم می‌زند که فردا درمحل نشست کنار دریاچه ویز در بایرن علیا، به دیدنش بیاید. درطول پرواز شباته تمام وقت کنار خلبان بیدار می‌ماند. ساعت ٤ صبح روز۳۰ ژوئن به مونیخ می‌رسند. آن جا برای دستگیری جمعی ازفرماندهان اس.آ. درشهر دستورانی می‌دهد و خود بلافاصله با گروهی مسلح به طرف محل نشست ۳۰ژوئن حرکت می‌کنند و مستقیماً به هتلی می‌روند که روم آن جا در اتاق خود خواب است. به هتل که می‌رسند هیتلر شخصاً به طبقه بالا سراغ همراه قدیمی‌اش می‌رود، او را از خواب بیدار و خلع‌سلاح و دستگیر می‌کند و بلافاصله دستجمعی‌برمی‌گردند به طرف مونیخ. سر راه به تعداد زیادی ماشینهای نظامی و تفریر پراز افراد مسلح اس.آ. برمی‌خورند که به شخص هیتلر فشار می‌آوردند. به‌خصوص اختلاف نظر و مناقشه مابین ارنست روم و ژنرال بلومبرگ، وزیردفاع رایش، رویه افزایش بود. هیتلر آشکارا طرف سران ارتش را می‌گرفت. گورینگ و گوبلز هم از سالها پیش با ارنست روم مخالف می‌ایستادند. اما فشار شبه‌نظامیان از پایین و کادرهای فرماندهی آنها نیزشدت می‌گرفت. آنها جهت حل وفصل مشکلات جاری سرانجام خواستار تشکیل یک نشست عمومی بزرگ با حضور هیتلر و دیگر سران حزب در روز ۳۰ ژوئن ۳٤ شدند. هیتلرنیز موافقت کرد.

این کشمکشها ادامه داشت تا این که هیتلر روز ۲۱ ژوئن برای عیادت مارشال هیندنبورگ به محل اقامت ریاست رایش رفت. ژنرال بلومبرگ، وزیر جنگ، نیز حضور داشت. وی درآن جا خطاب به هیتلر، رسماً ازطرف ارتش خواستار «آرام کردن شبه نظامیان» و تعیین تکلیف با آنها شد و اضافه کرد که:

«...وگرنه پرزیدنت هیندنبورگ ناگزیر خواهند شد اعلام وضعیت فوق‌العاده کنند و اختیارات لازم را به ارتش تفویض نمایند»[6]

بعد ازاین حرف، هیتلردیگرچند دقیقه بیشتر آن جا نمی‌ماند و پی می‌برد که نه تنها مسأله مهم جانشینی هیندنبورگ (بعد از فوت قریب الوقوع)، بلکه ادامه کار دولت نازی سخت به خطر افتاده است و باید بجنبد. ازاین جا به بعد ماجرا، لابلای شرح و تفصیلات گوناگون و مه‌آلود گزارش شده، که البته پایان تمام روایتها یکی است. مسلم و مستند آن که، روز۲۸ ژوئن ارنست روم طی اطلاعیه ای رسماً ازتاحدیه افسران رایش آلمان اخراج می‌شود(اوسابقاً سرهنگ ارتش و هنوز عضو اتحادیه افسران بود) و ۲۹ ژوئن نوشته ای به امضای ژنرال بلومبرگ درخدمت به نظام و هیندنبورگ و هیتلر وقانون و ملت آلمان منتشر می‌گردد...

روز۲۹ژوئن هیتلردراثنای سفری که به غرب آلمان دارد، در شهر گودسبرگ گوبلز را در خلوت ملاقات می‌کند. طبق یادداشتهای گوبلز در تقویم سیاسی‌اش، وی به پیشوا خبرمی‌دهد شبه نظامیان اس.آ. دیرولین طرحی برای کودتا حوالی ۳۰ ژوئن دردست دارند. دراین اثناء خبرمی‌رسد که پروفسورزانربروخ(پزشک شهیر) به بالین هیندنبورگ فراخوانده شده! درهرحال، هیتلربس ازصحبت کوتاه با گوبلز و تلفنی به مارشال گورینگ دربرلین، تصمیم خود را می‌گیرد به افراد خود در برلین و مونیخ دستورانی اکید صادرمی‌کند. پس از یک سری دستورات تدارکاتی، نیمه شب همان روز به اتفاق گوبلز و چندین نفراز محافظان و همراهانش با هواپیما عازم مونیخ می‌شود. قبلاً نگرانی‌یه ارنست روم می‌زند که فردا درمحل نشست کنار دریاچه ویز در بایرن علیا، به دیدنش بیاید. درطول پرواز شباته تمام وقت کنار خلبان بیدار می‌ماند. ساعت ٤ صبح روز۳۰ ژوئن به مونیخ می‌رسند. آن جا برای دستگیری جمعی ازفرماندهان اس.آ. درشهر دستورانی می‌دهد و خود بلافاصله با گروهی مسلح به طرف محل نشست ۳۰ژوئن حرکت می‌کنند و مستقیماً به هتلی می‌روند که روم آن جا در اتاق خود خواب است. به هتل که می‌رسند هیتلر شخصاً به طبقه بالا سراغ همراه قدیمی‌اش می‌رود، او را از خواب بیدار و خلع‌سلاح و دستگیر می‌کند و بلافاصله دستجمعی‌برمی‌گردند به طرف مونیخ. سر راه به تعداد زیادی ماشینهای نظامی و تفریر پراز افراد مسلح اس.آ. برمی‌خورند که به شخص هیتلر فشار می‌آوردند. به‌خصوص اختلاف نظر و مناقشه مابین ارنست روم و ژنرال بلومبرگ، وزیردفاع رایش، رویه افزایش بود. هیتلر آشکارا طرف سران ارتش را می‌گرفت. گورینگ و گوبلز هم از سالها پیش با ارنست روم مخالف و رقیب بودند و طبعاً پشت هیتلر

عکسهای فوری، خبـــرهای کوتاه

به مناسبت ۱۰اکتبر، روز جهانی علیـــه اعـــدام

آخوندها با به دار آویختن کسی که مثلاً قتل کرده است نمی‌خواهند آن چنان که وانمود می کنند «قصاص» کنند. هدف، محکم کردن میخ حاکمیت لرزانی است که حربه‌یی جز دار و شکنجه و شلاق و سرکوب ندارد. یعنی که به ما، که دوربین به دست گوشه و کنار میهن را در نظر داریم و از حوادث آن «خبرهای کوتاه و عکسهای فوری» می‌گیریم پیام می‌دهند که باید مواظب خودمان باشیم. هرگونه تخلف از قوانین آخوندی مجازاتی جز شکنجه و اعدام ندارد. و مهمتر این که تلاش برای براندازی این سلطه اهریمنی و قرون وسطایی هم بی‌نتیجه است. پس گزافه نیست اگر که پیام هراعدام در این خاک لعنت‌زده آخوندی را یک ترور سیاسی بخوانیم.

چند عکس فوری و نوع سوم جنایت:

عکسهای فوری امروز مثل دیروز است و مثل فردا خواهد بود. مثل همان عکسهایی که در اهر و شیراز و دلفان لرستان برداشته شد. همه‌اش حلقه داری آویزان است و جمعیتی سوگوار و مبهوت که اشک در چشم و بغض در گلو شاهد شقاوتی سیاه هستند. ویکتور هوگو کشتن افراد توسط افراد را جنایت فردی، و همین کار را توسط جامعه، جنایت جامعه خواند. اما در ایران باگونه سومی از این نوع جنایت مواجهیم. جنایت توسط حکومت.

اعدام در هرگوشه این خاک یک جنایت دولتی است. جنایتی سازمانیافته که قربانیان خود را از میان اقشار و طبقات مختلف و با بهانه‌های مختلف برمی‌گزیند و با بیرحمی تمام طناب خشن دار را با دستانی خشن‌تر برگلوی قربانی می‌اندازد. جنایتی که در پس و پشت بربریت اجتماعی آن یک هدف سیاسی هم نهان است. هدفی که اساس حکومت همه حکومتهای جابرانه است: حاکمیت از طریق ایجاد رعب و وحشت. آخوندها با به دار آویختن کسی که مثلاً قتل کرده است نمی‌خواهند آن چنان که وانمود می کنند «قصاص» کنند. هدف، محکم کردن میخ حاکمیت لرزانی است که حربه‌یی جز دار و شکنجه و شلاق و سرکوب ندارد. یعنی که به ما، که دوربین به دست گوشه و کنار میهن را در نظر داریم و از حوادث آن «خبرهای کوتاه و عکسهای فوری» می‌گیریم پیام می‌دهند که باید مواظب خودمان باشیم. هرگونه تخلف از قوانین آخوندی مجازاتی جز شکنجه و اعدام ندارد. و مهمتر این که تلاش برای براندازی این سلطه اهریمنی و قرون وسطایی هم بی‌نتیجه است. پس گزافه نیست اگر که پیام هراعدام در این خاک لعنت زده آخوندی را یک ترور سیاسی بخوانیم.

به این دلیل عکسهای فوری ما در اهر باشد، یا ابهر، یا زاهدان و یا ساری و شیراز، و یا کرمانشاه و یا مشهد. و تهران و گنبدکاووس یا ارومیه و یا تایباد فرقی نمی‌کند.

پس در اول شهریور گذشته به ابهر می‌رویم. آن جا مردی در صحن زندان اعدام کردند. همان روز در شیراز، بخت برگشته‌یی را در ملاءام به دار آویختند. ۤروز بعد در اهر و روز بعدترش در زاهدان. در ۲۳شهریور ۸در در ماهان کرمان اعدام شدند و ماههای قبل و بعد نیز چندان تفاوتی با شهریور نخواهند داشت. در مرداد ماه گذشته ۳۱نفر قربانی، در زندان عادل‌آباد شیراز، کرمانشاه، مشهد، زاهدان(مجموعاً۱۰نفر)، تهران، گنبدکاووس، ایرانشهر، بابلسر، تایباد خراسان(۲نفر)، آستانه اشرفیه، ارومیه، نقده (دو نفر)، ساوه (۳نفر) و ایلام یک نفر، به دار آویخته شدند و همین دور وحشت هنوز هم که هنوز است ادامه دارد.

برای دوربین ما عکسها با هم فرقی ندارند. عکس هستند. اما ما که به انسان به عنوان انسان نگاه می‌کنیم با دوربین فرق داریم. هم از این روست که سرگیجه می‌گیریم. از این همه شقاوت، از این همه فوران نفرت، و از این همه کابوس روزمره که آخوندها با پاسداران و سیاهپوشان روی در نقابشان بر مردم ما روا داشته‌اند.

اندکی درباره قربانیان

به راستی این قربانیان چه کسانی هستند؟ زمانی بود که دسته‌های ۱۰۰نفره و ۲۰۰نفره از زندانیان مجاهد و مبارز را در اوین به جوخه‌های تیرباران می‌سپردند. این است که بسیاری هنوز چشم به راه نوبت خود هستند. در زندانها روزشماری می‌کنند تا در چه صبحی به سر وقتشان بیایند و صدایشان کنند. از جمله این عده ۱۲نوجوان زیر ۱۸سال است که حکم محکومیت خود را گرفته‌اند.

سعید۱۷ ساله، رضا ۱۶ساله، حسین ۱۶ساله، صفر ۱۷ساله،حسین۱۶ساله،علی۱۷ساله(همگی محبوس در زندان گوهر دشت کرج) رضا ۱۷ساله، محمد ۱۶ ساله، بهنام ۱۵ ساله (زندانی در زندان عادل‌آباد شیراز)، دل‌آرا ۱۷ساله، مهیار ۱۷ساله(زندانی در زندان رشت)، محمد ۱۵ساله (زندانی در زندان ساوه).

از زندگی و ماجراها و اتهامات این عده خبری نداریم. اما از نوجوانان امثال آنها اخباری منتشر شده است که نباید با این عده زیاد تفاوت داشته باشند. «فرزاد علیزاده» یکی از آنها است. جوانی که در حین ارتکاب جرم، تجاوز به عنف، کمتر از ۱۸سال داشته است. و به گزارش «کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر» (۱۷مرداد۸۵) «گفته می‌شود وی که با همراهی تعدادی از دوستانش مرتکب جرم شده است، در حین برگزاری دادگاه با این تصور که او به دلیل صغرسن مجازات نخواهد شد، همه اتهامات را شخصاً پذیرفته است» او اکنون بیستمین سال زندگی

لحظاتی پیش از پایان یک زندگی

خود را می‌گذراند و در انتظار مرگ روزشماری می‌کند.

از میان این افراد جدیدی هم که اشاره کردیم اجرای حکم بهنام ۱۵ساله ابلاغ شده و هر لحظه امکان دارد نامبرده به دار آویخته شود. (روزنامه حکومتی اعتماد و نیازی هم حتی به احراز هویتشان نمی‌دیدند. اما گذشت سالها نشان داد که همان خونریزیهای آشکار و پنهان گرهی از کار فروبسته آخوندها باز نکرد. حتی اعدام ۳۰هزار زندانی سیاسی مظلوم که همگی‌شان حکم گرفته بوده و اغلبشان ۷-۸سال در اسارت بودند نیز دردی از آخوندها دوا نکرد که اتفاقاً جوشش خون آن مظلومان آخوندها را به جایی رساند که مجبور شدند نقاب ریا از چهره پرمکرشان بیفکنند و با باتون و گاز اشک‌آور و وحشیانه‌ترین شکلی به جان مردم بیفتند و در مرحله بعد، وحشی‌تر از قبل بساط دار و اعدامهای خیابانی را راه بیندازند. ببینیم قربانیان چه کسانی هستند. چند خبر کوتاه از آنها را مرور می کنیم:

نمونه ساوه این فاجعه بسیار نکاندهنده‌تر است. در ۲۸مرداد گذشته سه جوان ۲۷،۲۴و ۲۸ساله در ساوه به دار زده شدند. جرم آنها زنای به عنف اعلام شده است. اما واقعیت این است که «متهمان هیچ‌گونه سابقه کیفری نداشته و تاکنون حتی یک شکایت توسط اهالی محل از آنها مطرح نشده است؛ ولی قرعه نخستین اویاشان ساوه به نام آنها درآمده» و زنی که شاکی قضیه بوده است: «در مراحل مختلف دادرسی و محاکمه، حرفهای ضد و نقیضی را مطرح کرد.» و «این سه جوان ۲۴، ۲۷ و ۲۸ ساله مقابل دادیار شعبه دوم (غلامرضا سلیمانی) اعترافات خود را انکار کرده و گفتند چون در آگاهی تحت فشار بودیم مجبور به اعتراف شدیم».(روزنامه اعتماد ملی ۲۸مرداد۸۶) وکیل این سه قربانی گفته است: «دادستان ساوه زمان اجرای حکم را دوشنبه اعلام کرده بود، اما متأسفانه آنها پیش از این که پیگیریهای ما منجر به توقف حکم گردد، اعدام شدند». وی گفت: «اگر تا ساعت ۱۲ ظهر امروز حکم اجرا نمی‌شد، دستور توقف آن را می‌گرفتیم. اما ظاهراً در هیاهوی اعدام اراذل و اوباش، قاضی دادگاه قصد داشت افتخار اولین سری اعدامیها را در ساوه به خود اختصاص دهد، که موفق گردید».

اما آخوندها از این که اتهامات قربانیان را چه اعلام کنند مشکلی ندارند. یکبار این و بار دیگر آن. در رسانه‌یی این و در رسانه دیگری آن. مسئولی این و مسئول دیگری آن. از نظر آنها مهم چیز دیگری است. مهم آن چیزی است که پاسدار امیر گراوند، سرکرده نیروی انتظامی در استان کرمانشاه، با صراحت اعلام می‌کند: «شکسته شدن ابهت پوشالی این افراد در مناطق مختلف با گرداندن آنها در محل وقوع جرم، توانسته احساس امنیت را در مردم افزایش دهد». در راستای «شکستن ابهت پوشالی» قربانیان پاسدار خونریز چشم‌اندازی از فردهای دیگری می‌دهد که می‌توان عکسهای فوری دیگری مشابه قبل گرفت. او ضمن اعتراف به اعدام تعدادی در زندان گفت: «به زودی نیز در کرمانشاه و سطح شهرستانهای این استان، چند تن دیگر از اراذل و اوباش در ملاءام به دار مجازات آویخته خواهند شد». (روزنامه آفتاب یزد- ۳شهریور۸۶)

- ۵شهریور۸۶) بهنام کیست؟ وکیل او در نامه‌یی بهنام را چنین معرفی کرده است: « بهنام زارع متولد ۱۳۶۸/۳/۳ صادره از شیراز از تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱ به اتهام قتل عمد در زندان عادل‌آباد شیراز حبس می‌باشد. خلاصه ماجرا این که مقتول به نام مهرداد ر. با در دست داشتن چاقو به درب منزل بهنام رفته و مبادرت به سنگ‌براکنی به کیوتران بهنام می‌نماید و زمینه درگیری را مهیا می کند چون این دو قبلا با یکدیگر اختلاف داشته‌اند بهنام چاقویی برداشته و به بیرون از منزل می‌رود و در حین درگیری چاقو به گردن مقتول اصابت و وی را از پای در می‌آورد و این پرونده از این جهت حائز اهمیت است که بهنام در زمان قتل ۱۴سال بیشتر نداشته و هم اکنون به تازگی ۱۸ سالش به پایان رسیده است». (ایران امروز- ۳۰مرداد ۱۳۸۶)

به این ترتیب ۱۸سالگی بهنام با کابوس ساطور قصاص شروع می‌شود. کما این که کابوسهای بهنام در زمان قتل ۱۴سال بیشتر نداشته و هم اکنون ۳جوانی که در تهران به انتظار روز موعود خود لحظه‌شماری می‌کنند همین گونه است و دو نفر دیگری که در زندان مرکزی زاهدان دست از امید شسته‌اند.

یک نمونه از این منتظران به مرگ را از زبان گزارش خبرگزاری حکومتی فارس(۳شهریور۸۶) مرور کنیم: «جوان ۳۰ ساله‌یی که به‌دلیل یک سوءتفاهم، اقدام به‌قتل دوستش کرده است، با پشت سر گذاشتن مراحل قضایی به‌زودی به‌دار مجازات آویخته می‌شود» اتهام این جوان قتل است. او در سال ۸۴ پس از کشف یک جسد دستگیر شده و «پس از بررسیهای صورت گرفته و انجام تحقیقات قضایی، مشخص می‌شود که مقتول به‌نام اردشیر در خانه‌اش توسط یکی از دوستان خود به‌نام علی به‌قتل رسیده است». قاضی جنایتکاری که حکم اعدام را صادر کرده گفته است متهم مدتی پیش با همسرش اختلاف پیدا کرده و جدا شده‌اند. بعد از زبان علی نقل کرده است: « متهم ادعا می‌کند که روز حادثه، اردشیر با وی تماس گرفته و پیشنهاد می‌دهد که برای حل اختلاف با همسرش به‌خانه او برود، علی نیز با این سوءتفاهم که همسرش قصد دارد با همدستی اردشیر وی را به‌خانه مقتول کشانده و دستگیرش کنند، به‌محض رسیدن به‌خانه اردشیر با ضربات چاقو او را از پای درآورده و متواری می شود»

به پرونده یکی دیگر از منتظران به مرگ به نقل از خبرگزاری حکومتی ایسنا دقت کنیم. این خبرگزاری در روز ۴شهریور۸۶ گزارش داد: «قاضی شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به‌اتفاق، متهم به‌قتل در جریان سرقت از یک بانک را به‌قصاص محکوم کردند» متهم جوان ۲۲ساله‌یی است به نام حمید. «با سواد و فاقد سابقه کیفری» و «به‌مباشرت در قتل عمدی فریدون با سلاح گرم» متهم است. او «پس از اتمام خدمت سربازی با تهیه یک قبضه سلاح گرم و سرقت یک دستگاه موتور سیکلت با تهدید سلاح به‌قصد سرقت وجوه بانکی وارد بانک می‌شود و با تهدید رئیس، کارکنان بانک و مراجعان اقدام به‌سرقت مبالغی وجه کرده که با دخالت کارمند بانک و مقتول، متهم اقدام به‌شلیک کرده که با همکاری مردم دستگیر می‌شود». در این میان قتل چگونه رخ داده است معلوم نیست. اما از نظر جانورانی مانند «قاضی شعبه۷۱ دادگاه کیفری استان تهران» اصلا مهم نیست. مگر این به اصطلاح قاضیان ولو یکبار از خود سؤال کرده‌اند که به چه دلیل یک جوان ۲۲ساله «باسواد و بدون سابقه کیفری» باید برود سلاح تهیه کند و شروع به بانک‌زنی کند؟ نه و نه و نه... برای حضرات حتی گربه‌ها و لابه‌های حمید هم مهم نیست که « اظهار داشته بود از روی قصد مرتکب قتل نشده و از اولیای دم تقاضا دارد اگر امکان دارد او را ببخشند».

فریاد دردمندانه ویکتور هوگو علیه اعدام در گوشهای انسانها طنین دارد و وجدانها را بیدا می کند که: «بنگرید، تأمل کنید و بیندیشید! آیا گمان دارید درس عبرت است اعدام؟ چرا؟ به خاطر آن چه می‌آموزد؟ مگر چه می‌آموزد با این درس عبرت؟ این را که نباید کشت؟ نباید کشت را چگونه می‌آموزید؟ با کشتن؟» (همان منبع سابق) اما بی‌شک این فریادها به گوش قاضیان و حکّام شرع و فقیهان حکومتی نخواهد رفت. زیرا که مخاطبان ویکتور هوگو انسانهای دردمند بوده‌اند. و حاکمان ضدبشر او را محکوم به قصاص چشم چپ کند و : «رأی صادره پس از تائید دیوان عالی کشور با نظارت پزشکی قانونی به مرحله اجرا در می‌آید».(روزنامه خراسان ۵تیر۸۵) و یا مانند «رحیم ـ ح» و «صباح ـ م» در اهواز «به اتهام سرقت مسلحانه احشام» «محکوم به قطع دست راست و پای چپ و ۱۰سال زندان شدند».(خبرگزاری حکومتی فارس ۵دی۸۵)

عکسهای فوری و اخبار کوتاه ادامه دارد. لحظات به سنگینی می گذرند. شب به روز و روز به شب دوخته می‌شود. و لحظه به لحظه منتظران مرگ با تلخی تمام و اضطرابی کشنده آخرین روزهای نامعلوم زندگی خود را سپری می‌کنند. عکسهای فوری ما از این لحظات بسیار تیره و تار است. ما نیز، دوربین به دست، با منتظران لحظه شماری می‌کنیم تا خبری از گوشه‌یی در رسد و با اشک و آه آخرین لحظات زندگی یک انسان را تصویر کنیم. تلخ است و پردرد. اما سند است. سند ننگین حاکمیت آخوندها. سند بربریت یک ارتجاع هار که در یک نابهنگامی تاریخی به قدرت رسیده و با تکیه به خونهای ریخته شده برای آزادی به مثله کردن روزانه آزادی برخاسته است. این وحشیگری افسار گسیخته از مشخصه‌های دوران پایانی این حاکمیت خونریز است و اتفاقاً قانع کننده‌ترین دلیل میزان این همه توحش و قساوت.

آخرین نگاهها و در واپسین نفسها:

عاقبت اول شهریور۸۶ از اصفهان خبر می‌رسد. یک نشریه حقوق بشری اینترنتی خبر می‌دهد: «از ساعت حدود ۵بعد از ظهر تا حدود ۵/۳۰- ۹ شب یک ماشین وانت تویوتا متعلق به نیروی انتظامی در قسمت بار ماشین دو پسر جوان حدود ۲۵ ساله که مشخص بود آنهانمی‌توانند افراد شروری باشند قرار داده بودند و دستبند و پابند آنها را به گونه‌یی زده بودند که علاوه بر این که مأموران اجازه نشستن به آنها را نمی‌دادند بلکه به خاطر غل و زنجیر کردن آنها، نه امکان فرار و نه امکان نشستن جوانان میسر نبود و چندین موتور نیروی انتظامی و ماشین بنز نیروی انتظامی در جلو و عقب ماشین حامل ۲جوان دستگیر شده به همراه تعداد زیادی از موتور سوران بسیجی که با سوت زدن به تشویق مأموران و دادگستری و عاملان این جنایت مشغول بودند در خیابانهایی که محل تفریح! جوانان در پنجشنبه‌ها است خیابانهایی چون نظر شرقی و غربی، میر، چهارباغ بالا و پائین اصفهان می‌گرداندند و در بلندگوها به کرات اعلام می‌کردند مردم این سرنوشت بی‌بند و باری است توجه کنید این سرنوشت بی‌بند و باری و عیاشی است. این جوانان به اتهام روابط نامشروع با دختران و به جرم ارادل و اوباشی فردا صبح ساعت ۸ صبح در فلکه دروازه شیراز اصفهان (یکی از میادین اصلی شهر) به دار عدالت آویخته خواهند شد.

و این نمونه جدیدی است از رذالت و شقاوت. تا به حال هرچه شنیده بودیم محکومی را، معمولاً صبح، به محلی می‌بردند و به دار می‌آویختند. اما مأموران ترور و ایجاد وحشت و رعب به این حد از قساوت بسنده نمی‌کنند. بلکه محکومان خود را روز قبل، آن هم با چنان وضع رقت‌انگیزی، به خیابانها می‌کشانند و آنها را پای در غل و زنجیر به مردم نشان می‌دهند و برای نمایش نهوع‌برانگیز خود میاندازی می‌کنند. هم از این رو است آنان که می‌روند با روئی شاد و آنان که می‌مانند با چشمی پراشک ناظران اندوگین صحنه هستند: « شاهدان می‌گفتند گو چه دو جوان ناراحتی در چشم آنها دیدن نمی‌شود اما در خیابانها که محل رفت و آمد عموم مردم است به خصوص در چنین روز شلوغی بارها زنان و مردان گریه افتادند و چندین تن از افراد مسن حا لشان بد شد و توسط مردم از آن محل دور شدند»

اما عاقبت خبر از کرج می رسد. این بار قربانیان در ملاءام در فردیس و حصارک کرج به دار آویخته می‌شوند. گزارش این مطلب را از روزنامه اعتماد ۲۵خرداد۸۶ عیناً می‌خوانیم: «ساعت ٦صبح وقتی بنزهای الگانس پلیس با سرعت فلکه پنجم فردیس را محاصره کردند، سربازان روی داربست از قبل آماده شده طناب دار را حلقه زدند تا مرد ۴۰ساله‌یی که متهم به قاچاق مواد مخدر بود به دار آویخته شود درست زمانی که همه چیز برای اجرای حکم آماده بود، ۲ زن ناله‌کنان به محل آمدند و خواستار توقف اجرای حکم اعدام شدند. این دو که خواهر و مادر مرد اعدامی بودند، مویه‌کنان اصرار می‌کردند که مرد محکوم به مرگ بی‌گناه است، اما آنها بلافاصله توسط مأموران پلیس از محل دور شدند عقربه‌های ساعت ٦/۳۰صبح را نشان می‌داد که به دستور دادستان فرهادی -دادستان کرج مردی پشت بلندگو قرار گرفت و سربازان مرد اعدامی که لباس یکدست سفید بر تن داشت را روی چهارپایه قرار دادند. در این حال مرد اعدامی خطاب به مسئولان گفت، من نمی‌خواهم بمیرم و این مرگ حق من نیست. او گفت؛ مقصران افراد دیگری هستند و عده‌یی وجود دارند که برای اعدام از من مستحق‌تر هستند. او در حالی که به مردم لبخند می‌زد، گفت؛ یگذارید برای آخرین بار مادر و خواهرم را ببینم و آنها شاهد به دار آویخته‌شدن من باشند. از مادر و خواهرم می‌خواهم که ناراحت نباشند و گریه نکنند. سرباز جوان چهارپایه را از زیر پای او پرت کرد و عقربه عمر مرد اعدامی روی ٦/۳۵ برای همیشه متوقف شد و کفنهایش یک به یک از پای او افتاد.

بقیه در صفحه۹

عکسهای فوری، خبـــرهای کوتاه

به مناسبت ۱۰اکتبر، روز جهانی علیـــه اعـــدام

صحنه به قدری تکاندهنده است که حتی خواندنش نیز انسان را دچار کابوس می‌کند. اما در جمهوری جنایت آخوندی، بی‌وقفه و بی‌امان، با رگباری از جنایت مواجهیم. رگبار خونینی که امان نمی‌دهد حتی تخیلمان را مرور کنیم. می‌خواهند ذهن و قلب و عاطفه‌های همگانی مردم معتاد جنایت شوند. هم از این رو بلافاصله بعد از یک ساعت جنایت تکاندهنده دیگری در همان نقطه تکرار می‌شود: «عقربه‌های ساعت که به ۷/۳۰ رسید، دومین طناب دار روی داریست حلقه زد تا دومین قاچاقچی آخرین لحظات عمرش را سپری کند. مرد لاغر اندام تحت‌اللحفظ مأموران و در میان چشمان بهت‌زده مردم و گریه‌های زنی که گفته می‌شد همسر او است، به سمت طناب دار هدایت شد او چند ثانیه‌یی در برابر رئیس دادگاه انقلاب توقف کرد و گفت: سران باند ما هنوز اعدام نشدند و در زندان هستند. سپس آصف حسینی رئیس دادگاه انقلاب از مرد اعدامی خواست تا آخرین حرفهایش را بگوید و سپس برای آخرین بار از او خواست نام پنج نفر از قاچاقچیان را که می‌شناسد بگوید و آنها را معرفی کند. اما این مرد سکوت کرد. سپس مردان نقاب‌پوش، روی داریست و دو طرف طناب دار ایستادند و مرد اعدامی در حالی که عکس فرزندانش را در دست داشت به سمت طناب دار رفت و با دستان خودش طناب را دور گردنش انداخت. در حالی که مردان نقاب پوش، چهار پایه را از زیر پای صفدر کشیدند او از طناب آویزان شد، ناگهان دستانش را به سوی طناب برد تا خود را نجات دهد، تلاش صفدر و نفسهای محکمش مانع مرگ زود هنگام او شد و در حالی که بی‌حال شده بود، مأموران بار دیگر او را بالا گرفتند و طناب را محکم کردند و عقربه‌های زندگی او روی ساعت ۷/۴۵ متوقف شد».

صفدر یک قاچاقچی بود. ولی در حرفهای آخرینش اشاره‌هایی به ناگفته‌های بسیاری کرد که گویای خیلی مسائل دیگر است.او به صراحت می‌گوید: «سران باند هنوز اعدام نشده‌اند» یعنی که مسأله اعدام قاچاقچی نیست. ذکاوت زیادی نمی‌خواهد تا بدانیم سران باند پولدارهایی هستند که متغول معامله هستند. ریش و سبیل آخوندها را، که شریکان اصلی و رؤسای واقعی باند هستند، چرب می‌کنند و بعد مهربی بی‌مقدار و حقیر مانند صفدر قربانی می‌شود. با وجود این صفدر برخورد جوانمردانه‌یی با قربانیان مانند خودش دارد. در برابر خواست رئیس دادگاه به اصطلاح انقلاب مبنی بر افشای نام «نفر دیگر» می‌ایستد و سکوت می‌کند و مرگ را می‌پذیرد. زیرا که می‌داند « سران باند ما هنوز اعدام نشدند و در زندان هستند». پس اگر صفدر کسی را لو بدهد از «سران» نیست. از مهره‌های بی‌ارزشی مانند خود او است که حتماً اعدام خواهند شد. و صفدر با شم غریزی خودش این را خوب می‌فهمد و به دوستانش خیانت نمی‌کند. صفدر از جمله نادر افرادی است که در دقایقی قبل از مرگ اجازه می‌یابد با خبرنگاری صحبت کند. خبرنگاری که دست پرورده دستگاه سرکوب آخوندها است و حتی در آخرین لحظات زندگی یک قربانی مفلوک ول کن او نیست و بدتر از قاضی و حاکم شرع و مأمور دار او را بازجویی می‌کند: «صفدر دقایقی قبل از مرگ در گفت وگویی کوتاه به سوالات خبرنگار ما پاسخ داد.

_چند بچه داری؟

_ دو دختر کوچک دارم. از قاضی خواستم به خاطر دخترانم مرا اعدام نکند

_خودت می‌دانی با موادی که پخش کردی چند جوان را نابود کردی؟

_من خودم قربانی سردسته‌ها شدم، می‌دانم کار درستی نکردم.

_اکنون چه احساسی داری؟

_نگران و پشیمان هستم

_ چرا نام چند قاچاقچی را در این آخرین لحظات نگفتی؟

(متهم در برابر این سوال سکوت کرد.)»

این سکوت هزار و یک معنا دارد. تفی است به صورت هرچه آخوند مرتجع و دمدمش، و لعتی است به حاکمانی که خود هزار هزار مردم بی‌گناه را در میدانهای مین و جنگ به کشتن می‌دهند و یا در سیاهچالها و در زیر شکنجه و داغ و درفش به شهادت می‌رسانند و با قربانیان نظام پلید خود را یک به یک به دار می‌آویزند. و بی هیچ عاطفه انسانی آنها را نظاره می‌کنند.

خبر زیر را بخوانیم نکات قابل توجهی در این خبر کوتاه وجود دارد. خبرگزاری حکومتی ایسنا(۳۰مرداد۸۶) گزارش داده است: «به هنگام اجرای حکم قصاص در شهرستان اهر به محض کشیده شدن چهارپایه از زیر پای محکوم توسط پدر و مادر مقتول، بر اثر پاره شدن طناب دار، وی از بالای دار به زمین سقوط و از ناحیی سر و کمر مصدوم شد و به حالت اغما رفت.

صحنه به اندازه کافی فجیع هست که نیازی به توضیح نداشته باشد. قربانی را به قربانگاه آورده‌اند. اما تنها این قربانی را نباید کشت. باید بذر کینه و نفرت در جامعه کاشت. باید طوری عمل کرد که حتی پس از مرگ نیز خانواده قاتل و مقتول برای همیشه دشمن یکدیگر باقی باشند و در کین و کین کشی روزها و سالهای آینده خود را سباعتر کنند. برای همین این بار دیگر نقاب‌پوشان چارپایه را از زیر پای قربانی نمی‌کشند. این «پدر و مادر مقتول» هستند که دستشان را به خون قربانی دیگری آلوده می‌کنند. و بعد به عکس تیره این جنایت را نگاه کنید که طناب دار پاره می‌شود و قربانی چنان به زمین می‌خورد که « از ناحیی سر و کمر مصدوم» می‌شود و از درد و ترس «به حالت اغما» می‌رود. اما برای این که مبادا کسی تقصیری را متوجه گزمه‌ها و شحنه‌ها و میرغضبهای نظام آخوندی ببیند خبرگزاری حکومتی خیال همه را راحت می‌کند که «با بررسی طناب دار توسط مسئولان حاضر در صحنه اجرای حکم، مشخص شد طناب نو بوده و هیچ ایرادی نداشته است».

چه گزمگان و میرغضبها و جلادان مهربانی! چه تیزدندانهای رئوف و عطوفی! برای دار زدن هم حتی سعی می‌کنند «طناب نو» و بدون «هیچ ایرادی» تهیه کنند! و آه از این همه وقاحت که در انبان آخوندها است. و نه این که فکر شود آنها فقط در صدد به دار آویختن هستند. آنها درس ریا و عوامفریبی و موج سواری را در مکتب امام دجالشان به خوبی آموخته‌اند. یا پدر و مادر مقتول را به پای دار می‌آورند و اگر احیاناً آنها حاضر نشدند جنایت را با جنایت بشویند و رضایت دهند این بار هم آخوندها هستند که سوار موج می‌شوند و اندر فواید عفو و بخشش بر قصاص داد سخن می‌دهند. کما این که در مورد قاتل «دلفان»ی رخ داد. او در سال۷۵ فردی را به قتل رساند و از آن زمان در انتظار صدور حکم و اجرای مراسم به دار آویختن لحظه شماری کرده بود. قرار بود در میدان خمینی شهر نورآباد به دار آویخته شود. اما «رضایت اولیای دم جلب و حکم لغو شد». حالا رئیس دادگستری آخوندها هم را جلو می‌اندازد و با اشاره به این که: «ایرنا با اشاره به این حکم خواهند شد... (روزنامه اعتماد (۵شهریور۸۳)

و به راستی چرا این سلسله شقاوت و درنده خویی پایانی ندارد؟ و هرروز برگی سیاه به این پرونده ننگین قضدبزی افزوده می‌شود؟ یک سیاستمدار آگاه وقتی فیلم ویدئوئی یکی از این اعدامها را دیده بود در عین حال که از شقاوت نهفته در آن شوکه شده بود و به نکتهی مهم اشاره کرد. او گفت این وحشیگریها هیچ پیامی جز ضعف رژیم ندارد. و این واقعیتی است که هیچ حکومتی اگر پایه مردمی داشته باشد و از قوام و دوام کافی برخوردار باشد نیازی به این حد از توحش به خصوص از نوع نمایش خیابانی آن ندارد. تنها و تنها حکومتهایی که در ضعف مطلق قرار دارند برای ایجاد وحشت و رعب بین مردم و برای تحکیم حاکمیت لرزان خود، در واپسین سالها و روزهای حاکمیت خود ناگزیر از تشدید این قساوتها هستند. هم از این رو در پس هر اعدام خیابانی و یا انتشار خبر اعدام در محوطه زندان، در حاکمیت آخوندها یک پیام سیاسی وجود دارد. پیامی که می‌خواهد تأکید کند مبارزه فایده ندارد. با کوچکترین تخلفی خوین تدارک دیده‌اند. با کارده‌ای خونین، دشنه‌هایی تیز و شلاقهایی سنگین و دارهایی افراشته و گلوله‌هایی بی‌محابا، با ساطور و کنده، و میرغضب و پاسدار و حاکم شرع، با انبانی از توجیه و فریب و دغا و دغل. آنها می‌خواهند در گوش ما فرو کنند که حکومتی هستند قدر قدرت و قاهر که گوشتان به هیچ اعتراضی باز نیست. هرکاری هیچ حکومتی اگر پایه مردمی داشته باشد و از قوام و دوام کافی برخوردار باشد نیازی به این حد از توحش به خصوص از نوع نمایش خیابانی آن ندارد. تنها و تنها حکومتهایی که در ضعف مطلق قرار دارند برای ایجاد وحشت و رعب بین مردم و برای تحکیم حاکمیت لرزان خود، در واپسین سالها و روزهای حاکمیت خود ناگزیر از تشدید این قساوتها هستند. هم از این رو در پس هر اعدام خیابانی و یا انتشار خبر اعدام در محوطه زندان، در حاکمیت آخوندها یک پیام سیاسی وجود دارد. پیامی که می‌خواهد تأکید کند مبارزه فایده ندارد.

هیچ حکومتی اگر پایه مردمی داشته باشد و از قوام و دوام کافی برخوردار باشد نیازی به این حد از توحش به خصوص از نوع نمایش خیابانی آن ندارد. تنها و تنها حکومتهایی که در ضعف مطلق قرار دارند برای ایجاد وحشت و رعب بین مردم و برای تحکیم حاکمیت لرزان خود، در واپسین سالها و روزهای حاکمیت خود ناگزیر از تشدید این قساوتها هستند. هم از این نوع نمایش خیابانی آن ندارد. تنها و تنها حکومتهایی که در ضعف مطلق قرار دارند برای ایجاد وحشت و رعب بین مردم و برای تحکیم حاکمیت خود ناگزیر از تشدید این قساوتها هستند. هم از این رو در پس هر اعدام خیابانی و یا انتشار خبر اعدام در محوطه زندان، در حاکمیت آخوندها یک پیام سیاسی وجود دارد. پیامی که می‌خواهد تأکید کند مبارزه فایده ندارد.

آنها می‌خواهند در گوش ما فرو کنند که حکومتی هستند قدر قدرت و قاهر که گوشتان به هیچ اعتراضی باز نیست. هرکاری بخواهند می‌کنند و هیچ کس توان رو یا روئی با آن را ندارد. حکومتی چنان پر اقتدار که به هیچ یک از اعتراضات بین‌المللی هم توجهی ندارد و برای هیچ یک از محکومیتهای خود پشیزی ارزش قائل نیست.

در گذشته‌ها نه چندان دور این پیشتازان مجاهد و مبارز مردم، این کاشفان فروتن شوکرانها بودند که در جستجوی شادی با چشمانی بسته «در برابر تندر» می‌ایستادند « خانه را با روشن» می‌کردند و می‌رفتند. و اکنون این مجید و حسین کاووسی‌ها هستند که پرده‌های ترس از مرگ را می‌درند و بعد از مجازات قاضی جلاد با سربلند و لبخندی فراموش‌ناپذیر به استقبال مرگ می‌شتابند. این لبخندها که تصاویرشان را در این به دار آویختنها مشاهده می‌کنید قبل از هرچیز نفی است به ریش آخوندهایی که می‌خواهند با مرگ جامعه‌یی را بترسانند. لبخند مجید کاووسی‌ها شکست این توطئه است و پیامی دارد که لرزه مرگ بر تن آخوندها را بیشتر و بیشتر می‌کند.

پس هر اعدام خیابانی و یا انتشار خبر اعدام در محوطه زندان، در حاکمیت آخوندها یک پیام سیاسی وجود دارد. پیامی که می‌خواهد تأکید کند مبارزه فایده ندارد. با کوچکترین تخلفی قاضیان صفاک و پاسداران درنده و آخوندهای بی‌رحم در انتظار ما نشسته‌اند و برایمان ضیافتی خونین تدارک دیده‌اند. با کاردهای خونین، دشنه‌هایی تیز و شلاقهایی سنگین و دارهایی افراشته و گلوله‌هایی بی‌محابا، با ساطور و کنده، و میرغضب و پاسدار و حاکم شرع، با انبانی از توجیه و فریب و دغا و دغل. آنها می‌خواهند در گوش ما فرو کنند که حکومتی هستند قدر قدرت و قاهر که گوشتان به هیچ اعتراضی باز نیست. هرکاری بخواهند می‌کنند و هیچ کس توان رو یا رویی با آن را ندارد. حکومتی چنان پر اقتدار که به هیچ یک از اعتراضات بین‌المللی هم توجهی ندارد و برای هیچ یک از محکومیتهای خود پشیزی ارزش قائل نیست.

مجید کاووسی‌ها شکست این توطئه است و پیامی دارد که لرزه مرگ بر تن آخوندها را بیشتر و بیشتر می‌کند. ترس از مرگ به صورتی اجتماعی از بین جوانان و مردم عادی کوچه و بازار رخت بربسته و آنان با دلاوری به استقبال مرگی که آخوندها برایشان رقم زده‌اند می‌شتابند. البته این مقدور نبود جز این که پیشتازان قهرمان این خلق ۳۰هزار، ۳۰هزار در سیاهچالهای رژیم بدون نام و نشان به دار آویخته می‌شدند تا کابوس ترس از مرگ از جامعه رخت بربندد. هرچند در این مورد بسیار می‌توان نوشت اما به یک نمونه از آخرین آنها بپردازیم:

اندکی درباره یک پرونده:

در ۱۱شهریور ماه گذشته جوانی به نام « امیر حسین روح‌افزا » را در قرچک ورامین به دار آویختند. این جوان در ۲۹تیر گذشته رئیس شعبه ۱۰۳ به اصطلاح دادگاه عمومی قرچک ورامین، به نام جعفرپور، را به قتل رسانده بود. این پرونده کمتر از دو ماه تعیین تکلیف شده و حکم به اجرا در آمد. مطبوعات رژیم نوشتند: «این حکم به‌صورت فوق العاده در دیوان رسیدگی و تأیید شده» و «رئیس قوه قضائیه نیز اجازه اجرای حکم را صادر کرد» (روزنامه اعتماد ۵شهریور۸۶) هرچند سرعت رسیدگی به این پرونده خود نشان از میزان دستپاچگی رژیم دارد ولی محتوای پرونده، تا آن جا که در مطبوعات حدود رژیم هم منعکس شده، بسیار عبرت انگیز است.

مطبوعات رژیم به صورتی جسته و گریخته از جریان و علت قتل امیرحسین نوشته‌اند، خود امیرحسین گفته است: «یکی از دوستانم به نام مصطفی، سال۸۴ به اتهام قتل نابُردی‌اش دستگیر و روانه زندان خورین ورامین شده بود. می‌خواستم به ملاقات او بروم تا شاید بتوانم راهی برای آزادی‌اش پیدا کنم. وقتی به زندان مراجعه کردم ، مسئولان زندان این اجازه را به من ندادند و بیان کردند باید برای این کار نامه قضایی دریافت کنم. بنابراین نزد قاضی جعفرپور (مقتول) رفتم ، اما او خواسته‌ام را نپذیرفت. (روزنامه اینترنتی روز ۱۲شهریور۸۶). برای روشن تر شدن موضوع بهتر دیدم بروم ببینم «مصطفی و مادرش» کیست‌اند؟

امیرحسین از طریق مادرش با مادر مصطفی آشنا شده است. مادر مصطفی که اکنون به اتهام معاونت قتل بازداشت شده خود را چنین معرفی کرده است: «من ۳ بار ازدواج کردم و سختیهای زیادی کشیدم. در کودکی به خاطر فقر مالی خانواده‌ام» «وهای سرم را تراشیدم و با ظاهری پسرانه در یک آهنگری مشغول کار شدم. سپس در یک کفاشی مشغول شدم و بعد هم گدایی کردم. شوهر سومم از من ۳۰سال کوچکتر بود و مدام کتکم می‌زد. به همین خاطر پسرم یک شب با عصبانیت به سراغش رفت و او را کشت. بعد هم قاضی دادگاه قرچک او را مجرم شناخت و از سوی دادگاه کیفری استان تهران به ۸ سال زندان و پرداخت دیه به صغیر محکوم شد» (روزنامه ایران ۱۱مرداد۸۶) امیرحسین در جای دیگری گفته است: «با مادر مصطفی آشنا شدم و وقتی فهمیدم پسرش در زندان است و باید دیه پرداخت کند تا آزاد شود، دلم به حال آنها سوخت و تصمیم گرفتم برای آنها کاری کنم تا از این بلاتکلیفی نجات یابند» و در جای دیگری گفته است: «من در تلاش بودم از اولیای دم رضایت بگیرم تا مصطفی آزاد شود. در همین راستا تصمیم گرفتم با قاضی جعفرپور صحبت کنم تا بمن اجازه ملاقات بدهد مصطفی را ببینم، اما او اجازه نداد و گفت اجازه ملاقات هیچ ربطی به‌وی نداشت» که دیری نمی گذرد که این رؤیای آخوندی در هم می‌شکند. و درست برخلاف برنامه و توطئه‌های آنها این خشونت و بربریت پادزهر خود را در جامعه تولید می‌کند. ترس از مرگ و حلقه دار فرو می‌ریزد و در یک مرحله این محکومان هستند که با لبخندی تحسین برانگیز به استقبال مرگ می‌شتابند. در گفتنه‌های نه چندان دور این پیشتازان مجاهد و مبارز مردم، این کاشفان فروتن شوکرانها بودند که در جستجوی شادی با چشمانی بسته «در برابر تندر» می‌ایستادند « خانه را با روشن» می‌کردند و می‌رفتند. و اکنون این مجید و حسین کاووسی‌ها هستند که پرده‌های ترس از مرگ را می‌درند و بعد از مجازات قاضی جلاد با سربلند و لبخندی فراموش‌ناپذیر به استقبال مرگ می‌شتابند. این لبخندها که تصاویرشان را در این به دار آویختنها مشاهده می‌کنید قبل از هرچیز نفی است به ریش آخوندهایی که می‌خواهند با مرگ جامعه‌یی را بترسانند. لبخند مجید کاووسی‌ها شکست این توطئه است و پیامی دارد که لرزه مرگ بر تن آخوندها را بیشتر و بیشتر می‌کند.

ندارد. در آن روز اما چیزی در گوشم زمزمه می‌کرد که باید فرد ستمگری را بکشم، چندین بار نیز فال گرفتم و بالاخره مصمم شدم قاضی جعفرپور را بکشم.» (روزنامه حکومتی اعتماد- ۵شهریور۸۶)

در ادامه چنین روندی است که امیرحسین بالاخره تصمیم خود را می‌گیرد: «۳ هفته قبل تصمیم به قتل گرفتم و چاقویی را که ۳ سال قبل خریداری کرده بودم، برداشتم. ساعت ۷ و ۳۰دقیقه روز جمعه از دیوار ضلع جنوبی دادگستری خود را به محوطه داخلی رساندم و قمه را داخل دستشویی جاسازی کردم. از پنجره بیرون رفتم و صبح روز بعد به عنوان «مراجعه کننده» وارد ساختمان دادگستری شدم. تا ساعت۱۱ صبح مقابل دستشویی منتظر ماندم تا این که یکی از کارمندان برای گرفتن وضو داخل رفت. من هم از فرصت استفاده کرده و قمه را داخل لباسم جاسازی کردم. سپس به سراغ قاضی رفتم و از او خواستم تا به من اجازه دهد به ملاقات حضوری دوست جوانم بروم که به خاطر قتل عمد نابُردی‌اش در زندان خورین به سر می‌برد، اما قاضی مخالفت کرد و تقاضای مرا غیرقانونی دانست. من هم در فرصتی مناسب با کارد به سوی او حمله کردم.(روزنامه ایران ۵مرداد۸۶)

روزنامه حکومتی اعتماد (۵شهریور۸۶) از حرفهای امیرحسین نقل کرده است: «او دستم را گرفت و فریاد زد تا مأموران آمدند» اما بعد از دستگیری هم امیرحسین، به ندایی که در خود شنیده بود که «باید فرد ستمگری را بکشد» وفادار می‌ماند و می‌گوید:«از کرده خود پشیمان نیستم و هرچه فکر می‌کنم باز هم باین نتیجه می‌رسم که باید این کار را می‌کردم».

قاضی جعفرپور هم عنصر دیگری است که در روزنامه‌ها به عنوان «یکی از قضات عادل و باصلابت بود که همواره در اجرای عدالت» معرفی شده است. او «مدتی را در حوزه علمیه امیرالمؤمنین در تهران گذراند، سپس برای ادامه تحصیل به شهر قم رفت. وی در سال ۷۹ جذب قوه قضائیه شده. (روزنامه ایران ۱۱مرداد۸۶)

به این ترتیب تا اندازه زیادی بازیگران این تراژدی شناخته می‌شوند:

جوانی به نام مصطفی وجود دارد که به خاطر پشتیبانی از مادر دردمندش دست به قتل زده و به ۸سال زندان محکوم شده است. مادر زنی محروم است که هیچ پشت و پناهی هم نداشته و دستگیری او به اتهام معاونت قتل یک کینه‌کشی رذیلانه است. به نوشته روزنامه مردم سالاری(۵شهریور۸۶) قاضی دادگاه امیرحسین از او می‌پرسد: «چه کسی تو را در این جنایت تحریک کرد؟» و امیرحسین پاسخ می‌دهد: «هیچ کس. من فقط به ندای دلم گوش دادم».

از سوی دیگر قاضی جعفرپور «عادل و با صلابت» نیز جلادی خشن و بیرحم بوده است.

در این میان امیرحسین تحت تأثیر وضعیت فلاکتبار مادر دوستش و فقط برای کمک به او شروع به فعالیت می‌کند. اما به نتیجه نمی‌رسد. و بالاخره پس از همه تلاشها و سرخوردگیهایش «ندای دل»ش به او می‌گوید: «باید فرد ستمگری را بکشد».

بهترین نشانه صدق امیرحسین در آخرین لحظه زندگی او بارز می‌شود. قاضی که طناب دار را در یک قدمی خود می‌یابد بدون ترس از مرگ و با سری افراشته به همه توطئه‌هایی که آخوندها پرزخند تمسخر می‌زند. آخرین صحنه از او به آویختن امیرحسین، بسیار تکاندهنده است. در یک سو امیرحسین قرار دارد و در سوی دیگر لشکر جرار مشتی آدمکش و وحشی که ترس تمام وجودشان را گرفته است یکی از روزنامه‌های حکومتی نوشته است: « ساعت ۷ و ۳۵دقیقه روز گذشته در حالی که حسین عبدالنژاد دادستان رئیس اطلاعات و سرهنگ قاسم خان فرمانده انتظامی ورامین در محل اجرای حکم حاضر بودند پس از خوانده شدن حکم از سوی شیخی نماینده شعبه ۷۱ دادگاه کیفری طناب دار برگردن قاتل قاضی جواد جعفرپور افتاد.

حاشیه‌های اجرای حکم

۱- از صبح زود عده زیادی از مردم قرچک ورامین برای مشاهده اجرای حکم در محل حاضر بودند.

۲- امیر حسین روح افزا عامل ترور قاضی جعفرپور ساعت۶ و ۴۵دقیقه دیروز در حالی به محل اجرای حکم آورده شد که از سوی مأموران تدابیر شدید امنیتی لحاظ شده بود.

۳- قبل از اجرای حکم در حالی که متهم درخواست عفو وبخشش از خانواده قاضی جعفرپور نکرد، قاضی جابری برای وی تقاضای عفو وگذشت کرد که به شدت رد شد.

۴- روح افزا قبل از اجرای حکم گفت که وصیت خاصی ندارد اما از خانواده‌اش خواست همان اموال کمی را که دارد به فقرا و نیازمندان ببخشند!

۵- متهم از یکی از کارکنان دادگاه قرچک تقاضا کرد تا آیه ۸۷سوره مبارکه یوسف برای او خوانده شود!» (روزنامه جوان ۱۲ شهریور ۱۳۸۶)

در پایان بازخوانی کوتاه و ناقص پرونده امیرحسین بد نیست به یک نکته اشاره کنیم و به سؤالی پاسخ دهیم. می‌دانیم که یوسف پیامبر سمبل پاکی و بیگناهی است و قربانی ناجوانمردی و توطئهٔ «برادران» خود شده است. آیه۸۷سوره یوسف در قرآن کریم آیه‌یی است که یعقوب نبی به فرزندانش توصیه می‌کند به جستجوی یوسف و برادرش بپردازند. و به آنها سفارش می‌کند از رحمت خداوند مأیوس نشوند که جز کافران از آن ناامید نیستند. به راستی پیام امیرحسین در آخرین لحظه زندگی خود چه چیزی است؟ جز امید و مگر نه این است که امید تمام آن چیزی است که آخوندها با نمایشهای خیابانی خود می‌خواهند از ما بگیرند؟

و تمام داستان ما، همه ما که در آرزوی فردایی بدون شکنجه و اعدام هستیم همین است و بس

آرزوی **«ایرانی بدون شکنجه و اعدام»**(مریم رجوی).

دارها، در دارها، در دارها

کاظم مصطفوی

دیوارهای پیر
با دندانهایی از آجر
یک در میان ریخته و بویناک
معنای لرز لب ، معنای ترس.

آجر به آجر
تک به تک
رج به رج
دیوار به دیوار نگاه بی‌تفاوت عابران.

سطرهای نانوشته در دیوار_ نوشته‌ها
با کلماتی لال در صداهای فروخفته
و کوچه ها گم در تکرار شیونهای خفه
دارها، به فریاد از فریادهای نهان.

دارها، در دارها، در دارها
در این عبور جنون
در این محله دار
در این خون گسیخته لجام.

از دیوار تا دار تا به ابد
تا ریزش مهیب ترس
تا عروج
تا جوانه ابر در آسمان ابی جوان.

درباره دینامیسم قرآن و دو نوع اسلام سراپا متضاد

سخنرانی مسعود رجوی در مراسم عید فطر سال ۱۳۷۶

اَللّهُمَّ اَهْلَ الْکِبریاء وَالعَظَمَة وَ اَهلَ الْجُود وَالجَبَرُوتُ وَاَهلَ العَفو وَالرَّحمَة وَاَهلَ التَّقوی وَالمَغفِرَة اَسئلُکَ بِحَقّ هذاالیَوم الَّذی جَعَلتَهُ لِلمُسلِمینَ عیداً وَ لِمُحَمَّد صَلّی اللهُ عَلیهِ وَ آلِه ذُخراً وَ شرفاً وَ کَرامَةً وَ مَزیداً اَن تُصَلّیَ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد وَ اَن تُدخِلَنی فی کُلِّ خَیر اَدخَلتَ فیهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّد وَ اَن تُخرِجَنی مِن کُلِّ سُوء اَخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّد صَلَّواتُکَ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ خَیرَ ما سَئَلَکَ بِهِ عِبادُکَ الصّالِحُونَ وَ اَعوذُ بِکَ مِمّااستَعاذَ مِنهُ عِبادُکَ المُخلَصُونَ

آخر دعای نماز عیدفطر به این جمله ختم می‌شود که «تو پناه می‌برم، و پناه می‌بریم از هرآنچه بندگان راهشده و خالص‌شده‌ات از آن به‌تو پناه برده‌اند. و قبل از آن می‌گوید که تا خارجم کنی از هرزشتی و پلیدی که دودمان و تبار سیاسی و عقیدتی پیامبر اکرم، پیامبر رحمت و رهایی را از آن خارج کردی.

در زمانه ما این «کل سوء» تمامیت زشتی و پلیدی، یک‌جا و یک‌کاسه در حاکمیت نامشروع آخوندی و رژیم خمینی گره خورده است. به‌همین دلیل امروز همه مجاهدان و همه رهروان و پیروان حقیقی اسلام محمدی، بالاترین و نخستین سوء، زشتی و پلیدی را حاکمیت آخوندی می‌دانند و در آرزوی سرنگونی و خروج از حاکمیت او هستند.

پس ابتدا بگذاریم، همچنان که در زیارت عاشورا خوانده‌ام باز هم اولین کلامم در روز عیدفطر بیزاری جستن از این رژیم و مزدوران و تحت‌امرها و دوستان و همدستانش باشد: برئت الی‌الله و الیکم منهم. و از آنها بیزاری می‌جویم به‌جانب خدا و به‌جانب شما (به‌جانب سیدالشهدا) منهم و من اشیاعهم و من اتباعهم از پیروانشان و از تحت‌امرهای حاکمیت آخوندی و از همه کسانی که دست در دست این رژیم دارند، بیزاری می‌جویم به‌جانب فطرت آزادی و رهایی و سمبلها و شاخصهای اعلایش.

اللهم اجعلنی عندک وجیها بالحسین علیه‌السلام بارخدایا ما را به‌واسطه حسین علیه‌السلام و نزدیکی به او و بیزاری از آخوندهای پلید دیفورمش، در نزد خودت آبرومند و سرفراز قرار بده. وان تدخلنی فی کل خیر و مرا وارد کن به‌تمامیت آن خیر و زیبایی و آرامشگاه که محمد و دودمان او را بدان وارد کرده‌ای. اما در رأس این خیر و زیبایی در تمامیتش همانا رستگاری و سرفرازی و رهایی و بگانگی همین رژیم و عیدفطر شاخص و بازگشتگاهی برای آن است.

راستی چه‌خیر و زیبایی بالاتر از پوشیدن لباس شرف و تقواست، البته تقوا به‌معنای تکاملی و راهیابش و ارتجاعی‌ستیز آن، نه مطابق تعاریف آخوندی. چه‌خیر و چه زیبایی بالاتر از لباس ارتش آزادی، لباس رزم و جهاد و لباس انقلاب مریم بر پیکر گوهرهای بی‌بدیل زنان. همچنان که چه سوء، زشتی و پلیدی بالاتر از آلودگی به‌هرچه خمینی و خمینی‌گرایی است و به همه کسانی که در خدمت رژیم هستند؛ اولیا، دوستداران و همدستان رژیم که تداوم و بقاء استحاله و آرایشگری همین رژیم را اراده کرده‌اند. این رژیم در تمامیتش زشتی و سوء، بزرگ‌زمانه است (کل‌سوء). درمقابل آن کل خیر است، کل زیبایی، کل رهایی و رستگاری که در یک کلام عبارت است از ارتش آزادی که در پرتو انقلاب مریم، که برای رساندن و نیل این ارتش به‌مقصد نهایتش صورت گرفت. برای ما مجاهدین که بیش‌از سده‌ها در دریای رنج و خون در دیکتاتوریهای شاه و شیخ شناور بوده‌ایم، تسیح و شنای ایدئولوژیکی کل‌شر و وعده‌های آن بسیار جاذب و پرمعناست. چرا که این «کل خیر» دربرابر آن کل‌شر و سوء قرار دارد: ذخراً و شرفاً و کراماً و مزیداً.

در تشیع و اسلام انقلابی و در اسلام مجاهدین، نخستین ویژگی پویایی و دینامیسم آن است. اسلام یک شریعت خشک و منجمد نیست.

اگر این دین سراپا دو هزارهای پیشین است، خوب دیگر چرا باید به آن چسبید؟ چون سنگسار اصلا مجازات اسلامی نیست. بسیاری از مجازاتهای آن روزگار ریشه در قوانین تلمود دارد یا مثل این‌یکی سوابقش به‌یهودیت برمی‌گردد. وانگهی، چطور است که آخوندها از آخرین دستاوردهای فنی، علمی و حرفه‌یی و تخصصی پایان قرن بیستم استفاده می‌کنند، اما جزائیات برای بقای خودش در حاکمیت به‌خدمت می‌گیرد و این‌طوری نیست که مثلا برای یک تهاجم نظامی دنبال اسب و استر بگردد. این‌طوری نیست که پیامهایش را فقط ازطریق منبر بدهد. بلکه علاوه‌بر منبر و همه وسایل سنتی، از ماهواره هم استفاده می‌کند. کمااین که از ماه گذشته برای مقابله با برنامه ماهواره‌یی سیمای مقاومت با یک بودجه و انرژی کلان برنامه جام‌جم را راه انداختند.

و زشتی هستند.

این‌روزها چنان‌که می‌دانید در سراسر دنیا خبرهای زیادی هست، در منطقه، در آمریکا، در ایران، اما در این‌میان موجی که نمایش فیلم سنگسار در کشورهای مختلف ایجاد کرده است، جای خاص خود را دارد. فیلمی که برای اولین‌بار صحنه سنگسار در داخل ایران را برای مردم دنیا برملا می‌کند. از دید خمینی و رژیمش و آخوندهای خمینی‌صفت و همه اضداد اسلام انقلابی و مردم‌گرا، اسلام یعنی همین! بگذارید که این سنگسار در مقایسه با شکنجه‌های مجاهدین و به‌خصوص زنان مجاهد خلق، چیزی نیست. ولی کیست که این فیلم را ببیند و در خود نپیچد و نخواهد از عمق جان و جگر فریاد بکشد. وای بر سنگدلان و سنگین‌دلان. این تازه چیزی است که رژیم در ملاءعام انجام می‌دهد. اما از شکنجه‌های مجاهدین در شکنجه‌گاههای رژیم که نمی‌شود فیلم برداشت. با این همه، همین فیلم سنگسار برای نشان‌دادن طینت این رژیم بلید به‌اندازه کافی گویا است.

یادتان هست روزی که خمینی با قاضی‌القضاتش پشت تصویب لایحه قصاص بودند، نشریه مجاهد آشکارا و با تیتر درشت آن را نه‌فقط ضداسلامی، بلکه یک «لایحه ضداسانی» معرفی کرد. در خرداد سال ۶۰، خمینی که سخت از این تیتر نشریه مجاهد گزیده شده بود در یکی از سخنرانیهایش تیغ بر کف، تکرار می‌کرد که به اسلام را ضداسانی خطاب می‌کنند. البته چون هنوز در آن ایام از مجاهدین چشم می‌زد، در سخنرانی از مجاهدین صریحاً اسم نبرد و به‌جای آن به‌مصداق به‌در می‌گویند که دیوار بشنود، به‌جیهه ملی آن‌روزگار اشاره کرد. اما نشریه مجاهد در سراسر ایران در ابعاد ۵۰۰ - ۶۰۰هزار نسخه، توزیع می‌شد و همه می‌دانستند که مجاهدین این لایحه را فراتر از ضداسلامی، «ضداسانی» می‌دانند. بله، به همین دلایل می‌گفتیم مرگ بر ارتجاع، و حالا جالب این است که بعداز انتخاب رئیس‌جمهور جدید ارتجاع، سنگسار و ترورسیم بیشتر شده که کمتر نشده است.

راستی که این آخوندها عجب موجودات رذل و پلیدی هستند. از یک‌طرف نان تشیع و باب اجتهاد را می‌خورند. ازطرف دیگر انگار نه‌انگار که احکام (و به‌خصوص حقوق جزا و جزائیات) مشمول همین اجتهاد است و دینامیسم دارد.

اصلا اجتهاد برای چیست؟ برای انطباق اصول و احکام با شرایط متغیر. تضمین کننده پویایی و دینامیسم اسلام و قرآن. و الا چه نیازی به باب اجتهاد و رساله و تقلید بود؟ اصول و احکام کلی و ثابت (مثل رکعتهای نماز و مبطلات آن) که از قبل مشخص بود و با اجتهاد چیز جدیدی به‌آنها اضافه نمی‌شود. اگر اجتهاد نبود، دیگر چه نیازی به تقلید در فروع و شرایط متغیر و مرجع تقلید بود؟ این همه در فضیلت سوره قدر گفته شده و این که حتی مستحب است به هنگام وضو گرفتن خوانده بشود، چون به‌اندازه‌گذاری و دینامیسم مربوط است، چون به گذار از مراحل کمی و رسیدن به جهش و رشد کیفی مربوط است، رمز ماندگاری و جوانی قرآن و اسلام انقلابی است. آخر یک اسلام فعال، پویا و زرمنده و انطباق‌یابنده (به‌مفهوم تکاملی آن) داریم و یک اسلام متحجر خشک ارتجاعی.

راستی شنیدم که امروز رئیس‌جمهور ارتجاع هم صحبت از تحجر و واپسگرایی می‌کند! ببینید که مجاهدین با مجاهدت و فداکاری خود کار را به‌کجا رسانده‌اند که برخلاف خمینی، که ما را از به‌کاربردن کلمه ارتجاع پرهیز می‌داد و می‌گفت «نگویید ارتجاع»، حالا «خطام»، زهرخورده و همان جرثومه‌های واپسگرایی و ارتجاع ناگزیر به بازی با این کلمات روی آورده‌اند تا قافیه را نبازند(۱).

در تشیع و اسلام انقلابی و در اسلام مجاهدین، نخستین ویژگی پویایی و دینامیسم آن است. اسلام یک شریعت خشک و منجمد نیست.

اگر این دین سراپا دو هزارهای پیشین است، خوب دیگر چرا باید به آن چسبید؟ چون سنگسار اصلا مجازات اسلامی نیست. بسیاری از مجازاتهای آن روزگار ریشه در قوانین تلمود دارد یا مثل این‌یکی سوابقش به‌یهودیت برمی‌گردد. وانگهی، چطور است که آخوندها از آخرین دستاوردهای فنی، علمی و حرفه‌یی و تخصصی پایان قرن بیستم استفاده می‌کنند، اما جزائیات برای بقای خودش در حاکمیت به‌خدمت می‌گیرد و این‌طوری نیست که مثلا برای یک تهاجم نظامی دنبال اسب و استر بگردد. این‌طوری نیست که پیامهایش را فقط ازطریق منبر بدهد. بلکه علاوه‌بر منبر و همه وسایل سنتی، از ماهواره هم استفاده می‌کند. کمااین که از ماه گذشته برای مقابله با برنامه ماهواره‌یی سیمای مقاومت با یک بودجه و انرژی کلان برنامه جام‌جم را راه انداختند.

از طرف دیگر تابع جزائیات هزاره‌های پیشین مثل سنگسار هستید و دست‌وپا می‌برید؟ با از روی بلندی پرتاب می‌کنید؟ کدام را باور کنیم؟

این آخوندها تا دهه سی و چهل و سالهای ۱۳۵۰ ریش‌تراشیدن را هم حرام می‌دانستند. خمینی به‌صراحت این را می‌گفت. حتماً یادتان هست برخی از آخوندها تلفن، ماشین، قطار و رادیو و تلویزیون را هم حرام می‌دانستند. نه‌حرفهای تلویزیون، بلکه خود دستگاه تلویزیون را هم حرام می‌دانستند. چون که اگر ملاک حلالی و حرامی حرفهایی که زده می‌شود، باشد؛ تلویزیون رژیم از هر تلویزیونی حرامتر و ننگ‌آلودتر است. چون لکه‌یی بر دامن قرآن و اسلام است، ارتجاع و شرک و جاهلیت را تبلیغ می‌کند. مجاهدین برای همینها دربرابر آخوندها به‌یا خاسته‌اند. دلیل خُلص ایدئولوژیکی، در ورای همه دلایل سیاسی و اجتماعی، برای مبارزه عنصر مجاهد خلق با حاکمیت آخوندی همین است که خمینی و رژیمش بدترین لکه بردامان اسلام است. دلیلی افزون بر دلایل سیاسی و اجتماعی که به پلیدی و نجس بودن این رژیم در تمامیتش مربوط می‌شود. این است مفهوم «کل سوء» و «کل‌شر». مجاهد از همه می‌پرسد شاخص اسلام حضرت علی است یا مرتجعان خوارج؟ امام حسین است یا یزید؟ انمه اطهار هستند یا خلفای جبّار؟

خب، حالا ما درمورد آخوندها کدام را باور کنیم؟ سطح تولید و قوای مولد، یک‌هزار و چهارصدسال پیش را باورکنیم یا این روزگار را؟

مگر خمینی نبود که در سال ۴۱ دربرابر اصلاحات بورژوایی شاه با حق رأی زنان مخالف بود؟

شاه می‌خواست در چارچوب یک رژیم بورژوایی وابسته، عمر رژیمش را طولانی کند و کرد. بنابراین دربار بورژوالماک بعداز یک‌دهه که از کودتای ۲۸مرداد گذشت، به‌جانب سرمایه‌داری وابسته و آن هم وابسته به آمریکا میل کرد. به‌طور صوری شعار اصلاحات ارضی و آزادی زنان و اعطای حق رأی به‌زنها را می‌داد و خمینی مخالف هردو بود. بسیاری از دانشجویان مترقی در آن اوایل اطلاعیه‌های خمینی را در دانشگاه آتش می‌زدند. مخالفت خمینی با شاه از این موضع بود که می‌گفت دادن حق رأی به زنها فتنه و فساد را زیاد می‌کند و جنبش دانشجویی از خمینی می‌خواست که با استبداد و وابستگی اعلان مخالفت کند. البته وقتی خمینی به‌حاکمیت رسید، دید هوا پس است، عقب نشست و فرصت‌طلبانه دربرابر حق‌رأی زنان کوتاه آمد. زنان ایران در انقلاب ضداستبدادی سهم خود را ادا کرده بودند. قبل‌از آن زنان پیشتازی که در چارچوب سازمانهای انقلابی راهی محبسها و شکنجه‌گاهها شده بودند، راه را باز کرده بودند (یاد شهید شهید فاطمه امینی باخیر). خمینی در مورد اصلاحات ارضی و تقسیم زمین بین دهقانان هم به‌طور اصولی مخالف بود. مقایسه کنید با شعار مجاهدین که از روز اول بنابر اظهارنظر صریح انمه اطهار این بود که الزرع للزارع... محصول مال کسی است که روی زمین کار می‌کند.

همین آخوندها، آخوندهای مرتجع خمینی‌صفت، با مدرسه رفتن دخترها در زمان ما مخالف بودند، در دهه بیست و سی. به‌قول پدرطالقانی، همینها با تفسیر قرآن هم مخالف بودند. قرآن فقط برای قبرستانها بود. درحالی‌که قرآن این همه می‌گوید: تدبر، تعقل، فکر کردن و...

پس ما با رژیمی مواجه هستیم که در آستانه قرن بیست‌ویکم، از بیت‌المال و کیسه مردم ایران، همه دستاوردهای فنی و تخصصی را برای بقای خودش در حاکمیت به‌خدمت می‌گیرد و این‌طوری نیست که مثلا برای یک تهاجم نظامی دنبال اسب و استر بگردد. این‌طوری نیست که پیامهایش را فقط ازطریق منبر بدهد. بلکه علاوه‌بر منبر و همه وسایل سنتی، از ماهواره هم استفاده می‌کند. کمااین که از ماه گذشته برای مقابله با برنامه ماهواره‌یی سیمای مقاومت با یک بودجه و انرژی کلان برنامه جام‌جم را راه انداختند.

در این برنامه‌ها هیچ اصل و سنت آخوندی نیست که برای مشتری جمع‌کردن نقض نکرده باشند. آن‌قدر هم در این کار پیش رفتند که روزنامه جمهوری اسلامی نوشت آقاچه‌خبراست که خانم گوینده در کانالهای تلویزیون داخل کشور با مقنعه سیاه می‌آید، اما در جام‌جم با شکلها و ادا و اطوار زننده ظاهر می‌شود. چه‌خبر است که به‌جام‌جم که را با توصیفاتی که روزنامه نوشته‌ـ از سرخان برمی‌دارند و برای ضبط برنامه‌ها به‌صور غریبی‌سند ظاهر می‌شوند. چه‌شده که بسیاری از آهنگها و نوازندگیها و آوازهایی که برای تلویزیون در داخل کشور ممنوع است، در برنامه ماهواره‌یی که برای صدور به خارج است، اشکالی ندارد.

بگذریم که حتی نامگذاری اجام‌جم! خودش لگدی به‌فر خمینی است که به‌قول خودش باهمه علائم و عناوین «شاهین‌شاهی» مخالف بود! البته این در دنیای دجالیت آخوندها چیز تازه‌یی نیست و برای جلب قلوب در غرب ناگزیرند این‌طوری تظاهر کنند. اما در داخل کشور سنگسار و دست بریدن و پاپریدن و شلاق‌زدن و آن لایحه قصاص که مجاهدین از روز اول آن را لایحه‌یی ضداسانی خواندند، هم‌چنان ادامه دارد.

این حکمهای شلاق زدن و سنگسار را چه کسی داده است؟ کدام مرجع؟ کدام ملا؟ که آن را به‌عنوان جزای اسلامی معرفی می‌کنند. لعنت‌خدا بر باد و برآن‌خمینی و هرکس چنین کند و چنین بگوید. پس سنت پیامبر و حضرت علی و باب اجتهاد، محکم و متشابه و دینامیسم اسلام و قرآن چه شد؟

دینامیسم قرآن

هرکس که قصد دجالیت نداشته باشد می‌داند که هدف و آرمان و مقصد در مثل مانند ساحلی است که کشتی باید به‌سمتش حرکت کند. هدف، آرمان و مقصد، توحید و یگانگی است. نه‌فقط یگانگی فردی، بلکه یگانگی اجتماعی، یعنی جامعه‌یی عاری از طبقات، استثمار و تبعیض. احکام «متشابه» حکمهایی هستند که باید با شرایط منطق بشوند. البته منظور انطباق فرصت‌طلبانه نیست. انطباق رزمنده و تکاملی و خلاق و فعال است. یعنی درقالب یک کشتی، نحوه پارو زدن، سمنگری و تنظیم سرعت در هرزمان برحسب شرایط «و اما الحوادث الواقعه» برعهده ناخداست. محکم و متشابه یک‌چیز است. محکم مصداق چیزی است که شما به آن استراتژی می‌گویید. اما یکی از معناهای متشابه همان اصطلاح تاکتیک به‌معنی کاربرد است.

در زمان پیامبر اکرم این انقلاب بسیار بزرگی بود که زن و مرد را متساوی بنشاند، یا برده را دراساس انسان متساوی‌الحقوق تلقی بکند و این ایده را که دنوع انسان وجود دارد، رد بکند و بگوید آن‌چه معیار برتری است، تقواست و آن هم تقوای رهایی‌بخش. رهایی ملاک است، نه جنس، رنگ و نژاد. «انّ اکرمکم عندالله اتقیکم». اینها در زمانی است که وقتی حضرت زهرا در کودکی و خردسالی روی زانوی پیامبر نشسته بود و رسول خدا دستش را می‌بوسید، یکی از ناظران آن‌قدر از کاری که پیامبر می‌کرد دچار دافعه شد که گفت، این میش‌بچه چیست که روی زانوبت نشاندی و دائماً دستش را می‌بوسی (استغفرالله)... و بعد گفت من چندتا مثل این داشتم که خاکشان کردم. آخر آن موقع دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند. در چنین شرایطی که همه قوانین، از روم گرفته تا ایران، به‌برتری ولایت و حاکمیت مطلق نرینه خوکرده و آن‌را قانون می‌کردند، یک‌دین مردم، دارد می‌گفت صاحب سهم بشناسید، چه‌رسد به‌این که توده انبوه زنان در انتخاب حضرت علی و بیعت با او شرکت کنند و دستهایشان را بالا و به‌نشانه رأی‌دادن و بیعت‌کردن در یک تشت آب بگذارند. و شگفتا که شمار قابل توجهی از فرماندهان یکتاها و لشکرهای حضرت علی در جنگهای صفین با معاویه، زنان مجاهد صدر اسلام بودند. سپس در نسل بعد زینب کبری، خواهر امام حسین و دختر فاطمه و علی را می‌بینیم که، در خطیرترین مقطع، رهبری جنبش انقلابی را دربرابر این‌زیاد و یزید به‌عهده می‌گیرد. حالا آخوندهای مرتجع بگویند بیینیم الی‌الابد باید حق شهادت و ارثیه زن یک‌دوم مرد باشد؟ حتی وقتی که پایه‌های مرد در سیکل مبارزه و تولید وارد شده‌است؟ اگر قرار است تالابد این‌طور باشد، پس اینها دوجنس هستند و متساوی نیستند و لابد به‌قول شما اصالت با مرد است و زن هم از دنده چپ او درست شده است!

بنابراین دیگر موضوعیت ندارد که زن که از روز اول در اسلام حق سیاسی متساوی و حق تملک اقتصادی مستقل (برخلاف قوانین مالکیت در کشورهای غربی مثل فرانسه که تا نیمه قرن بیستم حق تملک و تصرف مستقل برای زن را به‌رسمیت نمی‌شناختند) داشت، سهم‌الارث یک‌دوم داشته باشد. اجتهاد هم یعنی همین. بگذریم که از نظر خمینی و آخوندهای مربوطه، باب اجتهاد، فقط باب حقه‌بازی و فرصت‌طلبی است.

راستی مگر این آخوندها نمی‌گفتند که غنا و موسیقی حرام است؟ پس چه شد؟ وقتی که دجال خودش به‌حاکمیت رسید و رادیو و تلویزیون را قبضه کرد، دید نمی‌شود، خودش فتوا داد که موسیقی آزاد است، درحالی‌که قبل از آن همینها را علامت نفاق مجاهدین می‌دانست. مگر آخوندها نمی‌گفتند شطرنج حرام است؟ بعضی وقتها که بچه‌ها در زندان شطرنج بازی می‌کردند، آخوندها تذکر می‌دادند که حرام است.

ریش‌تراشی، غنا و شطرنج همه حرام بودند. اما دست‌وپا بریدن و سنگسار حلال است، آن‌هم با کلمه تکبیر. ننگ برشما! شجره خبیثه ملعونه رذیله، تماماً سوء و تماماً پلیدی. تبرباران و اعدام و حلق‌آویز زن مجاهد باردار حلال است، آن‌قدر که جانشین خمینی هم زبان به اعتراض گشود. حضرت علی گفت شکنجه حرام است، ولو در مورد سگ هارا! آیا این شکنجه‌هایی که خمینی درمورد مجاهدین روا دانسته است، اسلامی است؟ آیا سوزاندن و ضرب حتی‌الموت حلال است؟ ننگ برشما و شجره خبیثه شما باد که از خوارج و این‌ملجم گرفته تا قاتلان ائمه اطهار و شیخ‌فضل‌الله و خمینی و لاجوردی همیشه علمدار قشریگری و جهل و ظلمت و خصم همین دانش و فرهنگ و آزادی و عدالت بوده‌اید. مصادیق همان شجره ملعونه‌یی که در قرآن مثال زده شده است، بوزینگانی که منابر رسولان و اولیای خدا همچنان که حق حاکمیت مردم ایران- را غصب کرده و این را سرمایه تجارت دنیای خود قرار داده‌اند.

فلسفه و هدف احکام

احکام، وسیله‌ها و کاربردها و رهنمودهای اجرایی برای نیل به هدف و تنظیم چپ و راست آن هستند.

واضح است که اگر عاری از جدل اسکولاستیکی و به‌دور از منطق ولنگاری و بی‌مسئولیتی به‌موضوع نگاه کنیم، وسایل و کاربردهای اصیل، اصالت هدف و دستیابی به آن‌را تضمین می‌کنند. همچنان‌که هدف اصیل نیز وسیله متناسب خود را می‌طلبد. یعنی از یک‌طرف وسیله را نمی‌توان در دنیای مادی و عینی نادیده گرفت یا به‌آن کم‌بها داد. ازطرف دیگر وسیله باید به‌هدف خدمت کند، نه این‌که متناقض و متعارض با آن و راهبند آن باشد.

مثلا به موضوع زکات یعنی پاکسازی مال از حقوق و حاصل کار دیگران بنگرید: هدف و سمنگری به‌جانب این تزکیه دستاستمرای بسیار روشن است و در تشیع و اسلام حقیقی نهایتاً در جامعه موعود تحت راهبری وارث زمین و صاحب زمان، در اوج تکامل اجتماعی و علمی و فنی محقق خواهد شد. این همان پایان شرک و بیگانگی انسان از انسان و پایان بیگانگی و تعارض و آناتاگونیسم اجتماعی است؛ یعنی عمل اجتماعی است و لذا قرآن می‌گوید «لایمسه الا المطهرون» و «هدی للمتقین»، به‌سرمی‌بریم...

اما برای سمنگیری می‌باید گام‌به‌گام و در هرمرحله معین از رشد قوای مولد و تکامل اجتماعی به تزکیه مال از حاصل کار دیگران همت گماشت و این یعنی زکات.

در صدر اسلام از آن‌جا که در مدینه برنج کشت نمی‌شد، زکاتی هم به آن تعلق نمی‌گرفت. بعدها اما از حضرت صادق روزی پرسیدند که آیا برنج زکات دارد؟ پاسخ داد آری، به برنج هم که در نواحی عراق کشت می‌شود زکات تعلق می‌گیرد و با توضیح داد که در صدر اسلام در مدینه برنج در کار نبوده که موضوع زکات باشد.

حضرت علی هم در زمان خود برای اسپهایی که به چراگاه می‌رفتند سالیانه دودینار وضع کرده بود، درحالی که قبل‌از آن چنین چیزی وجود نداشت. هم‌چنان‌که درباره وضع خمس (یک‌پنجم سود بازیافتی) بااستناد به آیه سوره انفال چنین شد. اجتهاد یعنی همین. یعنی که تعیین کم و کیف زکات مشروط به شرایط اقتصادی و تولید است و با تکامل قوای مولد دستخوش تغییر و تحول می‌گردد.

آخر اجتهاد برای این نیست که فقط بگوید نماز این‌طور باشد و روزه آن طور. اینها که ازقبل روشن بود. پس اجتهاد برای چه بود؟ کارکرد رهبری سیاسی و اجتماعی چیست؟ برای چه این‌همه دعوا وجود داشت؟ تبعیت و تقلید از استبداد و اجتهاد مجتهد جامع‌الشرایط (ذیصلاح) که در فرهنگ تشیع نخستین شرط آن علم و تقواست (یعنی همان چیزی که آخوندهای خمینی‌صفت بالکل فاقد آن هستند) برای چیست؟ آخر فقاهت در تشیع علوی ملازم با عدالت یعنی مرزبندی با ظلمه و حکام جور و ستم است. یعنی همان چیزی که آخوندهای خمینی‌صفت مطلقاً فاقدش هستند و خودشان مظاهر ظلم و جور می‌باشند.

پس چرا امام صادق عدل و امامت را ارکان و اصول مذهب اعلام کرد؟ چون که حلفا و حکام جباء با «سرخود» تلقی کردن کارهای خدا در آسمان، می‌خواستند الگوبرداری نموده و استبداد و «خودسری» خودشان در زمین را (به‌عنوان نمایندگان و سایه خدا در زمین) توجیه کنند. لذا ششمین پیشوای عقیدتی و تاریخی ما، بالصراحه بااستناد به‌قرآن، آنها را پس زد و گفت که چنین خبرهایی نیست و خدا خودش عدالت مطلق است، والا حتما نیست...

یادتان هست که مجاهدین وقتی که در تابستان۵۸ خمینی «ولایت فقیه» را علم کرد، آن را قوبرآمد کردند و بعد هم قانون اساسی ولایت فقیه خمینی را تحریم کردند؟ ازنظر خمینی، فقیه یعنی آخوند، یعنی پارچه و دستاری برسر و عبایی بر دوش، خمینی از آغاز مجاهدین را ضدروحانیت معرفی می‌کرد. ما هم به‌او گفتیم بر پویی کارت! آخر آن که حضرت علی بود، نه‌فقط پارچه و دستار، بلکه قرآن را هم که به دجالیّت بالای نیزه کرده بودند بیاتصد. قرآن را مزدوران معاویه در جنگ صفین بالای نیزه‌ها بردند. گفت آنها را درهم بکوبید. قرآنی که به‌فتنه بلند شده و هدفش استمرار یک حاکمیت ارتجاعی است، کافند است و بس، قرآن ناطق منم. این حرف مولایمان علی بود.

پس قرآن را باید فهم کرد و به‌نقلق آورد، یعنی که:

اولا- فهم و تفسیر قرآن یک دانش و حرفه تخصصی است و حداقل احاطه بر علوم طبیعی و اجتماعی و انسانی و فنی و تاریخی و ادبی می‌داشت، کافند است و بس، قرآن ناطق منم. این حرف مولایمان علی بود.

پس قرآن را باید فهم کرد و به‌نقلق آورد، یعنی که:

اولا- فهم و تفسیر قرآن یک دانش و حرفه تخصصی است و حداقل احاطه بر علوم طبیعی و اجتماعی و انسانی و فنی و تاریخی است

درباره دینامیسم قرآن و دو نوع اسلام سراپا متضاد

بقیه از صفحه۱۰

چه رسد به هزار و چهارصد سال پیش، که معلوم است دوران صبوات انسان بود. زمانی بود که انسان تازه از دورانهای اولیه بیرون آمده بود و حتی هنوز آثاری از کمون اولیه را با خودش داشت. بنابراین اگر اسلام برده‌داری را بلادرنگ لغو می‌کرد، جامعه را به‌عقب می‌برد، نه به‌جلو. آخر ما که قوانین اجتماعی را خلق نمی‌کنیم، آنها را کشف می‌کنیم. بعد براساس آن، استراتژی و تاکتیک طراحی و به‌کار بسته می‌شود.

دینامیسم احکام و تبدیل آیات

این‌جا بود که وقتی آیه‌یی به‌جای آیه دیگر می‌آمد، وقتی حکمی عوض می‌شد، صدای کسانی که در قلبشان مرض بود و نمی‌توانستند بفهمند، بلند می‌شد. به‌خود پیغمبر هم می‌گفتند که دروغ می‌گویی! آنبار چنان می‌گفتی و این‌دفعه چنین! آیا ما در فاز سیاسی باید همان‌کارهایی را می‌کردیم که در فاز نظامی کردیم؟ آیا ما باید در این مرحله همان‌کارهایی را بکنیم که در مراحل پیشین می‌کردیم؟ آیا یک نفر باید در هنگام بلوغ و بزرگسالش همان لباس و کفش دوران کودکیش را بپوشد؟

و اذ بدلنا آیة مکان آیة والله اعلم بما ینزل قالوا انما انت مفتر بل اکثرهم لا یعلمون (سوره نحل، آیه۱۰۱).

وقتی آیه‌یی را به‌جای آیه دیگر می‌آوریم و خدا خودش آگاهترین است که دارد چکار می‌کند، چه‌چیز و چه‌خطی را دارد پیش می‌برد، می‌گویند که تو دروغ و تناقض می‌گویی، بل اکثرهم لایعلمون؛ شعورش را ندارند، نمی‌فهمند.

خصیصه ویژه قرآن

خصیصه ویژه قرآن و اسلام چیست؟ این را از خودمان نمی‌گوییم، از روی خود قرآن می‌گوییم (سوره زمر) افمن شرح‌الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه، آیا کسی که خدا سینه‌اش را باز کرده است برای اسلام و او بر نور و هدایتی است از جانب پروردگارش با کسی که قلب و سینه و ادراکش بسته و منجمد و خشک است، مساوی است؟ فویل للقاسیة قلوبهم من ذکرالله. پس وای بر سنگدلان و سنگین‌دلان، آنهایی که قلبشان قسی است، از ذکر خدا و یاد خدا و آرمانها و ارزشهای خدایی و مردمی بیگانه‌اند. باور کنید که این مفهوم درست بر همین داروسته خمینی منطبق می‌شود. اولنک فی ضلال مبین. آنها در گمراهی آشکار به‌سر می‌برند.

این ابتدای آیه بود یعنی در آیه بیست و دوم سوره زمر می‌خواهد مقایسه‌یی بکند بین کسانی که سینه گشاده، چشم‌انداز روشن و فهم عمیقی از اسلام و آن نور هدایت‌کننده‌اش دارند، دربرابر تاریک‌اندیشان و قشریون قیرقاللب، یعنی این‌ملجم‌های دوران. بعداز این آیه و بعد از این توضیح، قرآن می‌گوید: لله نزل احسن الحدیث. خداوند بهترین گفتار، بهترین کتاب و بهترین تبیین و تشریح را عرضه کرد. احسن الحدیث. بینیم این احسن الحدیث، اگر حرف بی‌خودی نیست، چیست؟ دلیل آن که بهترین و برترین کتاب است چیست؟ «کتابا متشابها مثانی». به‌این دلیل که پایدارترین و پویاترین حدیث است. یعنی که کهنه نمی‌شود. یعنی که می‌تواند به مسائل دورانها و زمانهای مختلف براساس اصول «محکم» خود جواب بدهد. هرکتابی پس‌از چندی کهنه و به‌دردنخور است. ببینید چندتا از کتابهایی که در قرن نوزدهم نوشته شده‌اند، هنوز در قرن بیستم از دور خارج نشده‌اند؟ یا لااقل قسمتی از آنها دچار فرسودگی و کهولت نشده است؟

مجاهدین آن‌جای‌که از اسلام دریافته‌اند، رمز و راز پویایی قرآن را در همین می‌دانند. نه از حالا، بلکه از سال۴۸ که جزوه «دینامیسم قرآن» در تحقیقات گروه ایدئولوژی سازمان تدوین شد. در سالهای پس‌از جریان اپورتونیستی، در زندانهای اوین و قصر مجدداً بحث را تدوین کردند. ازجمله در کتاب «چگونه قرآن بیامویزم» که توسط سردار شهیدمان موسی تحریر شد. طبعاً انتظار ندارید که در این فرصت کوتاه من بحث را به‌صورت مبسوط باز کنم. بنابراین اشاره‌یی می‌کنم و درمی‌گذرم:

محکم و متشابه

اگر در یک‌کلمه بخواهم بحث را ساده‌سازی تمام بیان کنم، «تشابه» به‌زبان امروزی مصداق دینامیسم و صور نایپداست که درجریان تکامل بارز و آشکار می‌شود و مصداق پیدا می‌کند.

یک مثال از هندسه ابتدایی و مسطحه بزنیم، به‌اشکال و صوری که اندازه‌ها و قدرهایشان متفاوت است، اما زوایا و نسبتهایشان همسان است، متشابه می‌گویند. مثلا مثلث کوچکی را با مثلث بزرگی درنظر بگیرید که نسبت اضلاع و زاویه‌های آنها باهم برابر باشد، به‌این می‌گویند تشابه. اینها متشابه هستند، به‌عبارت دیگر از روح و جوهر واحدی برخوردارند.

پس در بحث احکام، مهم این است که ببینیم که روح و جوهر احکام و هدفی که تعقیب می‌کنند، چیست؟ نه به‌صورت دمدمی‌مزاج و فرصت‌طلبانه، بلکه با تعمیق و «روح در علم» آن‌جای‌که قرآن می‌گوید. کتابا متشابها مثانی، یعنی منعطف و منطبق، دارای قدرت انطباق و انعطاف.

به عنوان مثال، موجودات خونگرم درجریان تکامل قدرت انعطاف و انطباق با شرایط را پیدا کردند، درحالی‌که موجودات خونسرد، باسرما درجه حرارت بدن و ارگانیسمشان پایین می‌آید و بی‌حس می‌شوند. موجودات خونگرم قدم بزرگی در جریان تکامل بیولوژیک هستند. مثلا بدن انسان می‌تواند در هرشرایطی حرارت ۳۷درجه را حفظ کند. سیستم بدن به‌صورت خودکار طوری تنظیم می‌کند که این درجه حرارت در سرما و گرما حفظ شود.

این انطباق بسیار عالیتری است که موجود زنده با محیط خود برقرار می‌کند و بدین وسیله از سلطه و اسارت دمای محیط، بیرون می‌آید و بر آن غلبه می‌کند.

این‌جا هم خصلت ویژه «احسن‌الحدیث» این است که قدرت انطباق فعال تکاملی شرایط متفاوت، جوهر واحدی را اعمال و پیگیری کند. این آن نور و روح واحدی است که قرآن گفت «علی نور من ربه».

این‌موضوع فقط خاص این‌جای قرآن هم نیست.

پس خصیصه ویژه «احسن الحدیث»، برترین کتاب و برترین و جامع‌ترین تبیین، این است که با یک اصول ثابت (اصلها ثابت و فرعها فی‌السماء)، مثل هرپدیده تکاملی دیگر (که البته قرآن کلام آخر است) می‌تواند جریان پیدا کند و توانمندی و استعداد آن از قوه به‌فعل درییاید.

این‌جاست که امام باقر رودرروی خشک‌اندیشان و تاریک‌اندیشان تصریح می‌کند که قرآن ابحری که تحت‌الثری الشمس و القمر» یعنی که قرآن همانند خورشید و ماه در جریان است. روح جاری دورانها و ادوار تکاملی است. به‌طرفی که اسباب نان‌خوردن و وسیله دجالیت، دین‌پناهی و حقه‌بازی آخوندها نباشد.

بازهم به‌قول قرآن: ان کثیراً من الاحبار و الرهبان لیاکلون اموال الناس بالباطل و یصدون عن سبیل‌الله... بسیاری از این آخوندها، آخوندهای خمینی‌صفت اموال مردم را به‌ناحق می‌خورند و راه خدا را برروی بندگانش می‌بندند. راه‌گمشایی که نمی‌کنند هیچ، راهندان می‌کنند و تیرگی می‌آورند نه نور، ظلمت می‌آورند نه هدایت. بنابراین «کتابا متشابها مثانی»، یعنی دارای قدرت و توان انطباق در شرایط متفاوت. که این تازه بیان دینامیسم خاص قرآن است، والا اگر دینامیسم جامع قرآن را مدنظر قرار دهیم، آن وقت به‌نوامیس و حقایق و صور عمومی هستی (و نه‌فقط متشابهات تاریخی و اقتصادی-اجتماعی) راه می‌برد. این است رمز ماندگاری و پویایی قرآن که اعجاز آن در یک کلام «ضد کهولت» است. چنین است که می‌تواند با شمول عام بر نوامیس عمومی و اصول محکم تکاملی، قضایا و مسائل مراحل تحول‌یابنده را دربرگیرد، همچون ائمه اطهار، ما را از هر گونه بحث و جدل درباره الگوی اصلی و نسخه‌های بدلی، بی‌نیاز می‌کند. اما حالا در نوبر دین مجاهدین و رزیم خمینی، مدهاست که بحث از حیطه نظر و جدل گذشته است و تعیین تکلیف با سلاح است و ارتش آزادیبخش (کذب‌زدن مزدوران).

این بحثها را چه در زمان شاه و چه در زمان خمینی، در فاز سیاسی بسیار کرده‌ایم و ایضاً برسر همین بحثها بود که چهاده‌ران و ۳۶دسته‌ها در دانشگاه صنعتی شریف، در دانشگاه تهران، در امجدیه و در کلاسهای تبیین سرمی‌رسیدند. چون‌که مجاهدین به‌صدای بلند می‌گفتند که دین‌فروشان، مرتجع و ضدامام هستند و این مصداق شرک و کفر و استثمار است.

حال عیرت روزگار را بنگرید که خدا چه نکبت و پلشتی برای بنوخمینی (مانند بنوامیه) مقرر و مقدر کرده است. حالا یک‌بدبک باید خودشان، حرفهایشان را پس بگیرند، عذر تقصیر بخواهند و غلط کردم و زهرخودرم بگویند. درمورد جنگ، درمورد شیطان بزرگ و درمورد عراق و صدور ارتجاع و تنش‌زدایی و...

مردم ایران البته بین مجاهدین و خمینی فضاوت خود را کرده‌اند والا تا امروز مجاهدین یکصدبار نیست و نابود شده بودند. بین این دونوع اسلام با پیشینه هرکدام، از زمان حضرت علی تا همین امروز، تاریخ هم قضاوت کرده و بازهم قضاوت خواهد کرد. بین دودیدگاه و تفسیر کاملاً متضاد. یکی مبتنی برجهل و اجبار. دیگری براساس آزادی و اختیار. یکی خصلت ویژه خودش را نه از موضع خدایی طلب‌کند، بلکه از خشیه خدایی و مردمی، دینامیسم و پویایی می‌داند و کسانی آن را هم به سنگین‌ترین و خونین‌ترین صورت می‌پردازد. آن گوهر بی‌بدیل انقلابی و توحیدی را ابتدا در زنان و مردان خودش محقق می‌کند و مرزهای فدا را به‌خاطر آزادی خلق و مهیشش به‌نحوی شگفت و بی‌نظیر درمی‌نوردد.

دیگری بر مفتخواری و ستم و استثمار و سرکوب مبتنی است.

این یکی پیام‌آور ظلمات است و آن‌یکی پرچمدار آزادی و یگانگی و رهایی.

جنگ بین این‌دو، که درعین حال جنگ سرنوشت برای مردم و تاریخ ایران هم هست و هم‌چنین جنگ با مهمترین جنایتهای قدر انسانیت معاصر است، پیوسته بالا می‌گیرد. راستی بین شما و دشمن غدار و مکاران، سرانجام کدامیک دیگری را از دور خارج خواهد کرد و پشتش را به‌خاک خواهد مالید؟ (مجاهدین می‌خروشند: مجاهدین!) بدون تردید، این وعده حق است. آنک لاتخلف المیعاد. والا که زمین تا ابد جولانگاه دددان و دیوان می‌بود.

در بازگشتگاه امروز، در عید امروز، در فطر امروز، در حقیقت یکبار دیگر ما آرمان آن اسلامی را که مولایش علی است، جشن می‌گیریم.

خدایا ذوالفقار علی و ارتش آزادیبخش را برفرق رژیم ضدبشری هرچه پرآتر کن! (الهی آمین) و آتش سلاح رزم‌آوران ارتش آزادی را هرچه فروزانتر! (الهی آمین)

و برفراز همه اینها، به‌مثابه چتری مطهر و سایبانی گسترده و نورانی، مشعل و پرچم انقلاب مریم را برسر تمامی مجاهدین بگستران! آن‌قدر که این گوهرهای بی‌بدیل زمان، به‌تحقق رسالت و مسئولیت تاریخی خود نایل شوند (الهی آمین).

و بازهم با خلق در زنجیرها و همه شیعیان علی و اهل اسلام محمدی و ضدارتجاعی و ضدخمینی در سراسر ایران، بکبار دیگر دعای فطر را می‌خوانیم:

اَللّهُمَّ اَهْلَ الْکِبْریاءِ وَالْعَظَمَةِ وَ اَهلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَ اَهلَ العفو وَالرَّحمَةِ وَ اَهلَ التَّقوی وَالْمَغفِرَةِ اَسئَلُکَ بِحَقِّ هذَاالیَومِ الَّذی جَعَلتَهُ لِلْمُسلِمینَ عیداً وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ ذُخراً وَشرفاً وَ کرامتاً وَ مَزیداً اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَن تُدخِلَنی فی کُلِّ خیرٍ اَدخَلتَ فیهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ اَن تُخرِجَنی مِن کُلِّ سُوءٍ اَخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ خَیرَ ما سَئَلَکَ بِهِ عِبادُکَ الصّالِحُونَ وَ اَعُوذُ بِکَ مِمَّااستَعاذَ مِنهُ عِبادُکَ المُخلَصُونَ

مرتجعان به‌ظاهر در شب قدر برای حضرت علی سوگواری می‌کردند، حضرت علی کجا این کارهایی که شما می‌کنید کجا؟ آیا حضرت علی اولین مخالف توسعه‌طلبی زیر نام اسلام نبود؟ آیا حضرت علی اولین بیانیه سیاسی- نظامیش این بود که حقوق مردم، اگر در کابین زنانتان هم باشد، از گلویتان درمی‌آورم؟ قرآن درباره آخوندهای دین‌فروش و خمینی‌صفت چه خوب گفته است: الذین یصدون عن سبیل‌الله و یبغونها عوجا، کسانی که از راه خدا باز می‌دارند و می‌خواهند که ارتجاعی، منحرف و کج باشد.

علی = شاخص

برگردیم به بحث خودمان. داشتیم از قشریت ایدئولوژیک و رذیلت سیاسی آخوندهای دین‌فروش می‌گفتیم. عجبا که از یک‌طرف برخورداری از آخرین دستاوردهای علمی و فنی روزگار در پایان قرن بیستم، از کیسه ملت ایران برای ادامه حاکمیت آخوندی، و ازطرف دیگر سنگسار و دست‌وپا بریدن با تکبیر و تحت نام اسلام. لابد این‌ملجم هم موقع شمشیر کشیدن بر فرق علی تکبیر داده است! هم‌چنان که عمرین سعد به‌هنگام دسته و هجوم اراذل و اماء حسین، عین جمله‌یی را گفت که پیامبر خدا در آغاز جنگ بدر خطاب به مجاهدین رکابش بیان کرد: یا خیل‌الله ارکبی و بالجنة ابشری (ای سوارکاران با لشکریان خدا رکاب برکشید و به بهشت بشارت باد و بشارت دهید).

دلم می‌خواست وقت می‌بود، ولی بازهم فقط اشاره می‌کنم و می‌گذرم. بهترین شاخص برای ما حضرت علی است. ببینیم که او درمورد قرآن و پویایی آن چه می‌گوید و ما چرامی‌گوییم تشیع علوی؟ چرامی‌گوییم باب‌الینی؟ چرا می‌گوییم حضرت علی قدر انسان است؟

حضرت علی در نهج‌البلاغه قرآن را چنین توصیف می‌کند: کتاب ربکم: مبینا حلاله و حرامه، و فرائضه و فضائله، و ناسخه و منسوخه، و رخصه و عزائمه، و خاصه و عامه، و عبره و امثاله، و مرسله و محدوده، و محکمه و متشابهه، مفسرا جمله، و مبینا غوامضه، بین مأخوذ میثاق علمه، و موسع علی العباد فی جهله، و بین مثبت فی‌الکتاب فرضه، و معلوم فی السنه نسخه، و واجب فی‌السنه اخذه، و مرخص فی‌الکتاب ترکه، و بین واجب بوقته، و زائل فی مستقبله، و مباین بین محارمه: مبین اوعد علیه نیرانه، او صغیر ارصد له غفرانه، و بین مقبول فی اداءه، و موسع فی اقصاه.

کتاب پروردگارتان: در آن بیان شده است حلال و حرام، واجب و دارای فضیلت (حداقل ضروری و مستحب)، نسخ‌کننده و نسخ‌شده (کهنه و نو)، رخصتها و عزیمتها (آغازها و پایانها یعنی بعزبان امروز چپ و راستها)، خاص و عام، عبرتها و مثلها، آن‌چه به‌اختیار است و آن‌چه که مردم در آن مقید و محدودند و محکم و متشابه. مجملها (موضوعات خلاصه و فشرده) را در کتابش تفسیر و باز نموده و پیچیدگیها و غواضش آن‌را روشن کرده است. مانند آن‌چه دانستن آنها را ضروری شمرده (در اصول) و آن‌چه که ندانستن آن‌را بر مردمان منعی نیست (و می‌توانند تبعیت کنند) و چیزی که در کتاب واجب و ضروری می‌نماید، اما در سنت، نسخ و رفع آن معلوم شده است و آن‌چه در سنت واجب می‌نماید، اما در کتاب، ترک آن مجاز است. و آن‌چه در زمان خود واجب اما در آینده زائل و منتفی می‌شود. بین محرمات و امور غیرمجاز نیز تفاوت قائل شده است، هم‌چنان که بین گناه بزرگی که شایان آتش است، با خطای کوچکی که مشمول آمرزش می‌شود، تفاوت قائل شده و آن‌را مشخص کرده است. و آن‌چه که در ابعاد کوچک پذیرفته و قابل قبول است و در ابعاد بزرگ و بسیار آن هم شایسته و پسندیده است، اما تحملی در آن نیست...

اینها را البته آن علمای کذب که درواقع سردمداران جهل و جاهلیت زمانه هستند، به‌خوبی می‌دانند، اما برخلاف آن عمل می‌کنند. وای برسگین‌دلان.

اما دقیقاً همین‌جا مرزبندی بین انقلاب و ارتجاع ترسیم می‌شود. بین مجاهدین و خمینی، بین آن صدهزار شهیدی که شما دادید و دشمنتان.

یکی پیامش رحمت و مغفرت است. پیام رهایی، پیام جود و جبروت، و پیام کبریا و عظمت. و دیگری پیام پلیدی و پلشتی و سنگدلی و سنگین‌دلی.

حالا از آخوندها بپرسید، که این قانون ضدانسانی قصاص یا چه استنادی است؟ گفتیم که اگر آخوندها دستشان می‌رسید هرگز حق رأی را برای زنان به‌رسمیت نمی‌شناختند. اگر می‌توانستند برده‌داری را هم رواج می‌دادند، کنیزداری را هم رسماً قانونی می‌کردند.

راستی جامعه مدنی کجا و جزیه و جزای هزاره‌های قبلی کجا؟

تا وقتی آخونـدهای خمینی‌صفت در حاکمیت نبودند، اگر یادتان باشد، مالیات واجب نبود، این‌سا حرام هم بود. می‌گفتند در اسلام خمس و زکات است. خمینی که آمد هم خمس، هم زکات و هم مالیات واجب شرعی شد!

مرتجعان به‌ظاهر در شب قدر برای حضرت علی سوگواری می‌کردند، حضرت علی کجا این کارهایی که شما می‌کنید کجا؟ آیا حضرت علی اولین مخالف توسعه‌طلبی زیر نام اسلام نبود؟ آیا حضرت علی اولین بیانیه سیاسی- نظامیش این نبود که حقوق مردم، اگر در کابین زنانتان هم باشد، از گلویتان درمی‌آورم؟

قرآن درباره آخوندهای دین‌فروش و خمینی‌صفت چه خوب گفته است:

الذین یصدون عن سبیل‌الله و یبغونها عوجا. کسانی که از راه خدا باز می‌دارند و می‌خواهند که ارتجاعی، منحرف و کج باشد. راستی خمینی چرا این‌قدر با مجاهدین لج بود؟ چرا فتوای سوزاندن و ضرب حتی‌الموت و این که جان و مال و ناموس اینها حرمتی ندارد، را صادر کرد؟ برای این که دونوع اسلام سراپا متضاد از زمان امام حسین و یزید، از روزگار علی با معاویه و خوارج درمقابل هم صف‌بندی کرده‌اند. این‌سا که پس‌از چهارده قرن، ما به‌آن قدر تاریخی رسیده باشیم که بین این دونوع اسلام تعیین تکلیف شود.

یک‌طرف مهیب‌ترین نیروی ارتجاعی تاریخ ایران، با دجالیت اسلام‌پناهانه و یک‌طرف مجاهدین. عجبا که بالاترین تضاد و خون هم بین اینها جاری است، به‌نحوی فوق متناقض. هم‌چنان که خود خمینی بعداز جریان امجدیه در روز ۱۵ خرداد ۵۹ گفت که دشمن من نه آمریکاست و نه شوروی و نه مارکسیستها و نه این‌که دشمن در کردستان باشد، دشمن همین مجاهدین هستند، همین‌جا در تهران.

پس وعده‌نهایی ارتش آزادیبخش، بامرتجعان هم در تهران (کف‌زدن رزمندگان).

خطاب به آخوندها و رژیم خمینی، ازقول انجیل و عیسی مسیح علیه‌السلام باید گفت، وای برشما ای کاتبان و فریسیان! اعظم احکام شریعت، یعنی تمامیتش را، عدالت، رحمت و ایمان. را ترک کردیاد. که رهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید ولی شتر را فرومی‌برید (این آخوندها واقعاً شتر را فرومی‌بلعند، یک کاروان و یک‌دهه‌اش را باهم!) وای برشما ای کاتبان و ای فریسیان ریاکار از آن رو که بیرون پیاله و بشقاب را پاک می‌نمایید و درون آن مملو از جور و ظلم است. آیاکلون اموال الناس بالباطل و یصدون عن سبیل‌الله.

در سطح جهانی هم بین دونوع اسلام باید بالاخره قضاوت شود. البته آنهایی که به‌قول قرآن در قلوبشان مرض و غرضی است، می‌گویند اسلام وجود ندارد و سطح نازل قوای مولد و آگاهی ناچیز آن روزگارانی هرگز چنین چیزی را اقتضا نمی‌کرد. این یک‌نوع اسلام است، سراپا متضاد با آن‌چه خمینی و اسلاف تاریخیش ادعا می‌کنند. یکدیگر که با هرمکتب و مرامی می‌آیند چنین معامله‌یی را انجام داد و نوع واژگونه و پوشالش را به‌حساب اصلی گذاشت. البته شاخصهای رهبری‌کننده متفهد و مشهور، همچون امام اسلام، ما را از هر گونه بحث و جدل درباره الگوی اصلی و نسخه‌های بدلی، بی‌نیاز می‌کند. اما حالا در نوبر دین مجاهدین و رزیم خمینی، مدهاست که بحث از حیطه نظر و جدل گذشته است و تعیین تکلیف با سلاح است و ارتش آزادیبخش (کف‌زدن رزمندگان).

این بحثها را چه در زمان شاه و چه در زمان خمینی، در فاز سیاسی بسیار کرده‌ایم و ایضاً برسر همین بحثها بود که چهاده‌ران و ۳۶دسته‌ها در دانشگاه صنعتی شریف، در دانشگاه تهران، در امجدیه و در کلاسهای تبیین سرمی‌رسیدند. چون‌که مجاهدین به‌صدای بلند می‌گفتند که دین‌فروشان، مرتجع و ضدامام هستند و این مصداق شرک و کفر و استثمار است.

حال عیرت روزگار را بنگرید که خدا چه نکبت و پلشتی برای بنوخمینی (مانند بنوامیه) مقرر و مقدر کرده است. حالا یک‌بدبک باید خودشان، حرفهایشان را پس بگیرند، عذر تقصیر بخواهند و غلط کردم و زهرخودرم بگویند. درمورد جنگ، درمورد شیطان بزرگ و درمورد عراق و صدور ارتجاع و تنش‌زدایی و...

مردم ایران البته بین مجاهدین و خمینی قضاوت خود را کرده‌اند والا تا امروز مجاهدین یکصدبار نیست و نابود شده بودند. بین این دونوع اسلام با پیشینه هرکدام، از زمان حضرت علی تا همین امروز، تاریخ هم قضاوت کرده و بازهم قضاوت خواهد کرد. بین دودیدگاه و تفسیر کاملاً متضاد. یکی مبتنی برجهل و اجبار. دیگری براساس آزادی و اختیار. یکی خصلت ویژه خودش را نه از موضع خدایی طلب‌کند، بلکه از خشیه خدایی و مردمی، دینامیسم و پویایی می‌داند و کسانی آن را هم به سنگین‌ترین و خونین‌ترین صورت می‌پردازد. آن گوهر بی‌بدیل انقلابی و توحیدی را ابتدا در زنان و مردان خودش محقق می‌کند و مرزهای فدا را به‌خاطر آزادی خلق و مهیشش به‌نحوی شگفت و بی‌نظیر درمی‌نوردد.

دیگری بر مفتخواری و ستم و استثمار و سرکوب مبتنی است.

این یکی پیام‌آور ظلمات است و آن‌یکی پرچمدار آزادی و یگانگی و رهایی.

جنگ بین این‌دو، که درعین حال جنگ سرنوشت برای مردم و تاریخ ایران هم هست و هم‌چنین جنگ با مهمترین جنایتهای قدر انسانیت معاصر است، پیوسته بالا می‌گیرد. راستی بین شما و دشمن غدار و مکاران، سرانجام کدامیک دیگری را از دور خارج خواهد کرد و پشتش را به‌خاک خواهد مالید؟ (مجاهدین می‌خروشند: مجاهدین!) بدون تردید، این وعده حق است. آنک لاتخلف المیعاد. والا که زمین تا ابد جولانگاه دددان و دیوان می‌بود.

در بازگشتگاه امروز، در عید امروز، در فطر امروز، در حقیقت یکبار دیگر ما آرمان آن اسلامی را که مولایش علی است، جشن می‌گیریم.

خدایا ذوالفقار علی و ارتش آزادیبخش را برفرق رژیم ضدبشری هرچه پرآتر کن! (الهی آمین) و آتش سلاح رزم‌آوران ارتش آزادی را هرچه فروزانتر! (الهی آمین)

و برفراز همه اینها، به‌مثابه چتری مطهر و سایبانی گسترده و نورانی، مشعل و پرچم انقلاب مریم را برسر تمامی مجاهدین بگستران! آن‌قدر که این گوهرهای بی‌بدیل زمان، به‌تحقق رسالت و مسئولیت تاریخی خود نایل شوند (الهی آمین).

و بازهم با خلق در زنجیرها و همه شیعیان علی و اهل اسلام محمدی و ضدارتجاعی و ضدخمینی در سراسر ایران، بکبار دیگر دعای فطر را می‌خوانیم:

اَللّهُمَّ اَهْلَ الْکِبْریاءِ وَالْعَظَمَةِ وَ اَهلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَ اَهلَ العفو وَالرَّحمَةِ وَ اَهلَ التَّقوی وَالْمَغفِرَةِ اَسئَلُکَ بِحَقِّ هذَاالیَومِ الَّذی جَعَلتَهُ لِلْمُسلِمینَ عیداً وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ ذُخراً وَشرفاً وَ کرامتاً وَ مَزیداً اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَن تُدخِلَنی فی کُلِّ خیرٍ اَدخَلتَ فیهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ اَن تُخرِجَنی مِن کُلِّ سُوءٍ اَخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ خَیرَ ما سَئَلَکَ بِهِ عِبادُکَ الصّالِحُونَ وَ اَعُوذُ بِکَ مِمَّااستَعاذَ مِنهُ عِبادُکَ المُخلَصُونَ

همیاری ملی

علی مقدم

اتاق فرمان مثل همیشه شلوغ است. صدای همهمه افرادی که هرکدام مشغول انجام کاری هستند با صدای مجریان برنامه و مهمانان درهم‌آمیخته و فضای پرشوری ایجاد کرده است. هر صدایی برای لحظاتی در فضا طنین‌افکن شده و سپس محو می‌شود.

حمید رفیعی: برنامه همیاری ملی با سیمای آزادی را درحالی آغاز می‌کنیم که...

مسئول خط تلفن ۳: لعیا از پارس روی خط ۳ آماده است.

صدابردار: مثل این‌که گوشی مجری قطع و وصلی دارد.

مدیر برنامه: تواری را به من نشان داده و می‌گوید: این میان پره پارازیتهای رژیم روی برنامه سیماست، زمانش ۲/۵دقیقه است، الان هم سر نقطه شروع تنظیم است.

مهمان برنامه: من اگر لازم باشد فلک به‌دست می‌گیرم و خانه‌به خانه می‌روم و از هموطنانمان برای برنامه سیمای آزادی پول جمع می‌کنم.

نفر کامپیوتر: زیرنویس آماده است حسن ۱۰۰۰۰یورو از فرانسه.

به نفر فیلمبردار می‌گویم که کمی شات‌اش را بسته‌تر بگیرد.

مسئول خط تلفن۵: عباس از آلمان روی خط۵

شنیدم هر تمامی، شور و تلاش جمعی دست‌اندرکاران برنامه را هر لحظه بیشتر وبیشتر می‌کند. خواهران و برادرانی که می‌نام و نشان سالهای سال است در پشت پرده مشغول راه‌اندازی سیمای آزادی برای روشن نگه‌داشتن این شعله مقاومت در خانه هموطنانمان در سراسر جهان هستند.

چهره‌یای مصمم و دوست‌داشتی که جز عشق و محبت چیز دیگری در وجودشان یافت نمی‌شود و هرکدام و هرکدام با سالهای سال است که می‌شناسم، همه از قربانیان رژیم آخوندی هستند، یا عزیزی از دست داده‌اند. و یا خود سالها اسیر و زیر شکنجه دژخیمان بوده و در جستجوی گم‌گشته خود، آزادی بهمر کوی و برزن رفته و در مقابل جمقادارن سینه‌سپر کرده‌اند و در برابر گلوله پاسداران فریاد آزادی سرداده‌اند.

یکی از خواهرانی که به‌دلیل شکنجه و آثار آن بر پاهایش (هنوز) راه‌رفتن برایش به‌راحتی امکانپذیر نیست، به سمت گوشی تلفن رفته و سپس می‌گوید ژیلا از کانادا است روی خط۸.

به‌راستی چه صحنه باشکوهی است. مبارزه‌یی بی‌امان در راه آزادی.

بعد برگشته و به خواهر کارگردان گفتم که اگر همین پشت صحنه اتاق فرمان را فیلمبرداری کنیم و به تماشاچیان نشان بدهیم که در چه شرایطی برنامه اجرا و پیش می‌رود، خودش گویای همه چیز خواهد بود.

اینترکام دوربین نقطه و وصل می‌شود، استودیو آنفلر کوچک است که دوربین امکان کوچکترین مانوری را ندارد. یک فیلمبردار باید کادرهای۳ دوربین را به‌طور همزمان تنظیم بکند. آن‌هم در شرایطی که تب بالایی دارد و سرفه شدید، آزارش می‌دهد و مجبور است خودش را کنترل کند که صدای سرفه‌اش در حال پخش برنامه زنده، شنیده نشود. نفر مسئول میکسر صوت با عصا راه می‌رود و به‌زحمت پشت میکسر نشسته است.

آن یکی دستش از کار افتاده و گردنش درد می‌کند. و مجبور است از شدت درد کمر دائم زروی صندلی بلند شود.

مجری برنامه از شب قبل نخوابیده و حالا باید ۱۲ساعت دیگر بلاوقفه جلوی نور پروژکتورها بنشیند. ولی هیچ‌کس برای لحظه‌یی هم به این‌گونه مسائل فکر نمی‌کند. چون درد بزرگتری به‌نام درد ایران و آزادی ایران در وجودشان موج می‌زند، دردی که لبخند را برلبان و شادی را در چهره‌یایشان نمایان می‌کند.

تصویر میکس را روی ام. اس مهمان برنامه مهدی ابریشمچی می‌گذارم، که می‌گوید: مسعود می‌گفت کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من...

این یعنی همین استقلال و این یعنی این‌که ما روی پای خودمان می‌ایستیم و به هیچ کس وابسته نیستیم.

با شنیدن نام مسعود دچار احساس غرور و افتخار می‌شوم و برای لحظاتی شلوغی اتاق فرمان را فراموش می‌کنم و خود را در اشرف و در چند قدمی‌اش در حال فیلمبرداری دیدم که داشت خطاب به رزمندگان می‌گفت: من هیچ‌چیز ندارم، نه مملکت دارم، نه چاههای نفت، نه ناوگان جنگی، نه پول فراوان و نه حمایت ابرقدرتها... من فقط یک چیز دارم و آن شما هستید. من شما را دارم... کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من.

صدای مهرناز کوچولو از انگلیس مرا از اشرف دوباره به اتاق فرمان برمی‌گرداند، که با صدای شیرین‌اش می‌گوید: من قلکم را شکسته‌ام و همه پولهایی را که جمع کرده بودم می‌خواهم بدهم به سیمای آزادی که قطع نشه.

خط ۱۰ وصل می‌شود. عباس از تهران می‌گوید: ما اگر گشنگی بکشیم، نخواهیم گذاشت صدا و تصویر سیما قطع بشه. شما امید نجات ما از دست این آخوندهای ظالم و بی همه چیز هستید. به آرامی اشکهای چشمانم را طوری که کسی متوجه نشود، از روی گونه‌هایم پاک می‌کنم تا روی دکمه‌های میکسر تصویر نریزد...

به‌راستی چه صحنه‌های باشکوهی در این استودیوی کوچک که به‌اندازه قدرداني از دیدگان تک تک شما به روی گونه‌هایمان جاری می‌کند واحساس مسئولیت تک تک شما را نیز به همان نسبت بیشتر وبیشتر.

به داخل استودیو نگاه می‌کنم تماسها هم‌چنان پس از ۱۲ساعت بی‌وقفه ادامه دارد، انبوه نفرات پشت خطها مانده‌اند و نتوانسته‌اند به‌ما وصل شوند ولی هم‌چنان درحال تلاش و کوشش هستند که بتوانند خودشان را به ما وصل کنند و کمکهای خودشان را اعلام کنند...

مهدی ابریشمچی، مهمان برنامه، ازنسل اول محمد آقا

حمید رفیعی، مجری برنامه، از نسل دوم مسعود

عمار، فیلمبردار، از نسل سوم، مریم.

ساعت ۴/۳۵صبح است و خط۱۰ آخرین تماس راقبل از پایان برنامه وصل می‌کند.

و انواع پارازیت می‌خواهند فریاد خلقی را در گلو خفه کنند تا صدای ظلم و جنایاتشان بگوش کسی نرسد. ولی در عوض هستند کسانی در سیمای آزادی که از صبح تا شام کارشان فقط و فقط افشای چهره پلید همین جنایتکاران در اقصی نقاط جهان است. واین نیز امکانپذیر و میسر نمی‌شد مگر به همت همین هموطنان شریف وآزاده که از فرش زیر پا و جهیزیه و ماشین و خانه خود گذاشته و ادامه کار سیمای آزادی را امکانپذیر کرده‌اند.

خط ۱، خط ۴، خط۷، خط ۹ ... صدای تماسها یک لحظه قطع نمی‌شود.

- من مهرداد هستم از سوئد پولی را که در سه ماه جمع کرده بودم برای خرید وسائل مورد نیازم، می‌خواستم به سیما بدهم.

- من اسد هستم، از آمریکا می‌خواستم ۱۰هزار دلار ناقابل کمک کنم به سیما...

هر تماس قطرات ا

مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۸۷۳
Mojahed 873
دوشنبه ۱۶مهر ۱۳۸۶
۲۶رمضان ۱۴۲۸
October 8 2007
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

اول شوال (۲۱مهر)

عیـــد فطر

بازگشت به‌فطرت پاک انسانی مبارک باد

درباره دینامیسم قران و دو نوع اسلام سراپا متضاد سخنرانی مسعود رجوی در مراسم عید فطر ۱۳۷۶

در صفحات ۱۰ و ۱۱

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران

روز شنبه ۱۴مهر دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به‌وضعیت نامناسب سرویسهای رفت و آمد، در تقاطع خیابانهای طالقانی و قدس تجمع کردند. آنها در نزدیکی در شرقی دانشگاه تهران در تقاطع خیابانهای طالقانی و قدس روی نشسته و خیابان را مسدود کردند.

در صفحه ۵

جلسه انجمن زنان دموکراتیک در ایتالیا علیه نقض حقوق بشر در ایران

به‌دعوت انجمن زنان دموکراتیک ایرانی هواداران شورای ملی مقاومت در ایتالیا جلسه‌یی در رابطه با نقض حقوق بشر و حقوق زنان در ایران در شهر رم برگزار گردید.

جلسه ابتدا با نمایش سمبلیک اعدام یک زن آغاز شد و در ادامه فیلمی از صحنه‌های سرکوب خیابانی جوانان و زنان و حلق‌آویز در ملأعام پخش گردید.

بعد از آن خانم شهرزاد شعله، مسئول انجمن زنان، به‌سخنرانی پرداخت. وی در سخنانش ضمن برشمردن جنایات و محکومیتهای رژیم در مراجع بین‌المللی، به سخنرانی پرداخت و خواستار اقدامات فوری بین‌المللی برای توقف اعدامها وجنایات وحشیانه آخوندها در ایران گردید.

سپس خانم ترانه داوران، از اعضای کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت، ضمن برشمردن جنایات و محکومیتهای رژیم در مراجع بین‌المللی و افشای پروژه‌های اتمی آن توسط مقاومت ایران، سیاست مماشات با آخوندها را محکوم نمود و بر ضرورت تغییر دموکراتیک در ایران و حمایت از فراخوان رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی، برای اقدام عاجل بین‌المللی به‌منظور توقف اعدامها تأکید کرد.

در ادامه برنامه صحنه‌هایی از هنرنمایی رزمندگان مستقر در اشرف پخش گردید.

تجمع اعتـراضی کمیتـه ایـرانی ـ ایتالیـایی «دفاع از حقوق مدنـی و دموکراسی برای ایـران» در مرکز اسـتان پیـه مونتـه ایـتالیـا

همزمان با برگزاری یک اقدام سراسری با شرکت بیش از ۵۰انجمن حقوق بشری، فرهنگی، سندیکایی و محلی در ایتالیا که به دعوت مجمع حقوقی تلاش برای جدایی دین از دولت سازماندهی شده بود، روز یکشنبه ۲۳سپتامبر(اول مهرماه) یک اقدام اعتراضی علیه نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران به دعوت کمیته ایرانی- ایتالیایی «دفاع از حقوق مدنی و دموکراسی برای ایران» در شهر تورینو مرکز استان پیه مونته برگزار شد.

در این حرکت اعتراضی، تصاویری از نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران به نمایش گذاشته شد.

هم‌چنین متن فراخوان رئیس جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی در استمداد جهانی برای توقف ماشین سرکوب و اعدام در ایران توزیع گردید.

بیش از۳۱انجمن سراسری و بین‌المللی با امضای فراخوانی، حمایت و همبستگی خود را با مردم و مقاومت ایران ابراز داشتند. تشکلهای امضاکننده عبارتند از:

۱ـ انجمن زنان تورینو
۲ـ مجمع حقوقی تورینو برای لائیسیته
۳ـ انجمن بین المللی اتحاد زنان درایتالیا
٤ـ انجمن دموکراتیک معلمان در ایتالیا
۵ـ مؤسسه پژوهشی روسلی
٦ـ انجمن سیاست سوسیالیستی استان پیه مونته
۷ـ انجمن رادیکالها
۸ـ مؤسسه فرهنگی ساندرو پنا نویسنده و شاعر معروف ایتالیایی
۹ـ انجمن فرهنگی آلترا
۱۰ـ انجمن سراسری فرهنگ و بهداشت
۱۱ـ انجمن زنان فریدا مالانا
۱۲ـ انجمن غیر مذهبیان ومنطق گرایان
۱۳ـ انجمن اندیشه آزاد
۱٤ـ انجمن تبادل عقاید درتورینو
۱۵ـ انجمن هماهنگ کننده خانواده
۱٦ـ انجمن گیلبرتو بوسکو
۱۷ـ انجمن اطلاعات و ادبیات و روانشناسی
۱۸ـ انجمن مری دیانا
۱۹ـ انجمن موزه‌های جدید
۲۰ـ مجمع لائیک معنویات در تورینو
۲۱ـ انجمن لائیکهای تورینو
۲۲ـ انجمن فرهنگی لوگانو
۲۳ـ مؤسسه پژوهش واطلاعات پیرو گوینی
۲٤ـ انجمن کاوالارو فی آنو
۲۵ـ انجمن باندو رادس
۲٦ـ انجمن پیروتیل پلاتون
۲۷ـ انجمن لوب اسکالو
۲۸ـ انجمن ای ای جی تورینو
۲۹ـ انجمن اکسیزست ایتالیا
۳۰ـ انجمن آفتابگردان
۳۱ـ انجمن سیاست سوسیالیستی استان پیه مونته برای حزب دموکراتیک

تجمع اعتراضی ایرانیان آزاده در تورنتـو کـانـادا علـیه پاسدار احمدی‌نژاد و نقـض حقـوق بـشردر ایـران

روز سه‌شنبه ۳مهر، حامیان مقاومت در شهر تورنتو ـ کانادا، علیه شرکت پاسدار احمدی‌نژاد در مجمع عمومی ملل متحد و نقض حقوق‌بشر در ایران، یک تجمع اعتراضی در مقابل شهرداری تورنتو واقع در مرکز شهر برگزار کردند. آنها در حالی که تصاویر اعدام و شکنجه، به‌خصوص اعدام جوانان و زنان را در کنار عکسهایی از احمدی‌نژاد با عباراتی چون «شیطان فرود آمد»، «برو به‌جهنم»... در دست داشتند، شعار می‌دادند:

احمدی‌نژاد یک تروریست است، او را از سازمان ملل متحد اخراج کنید. نه جنگ و نه مماشات، حمایت از راه‌حل سوم خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران.

ضیایی از برگزارکنندگان تجمع در مصاحبه‌یی با خبرنگاران، با اشاره به این‌که شخصاً پاسدار احمدی‌نژاد را می‌شناسد گفت در زمانی که زندانی سیاسی بوده، احمدی‌نژاد با نام مستعار «گلپا» یکی از شکنجه‌گران وی بوده است. یکی از خانمهای شرکت‌کننده در این تجمع در مصاحبه با خبرنگارتلویزیون امه، گفت احمدی‌نژاد یک تروریست است و مردم ایران کل این رژیم ضدبشری را قبول ندارند، همه سردمداران این رژیم علیه منافع مردم عمل می‌کنند و جنایتکار هستند. وی ضمن اشاره به راه‌حل سوم ارائه‌شده توسط رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت، گفت در آینده نزدیک شاهد آزادی مردم ایران خواهیم بود.

تجمع اعتراضی حامیان مقاومت در کلن ـ آلمان در اعتراض به‌موج اعدام و سرکوب در ایران

بعدازظهر روز جمعه ۱۳مهر ایرانیان آزاده در شهر کلن در ادامه کارزار خود علیه ملایان توروریست حاکم بر ایران، با برگزاری یک آکسیون در مرکز این شهر ادامه اعدام و سرکوب مردم بیدفاع ایران توسط حاکمیت قرون وسطایی آخوندی را محکوم کردند و دست به افشاگری درمورد نقض حقوق بشر در میهنمان زدند.

در این مراسم، هموطنانمان علیه پاسدار جنایتکار احمدی‌نژاد و تمامیت رژیم آخوندی شعار می‌دادند و سیاست مماشات با رژیم ضدانسانی آخوندها را محکوم کردند.

دبیرکل شورای اسلامی عربی در بیروت: اگر به‌مقاومت ایران برای سرنگونی رژیم ایران کمک نکنیم، کشورهای عربی، برای همیشه در خطر خواهند ماند

علامه محمدعلی الحسینی، دبیرکل شورای اسلامی عربی در بیروت، طی مصاحبه‌یی با خبرگزاری اخبار عراق، گفت: رژیم ولایت‌فقیه در منطقه نقش کودتاگرانه، اشغالگرانه، استبدادی و سلطه‌جویانه دارد و اگر به مقاومت ایران برای سرنگونی رژیم ایران کمک نکنیم، کشورهای عربی، برای همیشه در خطر خواهند ماند.

وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر دخالتهای رژیم آخوندی در عراق، لبنان، فلسطین و کشورهای خلیج فارس، گفت: این زخم که در میهن ما و لبنان و فلسطین وجود دارد در نتیجه دخالتها و طمع‌ورزیهای رژیم ولایت‌فقیه حاکم بر ایران است. کمکهایی که به حزب‌الله می‌کند هدف‌دار است و به‌دنبال سیاستهایش در منطقه می‌باشد و می‌خواهد آن را به‌عنوان ابزاری در لبنان مورد استفاده قرار بدهد.

علامه، سیدمحمد علی الحسینی، گفت: این رژیم به‌طور علنی در لبنان و عراق دخالت می‌کند. ما شیعیان عرب به‌دنبال آزادی و استقلال هستیم و رژیم آخوندی می‌خواهد شیعه را به خائن و ستون پنجم خود تبدیل کند. ما ستون پنجم رژیم ایران نخواهیم شد.

دبیرکل شورای اسلامی عربی گفت: رژیم ایران وحدت اعراب را نمی‌خواهد. و با دخالتهای خود، بین آنها تفرقه ایجاد می‌کند. این رژیم در حال حاضر، قصد دارد در انتخابات ریاست‌جمهوری لبنان دخالت کند. این رژیم ۱٤میلیون دلار به لبنان ارسال کرده است تا میان افراد ضعیف‌النفس توزیع شود و کسی را انتخاب بکنند که وابسته به رژیم ایران باشد. وی افزود: اینها همه درحالی است که رژیم ایران هنوز سلاح اتمی ندارد پس اگر سلاح اتمی به‌دست بیاورد نمی‌بینید که سرنوشت اعراب چه می‌شود؟ من از طریق شما به برادران عرب به پادشاهان و رؤسای‌جمهور پیام می‌فرستم که هشیار باشید و به این رژیم مطلقاً فرصت ندهید که سلاح اتمی به‌دست بیاورد. چرا که سلاح اتمی منبع خطر برای ما است. وی در پایان گفت: من به‌صراحت می‌گویم اگر می‌خواهیم که مستقل بوده و از گزند رژیم ایران در امان باشیم بایستی به مقاومت قهرمانانه ایران برای نابودکردن این رژیم کمک کنیم. اگر به‌مقاومت ایران در سرنگون‌کردن این رژیم کمک نکنیم، کشورهای عربی برای همیشه درخطر خواهند بود(سایت خبرگزاری اخبار عراق ۷مهر۸٦).

اعتراض ایرانیان آزاده در بوروس (سوئد) علیه موج اعدامها در ایران

روز شنبه ۱٤مهر حامیان مقاومت ایران در شهر بوروس، برای ششمین بار یک آکسیون اعتراضی علیه موج اعدام جوانان در ایران برگزار کردند. شماری از اعضای عفو بین‌الملل در این شهر در این تجمع شرکت داشتند و بیانیه‌یی در محکومیت اعدامها در ایران قرائت کردند.

روزنامه حکومتی آفتاب یزد حضور پاسدار احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا را بی‌حاصل و مایه فضاحت دانست

روزنامه حکومتی آفتاب یزد، در سرمقاله شماره ۱۵مهر خود سفر پاسدار احمدی‌نژاد به نیویورک و حضور وی در دانشگاه کلمبیا را بی‌حاصل و مایه فضاحت دانست و نوشت: «اگر فرضاً رئیس دانشگاه کلمبیا، رسم ادب را به‌جا می‌آورد و به جای اهانت به رئیس‌جمهور ایران، از او تجلیل می‌کرد، از برنامه سخنرانی دکتر احمدی‌نژاد در دانشگاه کلمبیا چه هدفی تعقیب می‌شد؟ به‌عبارت واضح‌تر، به‌امید کدام دستاورد، ریسک حضور در چنین جلسه‌یی به‌رغم احتمال برخی وقایع ناخوشایند، پذیرفته شد؟ باز هم واضح‌تر، در متن سخنرانی رئیس‌جمهور ایران، کدام نکته جدید وجود داشت... مردم هنوز نمی‌دانند در ملاقات با رهبران حاضر در نیویورک، کدامین مسأله بین‌المللی ایران حل گردیده و یا چه دستاورد مشترکی نصیب ایران و طرفهای مذاکره شده است؟ تنها به بیان احساسی دستاوردهای ناشی از حادثه کلمبیا می‌پردازند و از حمله شدید سران ملاقات کننده با احمدی‌نژاد به اهانت‌کنندگان خبر می‌دهند. اما نمی‌گویند این افراد چند نفر بوده‌اند و چرا مخالفت خود را به جای طرح در اتاق دربسته، در برابر دوربینها مطرح نکرده‌اند تا انعکاس جهانی داشته باشد؟»

تجمع اعتراضی حامیان مقاومت در تورنتو علیه مـوج اعـدام و سرکوب در ایران

روز پنجشنبه ۱۲مهرماه نیز جمعی از حامیان مقاومت در مرکز شهر تورنتو گرد آمدند تا برای چهارمین هفته متوالی شکنجه و اعدامهای سبعانه توسط رژیم ددمنش ملاها را محکوم کنند. آنها که تصاویر اعدام و شکنجه و پلاکاردهایی در افشای جنایات رژیم را در دست داشتند، ضمن اعلام حمایت از مقاومت ایران و تأکید بر سرنگونی دیکتاتوری آخوندها، از دولت کانادا خواستند که در مجمع عمومی ملل متحد امسال، قطعنامه شدیداللحنی علیه نقض حقوق بشر در ایران مطرح کند.